

خبرنامه عدالت کیفیری

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

فصل‌نامه علمی - حقوقی / سال سوم / شماره دهم / زمستان ۱۳۹۹



معاونت فرهنگی، اجتماعی

خبرنامه عدالت کیفری



گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی
دانشکده حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

«حاکم اگر در عفو به خطا رود بهتر از آن است که در کیفر به خطا افتد»

امام علی علیه السلام

فصل‌نامه علمی-حقوقی

سال سوم / شماره دهم / زمستان ۱۳۹۹

صاحب امتیاز: گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مدیر مسؤول: دکتر نسرين مهرا

سرديبر: سحر سهيل مقدم

هیات تحریریه: : فرشاد چنگایی، مهدی حسینی، عارف خلیلی پاجی، محمدرضا خطشب، دکتر حامد رهدارپور،

امین زحمتکش، عبدالحسین سلطانی‌رنانی

هیأت داوران: سیده مریم برش‌نورد، فرشاد چنگایی، عارف خلیلی پاجی، امین زحمتکش (دانشجویان دوره دکتری

حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی) - دکتر محبوبه امینی (عضو هیات علمی دانشگاه یزد)

همکاران: سعدی ابراهیم‌زاده، مهرنوش ایمانی، پریسا پورهاشمی، حمیدرضا حیدرپور، امیرحسین خسروآبادی، دکتر

باقر شاملو، زهرا شیری، منصوره قنبریان بانوئی، دکتر مجید قورچی بیگی، دکتر نوروز کارگری، سجاد لشکری‌آذر،

فرشید نظری، راضیه همراهی

ویراستار ادبی: پریسا پورهاشمی

صفحه‌آرایی: بهار خلیلی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، طبقه اول، دفتر انجمن ایرانی حقوق جزا

ایمیل: criminaljusticebulletin2018@gmail.com

تلفن و فکس: ۰۲۱۲۲۴۳۱۷۵۵

همراه: ۰۹۱۲۲۱۹۸۰۴۱

فهرست

۵ سخن سردبیر

۶ مصاحبه

۱۰ گزارش

۱۸ جرم دولتی در سنجه جرم‌شناسی انتقادی

۲۳ ارزیابی تحریم‌های اقتصادی دولت‌های فرادست علیه ملت‌های فرودست از
منظر رویکرد جرم‌شناسانه جرایم دولتی

۳۱ مروری بر جرم‌شناسی جرایم دولتی

۳۷ تروریسم دولتی

۴۱ نقض حقوق اساسی شهروندان توسط نهادهای حاکمیتی

۴۷ تازه‌های طرح

۴۸ تازه‌های نشر

سخن سردرپرس



به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت، حاشیه امن برای دولت‌های فرادست ایجاد کرده است تا آنان با آرامش خاطر به ارتکاب اقدامات ضد بشری بپردازند. نویسنده متن «مروری بر جرم‌شناسی جرایم دولتی» علاوه بر مروری بر ادبیات پژوهش در حوزه جرایم دولتی و تبیین جرایم دولتی از دیدگاه بیشترین بی‌تفاوتی و کم‌ترین واکنش اجتماعی به معرفی مقاله و کتب این حوزه جهت آشنایی بیشتر خوانندگان پرداخته است. نویسنده متن «تروریسم دولتی» تنها راه حل پایان دادن به خشونت را تغییر ساختار سیاست، اصلاح اندیشه‌های سیاسی و تغییر برداشت‌ها از قدرت برای تغییر در وضعیت موجود را پیشنهاد می‌دهند. نویسنده «نقض حقوق اساسی شهروندان توسط نهادهای حاکمیتی» به دنبال شناسایی عملکردهای منفی نهاد های حکومتی علیه حقوق تصریح شده شهروندان در قانون اساسی است و به تبیین حقوق شهروندان، مصادیق نقض حقوق اساسی شهروندان و ضمانت اجرای کیفری آن می‌پردازد. در ادامه مطالب به رسم همیشه در بخش «گزارش» به شرح فعالیت‌های علمی و سخنرانی‌های برگزار شده گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق شهید بهشتی و انجمن ایرانی حقوق جزا خواهیم پرداخت و در پایان به معرفی تازه‌های طرح، تازه‌های نشر فارسی و لاتین نیز اشاره خواهد شد.

با توجه به نوپدید بودن جرایم دولتی در عرصه حقوق کیفری، تصمیم گرفته شد این شماره فصلنامه علمی- حقوقی خبرنامه عدالت کیفری به موضوع جرایم دولتی اختصاص یابد و نویسندگان این شماره جنبه‌های مختلف این موضوع را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. جرم دولتی را می‌توان بدین گونه تعریف کرد که دولت‌ها به نحوی، مرتکب مستقیم یا مسبب غیرمستقیم و یا منتفع جرم ارتكابی هستند؛ در اینجا به این تعریف اکتفا می‌شود و تفصیل بیشتر جرم دولتی و مصادیق آن را به متن‌های نویسندگان این شماره واگذار خواهیم کرد. در این شماره با جناب آقای دکتر باقر شاملو عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی مصاحبه کرده‌ایم و ایشان در ابتدا به تبیین جرایم دولتی از آغاز تا به امروز پرداخته‌اند و سپس به سوالات مصاحبه پاسخ دادند. نویسنده متن «جرم دولتی در سنجه جرم‌شناسی انتقادی» در ابتدا به تبیین و مفهوم‌شناسی جرایم دولتی در پرتو جرم‌شناسی انتقادی می‌پردازد و در ادامه به مصادیق جرم دولتی اشاره می‌کند. نویسنده متن «ارزیابی تحریم‌های اقتصادی دولت‌های فرادست علیه ملت‌های فرودست از منظر رویکرد جرم‌شناسانه جرایم دولتی» به دنبال پیوند تحریم اقتصادی و جرم دولتی است و معتقد است عدم شناسایی کنش‌های مجرمانه بازیگران دولتی و عدم

مصاحبه

جرایم حکومتی از آغاز تا به امروز

تنظیم کننده: پریسا پورهاشمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهیدبهبشتی

داشته باشد.

در مرحله نخست قدرت یا دولت مفهومی قدسی بود که تصور می شد با احکام خیر و شر عالم بالا یا عالم مثل مطابقت دارد، این رویکرد در فلسفه چین قدیم یا یونان باستان ریشه دارد. در این مرحله قدرت یا دولت مردان نمایندگان خدایگان عالم بالا بودند و از قدرت و مصونیت کامل برخوردار بودند و رفتارشان عین خیر و مصلحت تلقی می شد. مرحله دوم برگرفته از مدل‌های ارائه شده توسط حاکمان تحت تاثیر تعالیم حضرت عیسی مسیح (ع) بود. در این دوره که بی شباهت به دوره نخبین نیست، تنها مرجع تشخیص خیر و مصلحت و تفسیر امور حاکمان منصوب به کلیسا و قدرت‌های الهی بودند. طی قرن‌های استیلای این رویکردها جرم حکومتی اساساً معنا نداشت چون تشخیص و کردار صاحبان قدرت تجسم حق بود و کسی قدرت تعرض به آن‌ها نداشت مگر قدرتی موازی با ایشان. مرحله سوم مفهوم قدرت و دولت پس از عصر روشن فکری شکل می گیرد؛ در این دوره همچنان در ماهیت قدرت و تشخیص مصلحت تغییری ایجاد نمی شود اما شیوه اعمال و سرچشمه آن دگرگون می شود. منشأ آن دیگر الهی و عالم ماوراءالطبیعه نیست بلکه جامعه و قرارداد اجتماعی است. در این مرحله دولت و حاکم مفهوم ناظم را دارد منتها کماکان برتر و مصون از تعرض است، همچنان مصالح عمومی



در این شماره با جناب آقای دکتر باقر شاملو عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهبهشتی مصاحبه کرده‌ایم. ایشان در ابتدا به بیان مقدمه‌ای در خصوص مراحل ظهور جرم حکومتی پرداختند و سپس به سوالات پاسخ دادند.

مفهوم دولت و قدرت در طول تاریخ پنج مرحله را طی کرده است. برای درک بهتر مفهوم جرم حکومتی اشاره کوتاهی به این مراحل می شود و البته با توجه به اینکه مباحث نظری ما نسبی است و ممکن است مصادیق نقض آن در هر نقطه زمانی یا مکانی وجود

با توجه عدم تمایل دولت‌ها به محدودسازی قدرت خود، فرض جرم‌انگاری جرایم دولتی به مفهوم واقعی خود، توسط دولت‌ها فرض بسیار بعید و تا حدودی غیر محتمل است. لذا در شرایط عادی هیچ دولتی زیر بار چنین مطلبی نمی‌رود مگر تحت شرایط خاصی و با فشارهای اجتماعی، مطالبه‌گری

شهروندان و نخبگان که آن هم در اثر انقلاب‌ها، شورش‌ها و یا برای خروج از انسداد سیاسی و مواردی از این دست اعمال می‌شود. بنابراین

در جرم حکومتی، سازمان‌مند بودن رفتار حکومت شرط لازم است

جرم‌انگاری در مفهوم حقوقی و به صورت مصرح در قانون فرض بعیدی است. اگرچه همان‌طور که بیان شد تحت شرایطی امکان‌پذیر است که البته مقدم بر آن تمهیداتی از قبیل اساسی‌سازی جرم حکومتی و نیز تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به این نوع جرایم، پیش‌نیازی ضروری است. لذا آنچه تاکنون در مورد جرم حکومتی بحث شده ناظر به تعاریفی از دیدگاه‌های غیر حقوقی است. جرم حکومتی بیشتر با رویکرد جرم‌شناختی به مثابه انحراف، با رویکرد آسیب اجتماعی‌شناسی به مثابه آسیب‌های طبیعی و رویکردهای اجتماعی و حقوق بشری به منزله نقض حقوق بشر تعریف شده است. لذا چنانچه در مقام جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری برای جرایم حکومتی باشیم این امر بدون ملاحظاتی که در بالا ذکر شد ممتنع است. به بیانی دیگر تعاریفی که تاکنون انجام پذیرفته مبتنی بر مفاهیم فراقانونی و عمدتاً تعاریف مبتنی بر ضابطه‌اند که در ادامه به این تعاریف خواهیم پرداخت.

جرم حکومتی به دنبال تعیین مسئولیت برای حکومت به سبب فعل‌ها و ترک فعل‌های اوست. به علاوه در جرم حکومتی، سازمان‌مند بودن رفتار حکومت شرط لازم است، بدین معنا که برای اینکه بتوانیم رفتار حکومت را ذیل جرم حکومتی بررسی نماییم، باید این رفتار حتماً در ابعاد گسترده و ناشی از رفتارهای حکومت - به عنوان یک کل باشد - و نه رفتار یک کارگزار حکومت. تعریف جرم در مفهوم حقوقی، موجب تعیین دقیق قلمرو جرم حکومتی خواهد شد. با این حال، عدم تعریف جرم حکومتی توسط حکومت‌ها و نیز چالش‌هایی نظیر ابزارگرایی حقوقی حکومت‌ها با استفاده از تعریف جرم، موجب تضعیف این رویکرد برای پذیرش آن می‌شود. هر چند مفهوم حقوقی از جرم موجب تسهیل پاسخ به کنش‌های مقامات و کارگزاران حکومت می‌شود. تعریف جرم‌شناختی از جرم نیز که جرم را به مثابه انحراف قلمداد می‌کند، باعث خارج ماندن و یا بالعکس گسترش بیش از حد برخی از کنش‌های حکومت در قلمرو جرایم حکومتی

بر مصالح فردی مقدم است و کردار دولت سنجه تشخیص حق از ناحق. مفهوم دولت ماکسیمالیستی یا حداکثری در این دوره شکل می‌گیرد. کتاب «لویاتان» نگاشته توماس هابز را می‌توان نماد تئوری مربوط به مفهوم قدرت و دولت در این دوره دانست. این رویکرد پس از عصر روشن‌فکری نهادینه شده و تا اوایل قرن نوزدهم تداوم می‌یابد. دوره

چهارم با مفهوم دولت و قدرت خدمت‌گزار شکل می‌گیرد که نمونه داخلی آن سلطنت مشروطه است. قوانین اساسی تدوین

می‌شوند و تفکیک قوا صورت می‌گیرد و بنابراین به تدریج گستره اختیارات دولت کاهش می‌یابد و افزون بر رعایت حقوق افراد و دادرسی عادلانه، جبران خسارت در قبال ایشان نیز مطرح می‌شود. در این دوران دولت هم واضع حقوق بشر است و هم مجری آن. رویکرد اصلی کشورها و دولت‌ها و جوامع استاندارد دوره پنجم که اکنون در آن به سر می‌بریم، رویکرد دولت و حاکم مکلف و پاسخ‌گو است. به عبارتی دولت مینی مالیستی یا حداقلی فقط وظیفه سیاست‌گذاری دارد و امور تصدی‌گری به مردم و بخش‌های دیگر واگذار می‌شود؛ دولت‌ها فقط نظارت عالی‌ه دارند و ترجیحاً از حوزه بسیاری از منافع خارج هستند. در این رویکرد دولت مجری احکام شایسته و مطلوب و تضمین‌کننده نفع و مصلحت عمومی است. از این رو، رضایت‌مندی یکی از معیارهای مهم سنجش اعمال دولت به شمار می‌رود. اصول به‌زمام داری و تضمین حقوق بنیادین مردم، جزء شاخص‌های ارزیابی عملکرد دولت‌هاست. دولت و نهادهای عمومی در برابر وقایع ناهنجار و حتی پیش‌بینی یا مدیریت بسیاری پدیده‌های طبیعی مانند سیل و زلزله نیز مسئول هستند.

این مقدمه لازم بود که روشن شود مفهوم جرم حکومتی اساساً در این دوره قابل طرح است؛ زیرا در این دوران است می‌توان دولت را پاسخ‌گو دانست و مورد سرزنش عمومی قرار داد. مفهوم جرم حکومتی به عنوان جرم کارگزاران حکومت یا جرایم ناشی از سیاست‌های حکومت قابل طرح است که با شرایط خاصی دولت‌ها می‌توانند مورد مؤاخذه قرار گیرند. در حال حاضر در آغازین گام‌های این رویکرد جدید هستیم و امید است هرچه سریع‌تر امکان مطالبه‌گری و مؤاخذه نسبت به دولت‌ها برای جوامع گسترش یابد.

۱. با توجه به تمایل دولت‌ها به کاهش ناپذیری قدرت عمومی و عدم جرم‌انگاری رفتارهای انحرافی و آسیب‌زای خود، تعریف جرم دولتی باید متکی بر جرایم مصرح در قانون باشد یا می‌توان مفهومی فراقانونی برای آن قائل شد؟

ضمانت اجراهای خاصی را نسبت به شخص حقوقی اعمال کرد. در واقع از آنجا که احتمالاً مبنای معافیت شخص حقیقی از مجازات مبتنی بر عدم سوءنیت وی و فقدان رکن روانی بوده است، با انتساب عاریه‌ای رکن مادی به شخص حقوقی و احراز تقصیر ناشی از ترک فعل می‌توان به محکومیت شخص حقوقی و اعمال ضمانات اجرایی در مورد آن اقدام کرد. زیرا اولاً عمده جرایم دولتی مبتنی بر تقصیر ناشی ترک فعل شخص حقوقی دولت است و نیازی به احراز سوءنیت نیست - حتی با توجه به آثار و خسارات گسترده جرایم دولتی، آن را نسبت به شخص حقوقی دولت می‌توان جرم مادی صرف قلمداد کرد - و دوم اینکه، ضمانت اجرای آن هم عمدتاً ناظر به بحث ضمان و جبران خسارت است که هم ضروری است و هم اعمال‌شدنی. در فرضی دیگر (جرم ایجابی) هم که با وجود فعل مجرمانه شخص حقوقی دولت و عدم تبعیت شخص حقیقی از انجام یا ترک فعل امر شده، می‌توان تحت شرایطی شخص حقوقی دولت را همچنان ولو به صورت خفیف‌تر و حداقلی مسئول دانست.

۴. نظر به مستثنی شدن اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در اعمال حاکمیت در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، رفتارهای آسیب‌زای دولت در اعمال حاکمیتی چون تخریب محیط زیست، کوتاهی در تأمین بهداشت عمومی و... چگونه قابل واکنش و پاسخ مناسب حقوقی هستند؟

با توجه به مستثنی شدن اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیر دولتی در اعمال حاکمیت در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی و محدود شدن شمول ماده به اعمال تصدی‌گری، متأسفانه در حال حاضر به اعمال حاکمیتی دولت نظیر تخریب محیط زیست و یا کوتاهی در تأمین بهداشت عمومی، از منظر جرم دولتی و مطابق قواعد آن نمی‌توان واکنش نشان داد که البته از موارد انتقاد به قانون‌گذار است. زیرا عمده جرایم دولتی در مقام اعمال حاکمیت به وقوع می‌پیوندد و نه در مقام تصدی‌گری و مستثنی کردن چنین امری نقض غرض به حساب می‌آید. تنها پاسخی که در این موارد به مرتکب شخص حقیقی می‌توان داد حبس تا یک سال مطابق ماده ۶۸۸ (۹۱۴) قانون مجازات اسلامی است. لازم به ذکر است پاسخ به چنین جرایمی با ورود دادستان به آن‌ها با استناد به بخشنامه‌های صادر شده موجه به نظر نمی‌رسد و در این زمینه ما ناگزیر به اساسی‌سازی و تقنین هستیم.

۵. از نظر شما اساساً عهدنامه‌های بین‌المللی

می‌شود. پذیرش جرم در مفهوم آسیب نیز موجب می‌شود، بزه‌دیدگان جرم حکومتی به‌حدی توسعه یابند که عملاً همه انسان‌ها بزه‌دیده تلقی شده و دیگر تشخیص بزه‌کار از بزه‌دیده ممکن نبوده و برای تشخیص آن شاهد نوعی تسلسل باشیم. اما راه میانه ترکیب تعریف حقوقی و جرم‌شناسی از جرم و ارائه تعریف جرم «به مثابه انحراف پایدار منجر به نقض حقوق شهروندی یا حقوق بشر» و جرم حکومتی «به مثابه انحراف ساختاری حکومت که منجر به نقض حقوق بنیادین شهروندان می‌شود» است. همچنین می‌توان جرم حکومتی را به اعتبار خسارات گسترده یا فوق‌العاده زیان‌بار برخی تصمیمات حاکمیتی یا دولتی تعریف کرد. در هر حال ارائه تعریف در چنین افقی نیازمند بهره‌مندی از نظرات خبرگان و مصلحان یک نظام حقوقی است؛ چون ارزش آن در حد یک اصل قانون اساسی ارزیابی می‌شود.

۲. رویکرد تعیین جرایم دولتی در حکومت‌های مبتنی بر اندیشه لیبرالیسم و حکومت‌های مبتنی بر اندیشه جمع‌گرایی مانند حکومت‌های سوسیالیست و کمونیست چه تفاوتی با هم دارند؟

تعیین جرایم دولتی و پاسخ دهی به آن در حکومت‌هایی که به خواست مردم توجه بیشتری شده و خواست ایشان در تصمیم‌گیری‌ها نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند و در واقع دموکراسی و یا مردم‌سالاری بیشتری دارند، نسبت به حکومت‌هایی که نوعی اقتدارگرایی دارند و یا به تعبیری توتالیترند، طبیعتاً بیشتر امکان دارد. بنابراین حکومت‌های لیبرال از ظرفیت بیشتری نسبت به حکومت‌های سوسیال و به ویژه کمونیست در این زمینه برخوردار است. در حقیقت پیش‌نیاز تعیین جرایم دولتی و پاسخ دهی به آن‌ها پاسخ‌گو کردن حکومت‌هاست که این امر مهم در جوامع سوسیال و کمونیست به دست نخواهد آمد. اگرچه این مطلب، لزوماً با لیبرال بودن حکومت‌ها هم ملازمه نخواهد داشت.

۳. اگر مبنای پذیرش مسئولیت کیفری دولت، اصل مجرمیت عاریه‌ای باشد، معاف شدن شخص حقیقی از مجازات، چه تأثیری بر مجازات شخص حقوقی دولت دارد؟

اگر چه مبنای مختلفی را برای پذیرش مسئولیت کیفری دولت می‌توان تعیین کرد اما چنانچه مبنا را اصل مجرمیت عاریه‌ای در نظر بگیریم، با معاف شدن شخص حقیقی از مجازات به نظر می‌رسد که بتوان

Routledge انتشارات Concepts in Criminology
در چهار جلد با عناوین:

Edited by William Chambliss, Chris

- 1) State Crime Moloney
- 2) Varieties of State Crime, Edited by William Chambliss, Chris Moloney.
- 3) Teaching, Researching, and Explaining State Crime, Edited by William Chambliss, Chris Moloney.
- 4) Confronting State Crime and the Future of State Crime Research, Edited by William Chambliss, Chris Moloney.

همچنین برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

- 1) Kozarich D, Mateo R, Miler WJ. (2011), *Victimology of State Crimes*. Translated by Ghurchi Beygi M. *Journal of Deputy of Research, Education & Citizenship Rights*.
- 2) Roth, Dawn L, David Kauzlarich (2014), *Towards Victimology of State Crime*, Routledge, London and New York.
- 3) Rothe, D. L. (2011). *State Crime*. In W. Chambliss (Ed.), *Key Issues in Crime and Punishment: Crime and Criminal Behavior*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- 4) Friedrichs DO. (2000), *State Crime or Governmental Crime: Making Sense of the Conceptual Confusion*. Edited by Ross JI. London: Transaction Publishers.

توانایی مقابله با جرایم حکومتی را دارند؟ یا عملاً ابزاری کم‌توان هستند که به سادگی با مفاهیمی چون امنیت ملی یا تمامیت سرزمینی خنثی می‌شوند؟

به نظر می‌رسد که عهدنامه‌های بین‌المللی توانایی مقابله با جرایم دولتی را به دلایل زیادی از جمله تعارض با تمامیت سرزمینی و امنیت ملی کشورها نخواهند داشت. در همین راستا دیوان کیفری بین‌المللی نیز که مهم‌ترین مرجع بین‌المللی در این زمینه است تنها صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص حقیقی را دارد و از رسیدگی به جرایم اشخاص منع شده است، فارغ از اینکه تا چه اندازه در قلمرو صلاحیت و مسئولیت‌های خود نیز توفیق داشته است. همچنین، حقوق بین‌الملل اساساً به دلایل ماهوی و غیرماهوی فاقد ضمانت اجرای لازم و کاربردی است. البته لازم به ذکر است که ابزارهای تنبیهی نهادها و سازمانهای بین‌المللی اعم از رژیم تحریم‌ها و یا پاسخ‌های نظامی و ...، به این دلیل که سبب ایجاد تنگناهایی بر مردم کشور مجرم شده و در نتیجه منجر به بزهدیدگی مضاعف آنان می‌شود، در مقایسه با سازوکارهای داخلی پاسخ‌دهی به جرایم دولتی مطلوبیت کمتری دارد. حتی می‌توان ظرفیت‌های فعلی سازوکارهای بین‌المللی را برای مقابله با جرایم دولتی تاحدی نامطلوب دانست که عدم به‌کارگیری آنها موجه‌تر است.

۶. آیا محاکمه مجرمان مربوط، در دادگاه‌های خاص منافی دادرسی عادلانه است یا اساساً ماهیت این جرایم ضرورت رسیدگی در محاکم ویژه‌ای را ایجاب می‌کند؟

محاکمه مجرمان مربوط به جرایم دولتی در دادگاه‌های خاص نه تنها منافی دادرسی عادلانه نیست بلکه به دلیل ماهیت این جرایم و به لحاظ تخصصی بودن و داشتن استانداردهای بالاتر برای رسیدگی، دادرسی عادلانه را نیز تضمین می‌نماید. در واقع محاکم عمومی و حتی اختصاصی فعلی به دلیل ماهیت و چگونگی این نوع جرایم، صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته و تعیین مرجع صلاحیت‌دار دیگری برای رسیدگی به جرایم دولتی که ذی‌شأن باشد از ضروریات دادرسی عادلانه است.

منابع قابل پیشنهاد برای مطالعه در قلمرو جرم حکومتی:

کتاب State Crime از سری کتاب‌های Critical

گزارش

تنظیم‌کنندگان: راضیه همراهی و زهرا شیرینی (دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی) و سعدی ابراهیم‌زاده (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی)

سه محور، نخست؛ کارویژه گروه ویژه اقدام مالی در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، دوم؛ تاریخچه فعالیت گروه ویژه اقدام مالی در زمینه ارزهای مجازی و سوم؛ راهنمای رویکرد ریسک‌مدار این گروه در زمینه ارزهای مجازی، به ارائه توضیحاتی به شرح ذیل پرداختند. ایشان در ابتدا بیان داشتند گروه ویژه اقدام مالی به عنوان یک سازمان بین‌الدولی در راستای توسعه سیاست‌های مبارزه با پول‌شویی تأسیس شده است. این گروه در چارچوب توجه به ریسک‌های مجرمانه در ارتباط با پولشویی، به حوزه فن‌آوری‌های نوظهور نیز نگاهی ویژه داشته و تلاش کرده است تا به پوشش آنها بپردازد. ایشان در ادامه با بیان اینکه این امر ضرورتی عملی است و از فهم این نکته نشأت می‌گیرد که اگرچه فن‌آوری‌های جدید، محصولات و خدمات مرتبط با آن، توانمندی‌های نوآورانه و کارآیی مشارکت مالی را توسعه می‌دهند، در عین حال، موقعیت‌های مجرمانه جدید را برای بزهکاران جهت تطهیر درآمدهای مجرمانه و یا تأمین مالی فعالیت‌های مجرمانه فراهم می‌سازند. از این‌رو، گروه مزبور با اتخاذ رویکرد ریسک‌مدار ۱ در اجرای مؤثر استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، به‌طور فعال بر خطرات مربوط به فن‌آوری‌های نوظهور از جمله ارزهای مجازی توجه داشته است. ایشان در نهایت با بیان اینکه گروه ویژه اقدام مالی تلاش کرده تا چارچوب کلی اتخاذ رویکرد ریسک‌مدار در تنظیم‌گری دارایی‌های مجازی را به موجب سند سال ۲۰۱۹ تشریح کند و اصول اساسی تنظیم‌گری در این حوزه را جهت الگوبرداری در سطوح ملی یا فراملی بیان دارد به تحلیل ابعاد سند مزبور پرداختند. در پایان نشست نیز به پرسش‌های حضار پاسخ

۱. دومین جلسه برخط انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۸/۹/۱۳۹۹ با عنوان «ضمانت اجرای کیفری عدم اجرای قانون (ترک فعل) توسط مقام‌های عمومی؛ امکان یا امتناع» با سخنرانی جناب آقای دکتر غلامحسین کوشکی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو هیات مدیره انجمن ایرانی حقوق جزا برگزار شد. خلاصه سخنرانی ایشان به شرح ذیل است: ترک فعل‌های مندرج در نظام کیفری ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: نخست، ترک فعل‌های قانونی منصوص که در متن قانون مجازات اسلامی و قوانین کیفری ذکر شده است؛ حال پرسشی که مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان یک ترک فعل به شکل کلی برای مقام‌های عمومی در نظر بگیریم که اگر به صورت کلی از اجرای قانون و تکالیف قانون استنکاف ورزند و خودداری کنند با یک ضمانت‌اجرای کیفری روبه‌رو خواهند بود؟ یعنی بر اساس شرح وظایف وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی ماموران عمومی، دارای تکالیف قانونی هستند؟ اگر از این تکالیف قانونی استنکاف ورزند آیا می‌توانیم آنها را مشمول ضمانت‌اجرای کیفری بدانیم؟ به‌نظر می‌رسد نظام حقوقی ما هنوز ماده قانونی در معنای موسع کلمه در این معنا ندارد؛ بنابراین، باید به قدر متیقن یعنی ترک فعل‌های منصوص بسنده کرد.

۲. سومین جلسه سخنرانی برخط انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۰/۳/۱۳۹۹ با عنوان «رویکرد ریسک‌مدار سیاست جنایی در برابر ارزهای مجازی، در پرتو استانداردهای گروه ویژه اقدام مالی FATF» برگزار شد. سخنران این نشست، جناب آقای عارف خلیلی‌پاجی، پژوهشگر دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، پیرامون

داده شد.

مربوط به کشتندگی نوعی در قتل عمدی است، زدن چاقو به قلب دیگری نوعاً کشتنده است. در خصوص معیار نوعی معیار ما انسان متعارف است اما سوال این است انسان متعارف کیست؟ دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است مثلاً یک نظر این است که این انسان متعارف نماینده مردم کوچه بازار است. نظر دیگر این است که انسان متعارف فاقد ویژگی فوق العاده است و نظر سوم این است انسان متعارف یک انسان ایده آل است. در دیدگاه سوم معیار نوعی انسان متعارف در سطحی بالاتر از متوسط از افراد جامعه تعریف می‌شود. ایشان در پایان به تبیین معیار شخصی و عینی در حقوق کیفری ایران پرداختند: مورد نخست عنصر معنوی مرتکب قتل عمدی با رفتار نوعاً کشتنده است (بند ۳ ماده ۲۹۰) که قانونگذار در این بند یکی از مصادیق قتل عمدی را آورده است که انسان متعارفی مرتکب فعل نوعاً کشتنده شود. ضمناً لازم به ذکر است تبصره ۱ همین ماده یک حالت عدول از این حکم را پذیرفته است. دو فرض را شما در نظر بگیرید فرض اول اینکه انسان متعارف رفتار نوعاً کشتنده‌ای انجام داده که انسانهای متعارف عالم به کشتندگی نوعی آن هستند. فرض دوم اینکه انسان متعارف رفتار نوعاً کشتنده‌ای را انجام داده که انسانهای متعارف عالم به کشتندگی نوعی آن نیستند. اما یک فرض سومی هم قابل تصور است که انسان غیر متعارف یک رفتار نوعاً کشتنده‌ای را انجام داده که انسانهای متعارف عالم به کشتندگی این رفتار باشند. مورد دوم در بحث عنصر معنوی جرایم غیرعمدی است. قانون‌گذار ما در یک تعبیر کلی بیان می‌کند که تحقق جرم غیرعمدی منوط به احراز تقصیر است، ماده ۱۴۵ مشخص نمی‌کند که تقصیرآميز بودن رفتار فرد را با خودش می‌سنجیم یا با یک انسان متعارف؟ روشن است که با معیار نوعی کار اثبات جرم خیلی ساده‌تر است چون دیگر لازم نیست که دنبال شواهد و مستندات برای اثبات حالت ذهنی متهم خاص برویم. اما سوال این است که آیا این هواداری حقوقدانان کیفری ایران از معیار نوعی با توجه به تبعات این معیار بوده یا خیر؟ اینکه ما با یک تعبیر کلی بگوییم معیار، معیار نوعی محض است یا حتی عکسش، دردی را دوا نمی‌کند چون هیچ کدام از این دو در فرض مطلق گره‌گشا نیستند. مورد سومی که در بحث معیار عینی و شخصی مطرح است این مساله است که قانونگذار ما در جهل حکمی معیار نوعی را مقرر کرده و در جهل موضوعی معیار شخصی. مورد چهارمی که این معیارها دارای اهمیت هستند بحث دفاع مشروع است، در رابطه با دفاع مشروع حداقل چهار مولفه داریم که باید معیارها را بسنجیم به این ترتیب: ۱. فعلیت یا قریب الوقوع بودن خطر، ۲. ضرورت دفاع، ۳. تناسب دفاع و حمله، ۴. قاصد بودن مدافع یا به عبارت دیگر آگاه بودن او از خطر یا حمله. در این موارد هم سوال مطرح می‌شود که آیا معیار شخصی حاکم است یا معیار عینی. مورد پنجم بحث اعتقاد به مهدور الدم بودن است. قتل به اعتقاد مهدور الدم بودن هم تابع معیار شخصی است یعنی

۳. نشست پنجاه و هشتم دوره دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۹ با عنوان «معیارهای ذهنی و عینی در حقوق کیفری» با سخنرانی جناب آقای دکتر مهدی صبوری‌پور عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. خلاصه‌ای از سخنرانی ایشان به شرح ذیل است:

در ابتدا ایشان به عنوان مقدمه بیان کردند، معیار شخصی در حوزه حقوق از تئوریهای لیبرال حقوق فردی نشأت می‌گیرد. از این دیدگاه مسئولیت کیفری باید زمانی تحقق پیدا کند که فرد دست به انتخاب رفتار و نتیجه آن رفتار بزند. در مقابل، معیار نوعی مبتنی بر رویکردهای فایده‌گرایانه و مبتنی بر تئوری‌های اصالت فایده است. گاه تحمیل مسئولیت کیفری باعث بازدارندگی عمومی و جلوگیری از بروز آسیب در آینده می‌شود و همین امر اعمال کیفر بر مرتکب رفتار آسینزنده را توجیه می‌کند. در واقع، غلبه منافع جمعی بر منافع فردی چنین واکنشی را ایجاب می‌کند. این دیدگاه تحلیل مجازات باعث می‌شود که مردم بیشتر به پیامدهای رفتارهای خودشان بیاندیشند و در نتیجه اعمال مخاطره‌آمیز کمتری را مرتکب شوند و به این ترتیب امنیت اجتماعی ارتقا می‌یابد. حقوق کیفری هم چیزی جز این را نمی‌خواهد. سپس ایشان به بیان انتقادات وارد بر معیار عینی و ذهنی پرداختند: اولین انتقاد وارد شده بر معیار عینی غیرمنصفانه یا به تعبیر دیگر ناعادلانه بودن معیار عینی است. وقتی می‌گوییم معیار عینی دیگر به ذهنیات افراد کار نداریم در نتیجه افرادی که پایین‌تر از سطح متوسط قرار می‌گیرند، افراد ضعیف و افراد کم هوش قربانی می‌شوند. دومین نقد وارد بر معیار عینی مغایرتش با اهداف مجازات‌ها است. سومین نقد وارد بر معیار عینی این است که این معیار با اندیشه قرارداد اجتماعی مغایرت دارد. وقتی شخص وارد قرارداد اجتماعی می‌شود اجازه نمی‌دهد که او مایه عبرت بقیه باشد. اما اتفاقی که در اعمال معیار عینی می‌افتد بخاطر رویکرد فایده‌گرایانه از فردی که به دیگری خسارت زده است مایه عبرتی می‌سازیم. در مقابل، نظریه ذهنی هم بی‌بهره از انتقاد نبوده است. اولین انتقاد وارد بر نظریه ذهنی بی‌ثبات بودن آن است، اعمال ضابطه ذهنی باعث می‌شود که ما به تعداد متهمان معیار داشته باشیم. دومین انتقاد آن است که احراز وضعیت ذهنی افراد بسیار دشوار است. سپس به ارائه توضیحاتی در مورد معیار نوعی پرداختند: ضمن معیار عینی یک معیار دیگری قابل طرح است، و آن معیار نوعی است؛ پس معیار نوعی معیار مستقلی نیست، در حقوق کیفری هم معمولاً همین معیار را در برابر معیار شخصی قرار می‌دهیم. معیار نوعی ضابطه‌های خارج از ذهن شخص است که براساس فرایند عادی و روند عادی امور تعیین می‌شود. مصداق بارز این معیار در حقوق بحث

تلاش‌های دانشگاه ابن‌سینا برای گسترش فرهنگ پژوهش در سطح جامعه علمی کشور و ارتقای روحیه همکاری‌های علمی میان نهادهای آموزشی و علمی در داخل و خارج کشور سخن گفت و بر عملی شدن مفاد تفاهم‌نامه تاکید کرد.

در پایان نشست، دکتر محمدموسی اکبری، دکتر محمدصادق دهقان، دکتر قاسم قاسمی و سحر سهیل مقدم متن تفاهم‌نامه را امضا کردند و دکتر دهقان و سحر سهیل مقدم به عنوان نمایندگان دو نهاد معرفی شدند تا اجرای مفاد این سند به صورت دقیق و همه‌جانبه پیگیری شود.



۵. نشست پنجاه و نهم دوره دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ با عنوان «گزاره و ناگزاره در حقوق کیفری» با سخنرانی جناب آقای دکتر حسن عالی‌پور عضو هیات علمی دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران برگزار شد. خلاصه‌ای از سخنرانی ایشان به شرح ذیل است:

عنوان گزاره یا ناگزاره در حقوق کیفری بیشتر پیرامون این سوال است که چرا برخی گزاره‌ها در حقوق کیفری و در منابع آن منعکس نیست ولی ما آن را به کار می‌گیریم و دارای آثار حقوقی هستند؟ در حقوق جزا با برخی از گزاره‌ها مواجه هستیم که در منابع حقوق کیفری به صراحت مطرح نشده‌اند و از جمله آنها می‌توانیم به جرم مطلق و مقید اشاره کنیم که تصریحی از جهت معرفی آنها در قانون و منابع الزام‌آور حقوق کیفری وجود ندارد. همچنین به دسته‌بندی رفتارها به جرم مرکب، مستمر و به عادت اشاره می‌کنیم که باز تصریحی در قانون ندارد و به همین صورت تفکیک بین جرایم ناقص که باز از این جهت قانون تصریحی ندارد ولی می‌خواهیم بگوییم که این گزاره‌ها آثار و پیامدهای بسیاری هم در بحث حقوقی و هم در بحث قضایی ایجاد می‌کنند که نشان می‌دهد همه آن گزاره‌های حقوق کیفری لزوماً در متون قانونی یا منابع الزام‌آور حقوق جزا که قانون و منابع تجویزی که قانون اجازه می‌دهد که ما به آن مراجعه کنیم پیش‌بینی نشدند. مطلق و مقید بودن جرم درجایی تعریف

همین که مرتکب بر این اعتقاد بوده است که کسی مه‌دور الدم است ولو اینکه اعتقادش غیرمتعارف باشد ما قصاص را از او ساقط نمی‌کنیم. ایشان در نتیجه بیان کردند در وضعیت ذهنی مجرم دیدیم که قانون‌گذار ما از یک رویه واحد تبعیت نکرده است. در جایی معیار شخصی و در جای دیگر معیار نوعی را انتخاب کرده است و در جایی که سمت معیار شخصی رفته است آن را محدود نکرده است، باید دنبال نظام واحدی باشیم چون این وضعیت نظام واحدی را ترسیم نمی‌کند.

۴. انعقاد تفاهم‌نامه همکاری‌های علمی بین انجمن ایرانی حقوق جزا و دانشگاه ابن‌سینا در افغانستان

انجمن ایرانی حقوق جزا با هدف انجام طرح‌های پژوهشی و آموزشی، همکاری در برگزاری نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی، تبادل تجارب، استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی مشترک، تلاش برای تشکیل نهادهای حقوقی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای انجام پژوهش‌های مختلف در حوزه حقوق کیفری و جرم‌شناسی و ... اقدام به انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با دانشگاه ابن‌سینا در کشور افغانستان نموده است. این جلسه در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۷ در دفتر انجمن ایرانی حقوق جزا با حضور دکتر قاسم قاسمی (رئیس انجمن)، سحر سهیل مقدم (عضو هیات مدیره انجمن)؛ دکتر محمدموسی اکبری (سرپرست دانشگاه ابن‌سینا و معاون علمی و تدریسی)، دکتر عبدالله ذکاوت (عضو دپارتمان روابط بین‌الملل دانشگاه ابن‌سینا)، دکتر محمدصادق دهقان (عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه ابن‌سینا) برگزار شد.

در آغاز نشست دکتر قاسم قاسمی به بیان فعالیت‌های علمی و پژوهشی انجمن در داخل و خارج از ایران (عضویت انجمن در انجمن بین‌المللی حقوق جزا) پرداختند. سپس دکتر محمدموسی اکبری به معرفی جامع دانشگاه ابن‌سینا پرداختند: «این دانشگاه اولین دانشگاه غیرانتفاعی در افغانستان است که با مجوز رسمی وزارت تحصیلات عالی افغانستان در سال ۱۳۸۹ تاسیس شده است، ۱۳ نفر عضو موسس این دانشگاه هستند و دارای شش دانشکده به نام‌های علوم سیاسی، حقوق، علوم اجتماعی، اقتصاد و مدیریت، مهندسی و علوم کامپیوتر است؛ در این شش دانشکده مقطع کارشناسی وجود دارد ولی در دو دانشکده حقوق و علوم سیاسی در سه رشته مقطع کارشناسی ارشد نیز وجود دارد (حقوق جزا و جرم‌شناسی، حقوق خصوصی و روابط بین‌الملل). در شش دانشکده مذکور در مقطع لیسانس نزدیک به دو هزار دانشجوی وجود دارد؛ در مقطع ارشد در سه رشته حدود نهمصد دانشجوی وجود دارد؛ در رشته حقوق در مجموع کارشناسی و ارشد حدود هشت- نهصد دانشجوی وجود دارد.» و در ادامه افزود: «روابط ایران و افغانستان از نگاه اشتراک تاریخی و فرهنگی اقتضا می‌کند گام‌های جدی‌تری برای تقویت ارتباط‌های این دو ملت برداشته شود. استفاده دو کشور از تجربه‌های همدیگر سبب می‌شود توسعه در همه بخش‌ها تسهیل شود.» وی از

چنین تفسیر کند که جرم آنی تلقی شود؛ یک پولشو ممکن است مشمول یک چهارم جزای نقدی شود و پولشوی دیگری محکوم به حبس درجه پنج شود. این گزاره‌ها چنین آثاری را دارند و ما نمی‌توانیم در حد فن تفسیر یا دیدگاه‌های دکترین تلقی کنیم. گاهی لازم است که در خصوص گزاره‌ها و ناگزاره‌ها صحبت از دسته‌بندی کنیم به این معنا که گزاره‌هایی که جنبه عینی و نوعی دارند را تقویت کنیم و گزاره‌هایی که جنبه شخصی دارند را به تشخیص قضایی واگذار کنیم.

۶. پنجمین جلسه سخنرانی برخط انجمن ایرانی حقوق جزا در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۳۰ با عنوان «نظام حقوق کیفری چین باستان و چین مدرن» با سخنرانی جناب آقای دکتر شونگ چی استاد حقوق کیفری مقایسه‌ای و حقوق کیفری بین‌المللی در دانشگاه ووهان چین، پژوهشگر سابق موسسه ماکس پلانک و نایب رئیس دادگاه منطقه‌ای شهر ووهان برگزار شد. خلاصه‌ای از سخنرانی ایشان به شرح ذیل می‌باشد:

۱- نظام حقوق کیفری چین باستان

در جهان بینی چین باستان، حقوق از قاعده لی (Li) نشات گرفته است. سیستم لی سیستمی است که سلسله مراتب برتری و فرومایگی را ایجاد می‌کند و دو اندیشه اصلی در آن وجود دارد: یکی احترام گذاشتن و اطاعت از امپراتور و دیگری اطاعت پسر از پدر، زن از شوهر و برادر کوچک‌تر از برادر بزرگ‌تر. در کل دوره چین باستان تفکر اصلی در برخورد با منازعات اجتماعی این است که یک دعوی حقوقی می‌بایست در ابتدا و قبل از ارجاع به دادگاه توسط سیستم لی، یعنی خود مردم، حل و فصل شود و در تعارض بین لی (آداب و آیین) و فا (قانون)، لی اعتبار بیشتری دارد. در این دوران دو جریان فکری حقوقی اصلی متعارض، یعنی کنفوسیوسیسیم و قانون‌گرایی، وجود دارد که سیستم لی با تفکرات حقوقی کنفوسیوسیسیم سازگارتر است. وفق این تفکر جدا کردن حقوق از اخلاق اشتباه است و سلامت اجتماع در گرو این است که روابط مسالمت آمیز اجتماعی از فضیلت و پرهیزکاری نشات بگیرد نه از ترس دستگیر شدن و برای جلوگیری از مجازات. لکن وفق اندیشه قانون‌گرایی، قانون بر هر هنجار اجتماعی دیگر از جمله هنجارها و قواعد اخلاقی برتری دارد و روش موثرتر برای کنترل رعایا و حفظ قدرت است. چین باستان در طول تاریخ تنها یک سلسله قانون‌گرایی را به عنوان ایدئولوژی ملی پذیرفت و تمامی سلسله‌های دیگر ترکیبی از کنفوسیوسیسیم و قانون‌گرایی بودند. تفکر اصلی حقوقی این دوره این است که اخلاق را به مردم آموزش دهید و کاستی‌ها را با مجازات جبران کنید. در مجموعه قوانین کیفری این دوران از یک سیستم پنج مجازاتی پارو زدن یا فلک و شلاق زدن، کار اجباری، تبعید یا اخراج و مجازات اعدام استفاده می‌شد.

۲- نظام حقوق کیفری چین مدرن

اولین تغییر و مدرنیزه‌سازی سیستم عدالت کیفری در اوایل

نشده است و پرسشی که مطرح می‌شود این است که یک جرم مطلق چیست و یک جرم مقید ناظر به کدام جرم است؟ در تشخیص جرم مطلق و مقید دست کم به چند اثر می‌رسیم. اولین مورد تشخیص رکن روانی است. در اینجا قاضی باید عمد در رفتار و علم به موضوع را احراز کند و چنانچه جرم عمدی مقید بود نتیجه یا علم به وقوع نتیجه را احراز کند. مهم است که ما بدانیم سرقت یک جرم مطلق یا مقید است چون اگر جرم مطلق باشد قاضی برای رکن روانی فقط کافی است احراز کند که سارق عمد در رفتار و علم به موضوع داشته است ولی اگر مقید باشد قاضی علاوه بر عمد در رفتار و علم به موضوع باید اصل نتیجه یا علم به وقوع آن را هم احراز کند. این گزاره‌ها در قانون یا منابع قانونی منعکس نشده‌اند ولی چون آثار حقوقی بسیاری دارند اختلاف در آن سبب اختلاف در تصمیم‌گیری بین قضات می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که گزاره‌بندی یا قاعده‌گرایی کدام به نفع حقوق جزای عمومی است؟

پاسخ به این سوال ساده نیست. در رابطه با نحوه استناد مسئولیت در بحث سبب و مباشر که یک قاعده است به هر اندازه که قاعده نداشته باشیم بهتر است و در ارتباط با برخی از قواعدی که حقوق دارد مثل قانون خاص مقدم، قانون عام موخر را تخصیص می‌زند این مهم چهره قاعده نداشته باشد در حقوق جزاء منطقی‌تر است. اما از طرفی ما با مفاهیمی مواجه هستیم که ممکن است به تقویت حقوق جزا بیانجامد. جایی که مثلاً صحبت از جرم مطلق و مقید می‌کنیم، جایی که صحبت از جرم مستمر و مرکب می‌کنیم، جایی که بحث تفکیک جرایم ناقص را انجام می‌دهیم و در واقع این‌ها اگر قانونی تصویب شده باشند به نفع حقوق جزاست. جایی که صحبت از رکن روانی می‌کنیم و چنانکه می‌دانیم برای اولین بار قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ رکن روانی را قاعده مند کرد که جرایم نیاز به رکن روانی دارند ولی آن را در ذیل مسئولیت کیفری مطرح کرد و ابهام بزرگی ایجاد کرد که آیا رکن روانی و شرایط ذهنی بخشی از شرایط مسئولیت کیفری هستند یعنی مرتکب جرم انجام می‌دهد و اگر رکن روانی نداشت جرم انجام داده و مسئول نیست یا اگر رکن روانی نداشت اصلاً جرم انجام نداده است. این همان مشکلات و چالش‌هایی هستند که ما با آن مواجه هستیم که حقوق جزای عمومی در ارتباط با گزاره‌بندی و قاعده‌بندی چه محدوده‌ای را باید رعایت کند؟ گاهی ممکن است بگوییم ناگزاره‌هایی که گفتیم (آن‌هایی که در قانون تصریح نشده ولی دارای آثار حقوقی هستند) را مشمول فن تفسیر بدانیم و معتقد باشیم که بخشی از دکتترین هستند و دیدگاه‌های علمای حقوق یا مفسرین جایشان همین جا هست، آن‌ها هستند که جرم مطلق و مقید و تقسیم بندی‌های دیگر را مطرح می‌کنند و لازم نیست که در متن قانون یا منابع مطرح شود؛ ولی چنان که دیدیم آثار بسیار زیادی دارد که شما اگر یک جرم را به گونه‌ای تفسیر کنید که مستمر تلقی شود و شخص دیگری

نکته دیگر این که قانون آیین دادرسی کیفری چین دارای چهار نسخه سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۹۶، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ می‌باشد. آخرین بازنگری حاوی چند نکته عمده است. معامله (اتهام) در آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و پذیرش اتهام و مجازات باعث کاهش مجازات می‌شود. در این اصلاحیه امکان صدور حکم غیابی در جرایم مربوط به فساد، امنیت ملی و تروریسم پیش‌بینی گردیده و اختیار تحقیق برای اکثر جرایم به پلیس اعطا شده است. اداره دادستانی صرفاً اختیار تحقیق در خصوص ۱۴ جرم را داراست و اختیار تحقیق در خصوص جرایم مربوط به وظیفه و فساد، که در مجموع ۸۸ جرم می‌باشند، به نهادی جدیدالتاسیس به نام کمیته نظارت واگذار گردیده است.

انجمن ایرانی حقوق جزا برگزار می‌کند
پنجمین جلسه سخنرانی بر خطه زمستان ۱۳۹۹

**نظام حقوق کیفری
چین باستان و چین مدرن**
The Criminal Law System
in Ancient and Modern China

سخنران
دکتر شیونگ چی
Assoc. Prof. Dr. Xiong Qi
استاد حقوق کیفری مقایسه‌ای و حقوق کیفری
بین‌المللی در دانشگاه ووهان چین
دانشجوی حقوقی دانشگاه فرایبورگ آلمان
پژوهشگر سابق مؤسسه ماکس پلانک
ناوب رئیس دادگاه منطقه‌ای شهر ووهان

زمان
به وقت ایران
پنج شنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۹۹
ساعت ۱۷:۱۵

به وقت تهران
به وقت چین
Thursday
February 18, 2021
19:30 to 21:30 p.m.

همراه با ترجمه فارسی
کتابت سخنرانی
<https://server1.sireyfatemi.com/b/sir-4hd-yez>
حضور برای رسوم آزاد است

۷. انتشار کتاب مصوبات کنگره‌های انجمن بین‌المللی حقوق جزا (۲۰۱۹-۱۹۲۶)

انجمن بین‌المللی حقوق جزا (AIDP) به منظور تشکیل مجدد اتحادیه بین‌المللی حقوق جزا (A.U.P.L.)^۲ در سال ۱۹۲۴ میلادی در پاریس ایجاد شد. انجمن متشکل از متخصصان علوم کیفری بوده که هدف آنها «ترویج تبادل نظرات و همکاری میان دانشگاهیان، وکلا و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که به مطالعه، اجرا و توسعه قانون کیفری می‌پردازند و یا به تحلیل‌های تجربی در زمینه حقوق کیفری می‌پردازند». از سال ۱۹۴۸ که این انجمن به رسمیت شناخته شد، انجمن از جایگاه مشورتی در سازمان ملل برخوردار بوده و در انجام فعالیت‌های خود، توسط منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر هدایت می‌شود. ترویج فعالیت‌های علمی

قرن بیستم و تغییر دیگر محصول آموخته‌هایی از حقوق کیفری ژاپن، سوئیس و آلمان بود. در قانون کیفری جدید، سیستم مجازات‌های مدرن کاملاً جایگزین سیستم مجازات‌های قدیمی شد و اصل قانونی بودن جرایم نیز وارد قانون کیفری جدید شد. مدرنیزه شدن مشتمل بر سه دوره است. در اولین دوره، یعنی بازه زمانی ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۹، حقوق کیفری به شدت تحت تاثیر حقوق قاره‌ای علی‌الخصوص نظام حقوقی آلمان بود. در سال ۱۹۴۹ و در زمان مائو چین انقلاب دیگری را تجربه کرد و حقوق کیفری عمیقاً تحت تاثیر اندیشه شوروی قرار گرفت. در این دوره اصل قانونی بودن جرایم، به دلیل بیش از حد غربی بودن آن، منسوخ شد. نهایتاً از زمان هزاره جدید بسیاری از محققان چینی تلاش کردند که مجدداً سیستم ژاپن و آلمان را به حوزه حقوق کیفری چین وارد نمایند. بنابراین، می‌توان دوره سوم را دوره‌ای از سیستم‌های مختلط نامید، بدین معنا که مجموعه قوانین کیفری هم‌چنان تحت تاثیر حقوق شوروی است لکن نظریات مبنا و تشکیل دهنده آن متمایل به حقوق آلمان است. در این دوره اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها پذیرفته شد و قیاس به طور کلی نسخ گردید. اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق کیفری چین به نحو ایجابی است زیرا از یک سو به این معناست که اگر قانون عملی را به عنوان جرم تعیین کرده باشد، آن عمل باید مجازات شود و از سوی دیگر بدین معناست که اگر قانون عملی را تحت عنوان جرم تعریف نکرده باشد نباید مجازات شود، لکن نسخه غربی صرفاً معنی اخیر را داراست. در مجموعه قوانین کیفری کنونی مجازات‌های اصلی عبارتند از: مراقبت و نظارت عمومی، حبس کوتاه مدت، حبس با مدت معین، حبس ابد و مجازات مرگ؛ مجازات‌های تکمیلی نیز مشتمل است بر: محرومیت از حقوق سیاسی، جریمه، مصادره اموال و اخراج. مجازات مرگ به دو صورت با تعلیق یا بدون تعلیق می‌باشد. مجازات مرگ با تعلیق بدین معناست که اگر اجرای فوری مجازات مجرم محکوم به مرگ ضروری نباشد، ممکن است یک تعلیق دو ساله در اجرای مجازات، همزمان با تعیین مجازات مرگ، نیز صادر و اعلام گردد. اگر مجرم در طول این دو سال مرتکب یک جرم عمدی با کیفیات مشدده نشود، مجازات او خود به خود به حبس ابد تبدیل می‌شود. مجازات مرگ هم‌چنین در خصوص افرادی که در زمان وقوع جرم کمتر از هجده سال سن داشته باشند، زانی که در زمان محاکمه حامله باشند و افراد با بالای ۷۵ سال سن اعمال نمی‌گردد. در واقع جرایمی که مجازات مرگ بیشتر در مورد آنها اجرا می‌گردد به آن میزانی که مردم تصور می‌کنند، نیست. جالب توجه این که تا زمان اصلاحیه سال ۲۰۱۵ جرایم مستوجب مجازات مرگ به ۴۶ جرم کاهش یافته‌اند و به موجب این اصلاحیه ۹ جرم مستحق مجازات مرگ دیگر، از جمله برخی جرایم اقتصادی، نسخ گردیدند.

۱. اتحادیه بین‌المللی حقوق جزا در سال ۱۸۸۹ میلادی توسط Adolphe Prins و Franz VOA, Liszt, Gerard Van Hamel تأسیس شد و در نتیجه جنگ جهانی اول منحل گردید.

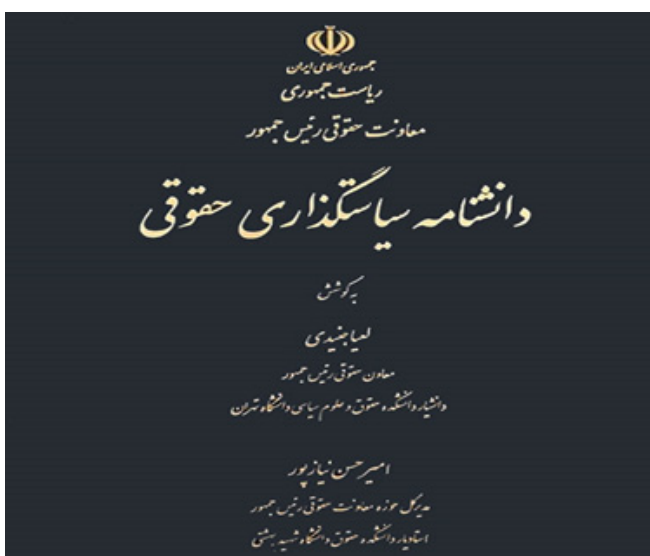
نظراتی را که در طول یک دوره زمانی طولانی به اشتراک گذاشته شده با اکثریت زیادی از کیفردهندگان، نظریه‌پردازان، متخصصان و کارشناسان متعهد به توسعه یک سیستم عدالت کیفری انسانی‌تر و کارآمدتر نشان می‌دهد. با وجود تحولات سیاسی و اجتماعی طبیعی سپری شده در طول زمان، بیشتر مصوبات هنوز رهنمودهای مفیدی را تشکیل می‌دهند برای جهت‌دهی و توسعه تلاش‌های مهمی که انجمن بین‌المللی و کشورهای مختلف در زمینه کیفری در نظر داشته‌اند.

انجمن ایرانی حقوق جزا تنها انجمن ایرانی عضو انجمن بین‌المللی حقوق جزاست. سرکار خانم دکتر نسرین مهرا از سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون عضو هیات مدیره و عضو کمیته علمی انجمن بین‌المللی حقوق جزا هستند و همچنین ایشان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ میلادی عضو هیات انتخاب کننده جایزه سالانه سراکیوز (جایزه سالانه انجمن) هستند.



۸. انتشار کتاب دانشنامه سیاستگذاری حقوقی

کتاب دانشنامه سیاستگذاری حقوقی به کوشش دکتر لعیبا جنیدی (معاون حقوقی رییس جمهور) و دکتر امیرحسن نیازپور (مدیر کل حوزه معاونت حقوقی رییس جمهور و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی) در قطع رحلی و در ۹۲۸ صفحه منتشر شد. نشریه عدالت کیفری این موفقیت را تبریک عرض می‌کند.



و همکاری علمی، هدف اصلی و علت وجودی انجمن می‌باشد که «توسعه قوانین و نهادها را با دیدگاه پیشبرد اجرای عدالت در راستای انسانی‌تر و کارآمدتر شدن» دنبال می‌کند. انجمن روابط هماهنگی با دیگر انجمن‌های جهانی در حوزه عدالت کیفری برقرار می‌کند و در شبکه ارتباطی خود برای عدالت کیفری، با نهادهای سیاست‌گذاری و تحقیقاتی ملی که تأثیر منطقه‌ای قوی در اقلیم خود دارند، همکاری می‌نماید. تاریخچه انجمن به لحاظ فعالیت‌ها غنی است و سهم‌اش (و سهم گروه‌های ملی‌اش و برجسته‌ترین اعضای آن) برای امروری نمودن قوانین جزایی و عدالت کیفری کشورهای مختلف و به ویژه برای توسعه حقوق جزای بین‌الملل همچنان اساسی است. تدارک و برگزاری کنگره‌های بین‌المللی حقوق جزا به صورت هر پنج سال یک بار - که روند آنها از سال ۱۹۲۶ توسط ارگان اداری انجمن (Revue Internationale de Droit Penal) چاپ و منتشر می‌شود - از موقعیت ویژه‌ای در حیات انجمن برخوردار است. به مناسبت کنگره، اساتید حقوق جزا و دادرسی کیفری، قضات، کارشناسان، کارگزاران دولتی مسؤول در امور بین‌المللی یا مسؤول در امور مربوط به اداره دادگستری و همچنین مأموران اجرای احکام کیفری جوانی که از بسیاری از کشورها می‌آیند با هم دیدار می‌کنند، مجمع عمومی انجمن برگزار می‌شود و هیأت‌های مختلف انجمن انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، از طریق برگزاری کنگره‌ها است که موضع رسمی انجمن نسبت به موضوعات کنونی و بسیار اساسی درباره توسعه نظری و عملی شاخه‌های مختلف حقوق کیفری و سیاست کیفری اتخاذ می‌گردد. مطابق شیوه انجمن، هیأت مدیره تازه انتخاب شده موضوع کلی روند جدید آکادمیک را ایجاد نموده و موضوعات معین، گزارشگران عمومی و گروه‌های ملی مسؤول را برای چهار گفتمان بین‌المللی معمول (سنتی) تعیین می‌کند: بخش عمومی شامل حقوق جزا و بخش اختصاصی شامل دادرسی کیفری و حقوق جزای بین‌الملل می‌شود. به دنبال اظهارات کلی در مورد موضوع که با همکاری کمیسیون علمی تهیه شده، گزارشگر عمومی به منظور هدایت وظیفه گزارشگران تعیین شده توسط اتحادیه گروه‌های ملی پرسشنامه‌ای را به تفصیل تهیه می‌کند. بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط گزارشگران ملی و ویژه، گزارشگر عمومی مجموعه‌ای از مصوبات (تصمیمات) و توصیه‌ها را همراه با رهنمودهای ارائه شده توسط انجمن علمی جهت بحث نمودن و تأیید گفتمان بین‌المللی به قانون‌گذاران و مجریان عدالت کیفری ارائه می‌دهد، به منظور ایجاد (یا بهبود) سیاست کیفری و قضایی درمانی (اصلاحی) نسبت به مسأله مورد مطالعه، مصوبات مورد اتخاذ توسط گفتمان بین‌المللی به کنگره ارائه می‌شوند به منظور آماده‌سازی جهت تصویب آنها توسط مجمع عمومی انجمن. این جلد حاوی نتایج کار بیست کنگره بین‌المللی انجمن است که بین سال‌های ۱۹۲۶ تا ۲۰۱۹ برگزار شده است. این مصوبه‌ها برای انجمن ما بسیار ارزشمند هستند و ارزش تلاش‌ها و

پایان نامه‌ها و رساله‌های دفاع شده در پاییز و زمستان ۱۳۹۹



الف) پایان نامه‌های کارشناسی ارشد

جویباری / استاد مشاور: دکتر امیرحسن نیازپور

۶- تحلیل دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی مصوبه
اخیر رهبری
پژوهشگر: محسن نگهبان / استاد راهنما: دکتر رجب گلدوست
جویباری / استاد مشاور: دکتر جعفر کوشا

۷- تحلیل رویه قضایی در زمینه دسترسی غیرمجاز
پژوهشگر: پرستو دشتی / استاد راهنما: دکتر جعفر کوشا / استاد
مشاور: دکتر رجب گلدوست جویباری

۸- تروریسم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران و فرانسه
پژوهشگر: فرزانه محمدزاده / استاد راهنما: دکتر علیرضا
میرکمالی / استاد مشاور: دکتر رحیم نوبهار

۹- تعارض اصل و ظاهر حال در دعوی کیفری
پژوهشگر: حنانه یزدان پناهی / استاد راهنما: دکتر رحیم نوبهار /
استاد مشاور: دکتر جعفر کوشا

۱۰- جایگاه قاضی اجرای احکام کیفری در فردی کردن
مجازات‌ها
پژوهشگر: فاطمه مهدوی‌راد / استاد راهنما: دکتر علیرضا
میرکمالی / استاد مشاور: دکتر باقر شاملو

۱- اعمال نفوذ برخلاف حق در رویه قضایی ایران و کنوانسیون
مبارزه با فساد
پژوهشگر: امیرحسین مراد / استاد راهنما: دکتر علیرضا
میرکمالی / استاد مشاور: دکتر رجب گلدوست جویباری

۲- بررسی نحوه اعمال مجازات اخراج در قانون مجازات جرایم
نیروهای مسلح
پژوهشگر: محمد علی زاده اردبیلی / استاد راهنما: دکتر علیرضا
میرکمالی / استاد مشاور: دکتر باقر شاملو

۳- بررسی نقش تنقیح قوانین در مبارزه با مفاسد اقتصادی
پژوهشگر: احسان سعیدی / استاد راهنما: دکتر حسین
میرمحمدصادقی / استاد مشاور: دکتر علیرضا میرکمالی

۴- پیشگیری از بزه دیدگی کودکان خیابانی
پژوهشگر: فاطمه محمدنژاد / استاد راهنما: دکتر حسین
میرمحمدصادقی / استاد مشاور: دکتر مهدی صبوری‌پور

۵- تحلیل جرم‌شناختی ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های
توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵
پژوهشگر: فرشید نظری / استاد راهنما: دکتر رجب گلدوست

عضو به معضلی ملی، مقابله با این پدیده، ضرورتی ملی است. پرسش این است که یک سیاست جنایی مطلوب در مقابله با این پدیده باید شامل چه رویکردها و راهبردهایی باشد. در این تحقیق، با اتکا به یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی و انتقادی، قاچاق عضو با هدف تعریف سیاست جنایی کارآمد در مقابله با آن مورد بررسی قرار گرفته است. با بررسی اسناد بین‌المللی، مشخص می‌شود که به دلیل مغایرت قاچاق عضو با کرامت انسان و پیامدهای فردی و اجتماعی آن، نهادهای بین‌المللی حسب مورد به الزام یا توصیه دولت‌ها به اتخاذ تدابیری در مقابله با این پدیده پرداخته‌اند. با بررسی وضعیت قاچاق عضو در ایران نیز مشخص می‌شود که با توجه به فقدان ممنوعیت قانونی برای خرید و فروش عضو، این کشور یکی از مبداهای اصلی فروشندگان عضو، مقصد مطلوبی برای خریداران عضو و بازاری پرسود برای دلالان بوده و در گروه کشورهای صادرکننده عضو قرار می‌گیرد. با توجه به مؤلفه‌های قاچاق عضو، با لحاظ ظرفیت‌های حقوق داخلی و در پرتو مقررات اسناد بین‌المللی، می‌توان راهبردی مؤثر، منطقی و واقع‌بینانه در مقابله با این پدیده را سامان‌دهی کرد. مقابله با قاچاق عضو با توجه به ماهیت و مؤلفه‌های آن، مستلزم رویکردی چندبعدی و پاسخی چندوجهی است. در مرحله اول، می‌توان با توجه به علل قاچاق عضو (به‌ویژه کمبود جهانی عضو) و با هدف رفع یا کاهش آنها، با معرفی و سامان‌دهی تدابیر پیشگیرانه، در پیشگیری از قاچاق عضو گام برداشت. هدف اصلی این طرح باید خودکفایی در اهدا و پیوند عضو باشد. در مرحله دوم، جرم‌انگاری قاچاق عضو به عنوان مکمل سایر شیوه‌های پیشگیری، قابل طرح است. جرم‌انگاری قاچاق عضو، از یک سو مستلزم توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص هر کدام از اشخاص دخیل در قاچاق عضو و از سوی دیگر نیازمند توجه به مؤلفه‌های پدیده قاچاق عضو است. رویکرد این طرح باید حمایت از قربانیان پدیده قاچاق عضو و کیفر مرتکبان رفتارهای غیرانسانی نسبت به انسان باشد. واژه‌های کلیدی: قاچاق عضو، فروش عضو، خرید عضو، دلالی عضو، توریسم پیوند

۱۱- چالش‌های حقوقی - جرم‌شناسی اعاده دادرسی توسط رئیس قوه قضاییه

پژوهشگر: نگار جمال اوغلی / استاد راهنما: دکتر جعفر کوشا / استاد مشاور: دکتر امیرحسن نیازپور

۱۲- سیاست قضایی و تقنینی کیفری ایران در قبال ازدواج کودکان

پژوهشگر: فاطمه خمسه / استاد راهنما: دکتر امیرحسن نیازپور / استاد مشاور: دکتر رحیم نوبهار

۱۳- شاخص‌های کمی کردن خسارت معنوی در محکومیت‌های کیفری

پژوهشگر: مهدی برادران / استاد راهنما: دکتر رحیم نوبهار / استاد مشاور: دکتر نسرين مهرا

۱۴- قابلیت‌های عدالت ترمیمی در زمینه تعرض‌های جنسی پژوهشگر: مهدی خلیلی / استاد راهنما: دکتر باقر شاملو / استاد مشاور: دکتر رحیم نوبهار

۱۵- مطالعه موردی اصل کرامت‌مداری در مرحله تعیین کیفر پژوهشگر: الناز جمشیدیان / استاد راهنما: دکتر امیرحسن نیازپور / استاد مشاور: دکتر رجب گلدوست جویباری

۱۶- نقش حقوق کیفری در کنترل بازارهای مالی با بررسی عملکرد کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا پژوهشگر: سعیدی ابراهیم‌زاده / استاد راهنما: دکتر نسرين مهرا / استاد مشاور: دکتر مهدی صبورپور

(ب) رساله دکتری

- قاچاق اعضای انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی پژوهشگر: افضل خسروی / استاد راهنما: دکتر حسین میرمحمدصادقی / اساتید مشاور: دکتر باقر شاملو و دکتر مهدی صبوری‌پور

چکیده رساله:

قاچاق عضو بعد از پیشرفت دانش پیوند عضو گسترش پیدا کرده و به معضلی واقعی و روبه‌رشد در جهان تبدیل شده است. از یک سو، با توجه به تبدیل قاچاق عضو به معضلی جهانی و مسئولیت ایران در جامعه بین‌المللی، اتخاذ سیاست جنایی کارآمد در مقابله با این پدیده به عنوان یک الزام بین‌المللی مطرح است. از سوی دیگر، با توجه به تبدیل قاچاق

جرم دولتی در سنجه جرم‌شناسی انتقادی

نویسنده: حمیدرضا حیدرپور^۱

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت

چکیده

جرم دولتی، عنوانی است برای مجموعه‌ای از جرائم نوپدید که دولت‌ها به نحوی، مرتکب مستقیم یا مسبب غیر مستقیم و یا طبق آنچه در برخی رویکردهای جدید مطرح است، منتفع جرم ارتكابی هستند. عمده مصادیق این جرم‌ها، جنایات بین‌المللی مذکور در اساسنامه رم و نیز جرائم سازمان‌یافته فراملی (در فرضی که دولت‌ها و نه دولتمردان، مرتکب یا منتفع از وقوع آن‌ها هستند) و نیز در تفسیری به مراتب موسع‌تر، نقض‌های فاحش حقوق بشری هستند. توجه به جرم دولتی، به ویژه همزمان با ظهور جنبش‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه و حق‌طلبانه مدنی در کشورهای مختلف بوده است. در این جنبش‌ها، دولت‌ها مستقیماً مورد خطاب و البته اعتراض شهروندان سرخورده و ناامید از تبعیض‌ها و ناکارآمدی‌های سیستم حکومتی قرار گرفته‌اند و الزام دولت‌ها به استفاده حداکثری از امکانات و منابع برای همه اقشار جامعه به صورت برابر و متوازن و تکلیف حکومت‌ها به رفع نابرابری‌های ساختاری و عملکردی به سود همه شهروندان، به عنوان یک مطالبه عمومی مطرح است. جرم دولتی، به ویژه از منظر جرم‌شناسی انتقادی که نگاهی جدید و متفاوت با نحل‌های فکری سابق بر خود به علت‌شناسی جرم و پیشگیری از جرم دارد و به ویژه، نظام عدالت کیفری و نهادها و ساختارها

و رویه‌های دولتی و حکومتی را جرم‌زا محسوب می‌کند، قابل بحث و بررسی است. در رویکرد جرم‌شناسان منتقد، ارتکاب جرم دولتی، مبنای شناسایی مسئولیت دولت‌ها در برابر شهروندانشان نسبت به تأمین و تضمین هر چه عملیاتی‌تر و کارآمدتر حقوق بشر و حقوق شهروندی برای اقشار مختلف جامعه است. کلیدواژگان:

جرم دولتی، جرم‌شناسی انتقادی، دولت مجرم، نقض فاحش حقوق بشر، تعهد دولت‌ها، رعایت حقوق بشر.

درآمد

جرم‌شناسی انتقادی، رویکردی است که در سال‌های اخیر، سبب تحولات عمیقی در اندیشه‌های جرم‌شناختی شده است. نگاه متفاوت این جرم‌شناسی به علل و عوامل وقوع جرم و نحوه پیشگیری از جرائم، آموزه‌ها و تعالیم جدیدی را فراروی تحلیلگران و محققان قرار داده است. یکی از مفاهیم مهم و قابل توجه که از منظر جرم‌شناسی انتقادی، مورد بحث و تحلیل بوده، جرم دولتی است. جرم دولتی، در کامل‌ترین تعریف، «نقض فاحش حقوق بشری و شهروندی به صورت سازمان یافته از سوی دولت‌ها نسبت به شهروندان به صورت قصوری یا تقصیری و در قالب فعل یا ترک فعل» مفهوم‌شناسی شده است.

می یابد (ال روث و کازلاریچ، ۱۳۹۹، ۶۶). هر کدام از این معیارها برای تعریف جرم دولتی، مبنا قرار گیرد، در اینکه در بحث از این جرم، تعیین مسئولیت برای دولت‌ها به سبب ارتکاب فعل‌ها و یا ترک فعل‌ها، هدف اصلی است، تغییری ایجاد نمی‌شود (غلامی و غلامی، ۱۳۹۸، ۳۳-۸۵). نکته‌ای که نباید مورد غفلت باشد، این است که جرم دولتی، بر سلسله اقداماتی اطلاق می‌شود که سازمان یافته ارتکاب می‌یابند و نه به صورت موردی و اتفاقی و پراکنده. لذا رفتار یک کارگزار حکومتی به ویژه اگر خارج از رویکرد کلی حاکمیت باشد، نمی‌تواند مصداق جرم دولتی باشد (گرین و وارد، ۱۳۹۷، ۲۳). بر این اساس، به تأسی از برخی تحلیلگران مفهوم جرم دولتی، «رفتار سازمان یافته حکومت آبه معنای کلیت حکومت و نه مقامات و کارگزاران تشکیل دهنده آن» که به نقض حقوق بشری شهروندان منجر می‌شود» به عنوان تعریفی جامع برای این جرم برگزیده شده است (غلامی، ۱۳۹۸، ۳۸). حامیان رویکرد شناسایی برخی جرائم با عنوان جرم دولتی، بر این باورند که حکومت‌ها (دولت‌ها) به سبب در اختیار داشتن سرمایه، امکانات، ابزار و وسایل باید اقدامات مناسب و متناسب برای رفع آسیب‌های اجتماعی و زمینه‌های بزهکاری صورت دهند و وجود آسیب‌ها و بزهکاری‌ها در جامعه، ریشه در قصور یا حتی تقصیر دولت‌ها و حاکمیت‌ها در استفاده نکردن از منابع و امکانات دارد؛ پس، دولت‌ها خود، زمینه‌ساز بزهکاری‌اند (Roth & Kauzlarich, ۲۰۱۴، ۱۱۳) و باید در قبال کوتاهی‌ها و اهمال‌های خود، پاسخگو باشند (Rothe, ۲۰۱۱، ۲۶۱). بر همین مبنا، تحلیلگران جرم دولتی، یکی از نقض‌های اساسی نظام عدالت کیفری را عدم شناسایی جرم‌های دولتی در مجموعه قوانین کیفری اعلام کرده‌اند (Watts, ۲۰۱۶، ۱۶۲) و گفته‌اند کنش‌های آسیب‌زای صاحبان قدرت، در راستا و یا منتج به نقض حقوق شهروندان را باید در قوانین، جرم‌انگاری و همانند رفتارهای ارتكابی از سوی اشخاص حقیقی، با مجازات مواجه ساخت (Heydon, ۲۰۱۹، ۱۵۲).

۲- تبارشناسی جرم دولتی

می‌توان گفت توجه به مفهوم جرم دولتی و نظریه‌پردازی پیرامون آن، اساساً در یک نیاز مبنایی به پاسخگو ساختن دولت‌ها به ویژه آن‌ها که بی‌اعتنا به موازین رفتاری شناخته شده، به نقض سازمان مند حقوق بشر، اهتمام می‌ورزند، ریشه دارد. پیرو همین رویکرد است که جرم‌شناسی انتقادی، نگاه مطالبه‌گرانه و حق‌جویانه راجع به تحقق این نیاز اساسی را مبنای شناسایی مفهوم جرم دولتی قرار می‌دهد. این توجه، به نوبه خود، آثار مهمی را نیز در پی داشته است. در این قسمت، ذیل عنوان تبارشناسی، پیشینه بحث از جرم دولتی، مفهوم‌سازی جرم دولتی در جرم‌شناسی جدید و نیز آثار توجه به جرم دولتی در جرم‌شناسی انتقادی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛

۱-۲- پیشینه بحث از جرم دولتی

طرح مفهوم جرم دولتی، تقریباً مقارن با ظهور و یا افزایش جنبش‌های مدنی آزادی‌خواهانه در اقصا نقاط جهان است.

در بحث از جرم دولتی، دولت‌ها به نحوی، مرتکب مستقیم یا مسبب غیرمستقیم و یا حتی چه بسا به نحوی، منتفع جرم هستند. در عین حال، الزام دولت‌ها به رعایت و احترام هر چه بیشتر به موازین حقوق بشری و حقوق شهروندی و مکلف کردن آن‌ها به تأمین و تضمین عملیاتی‌تر و کارآمدتر این قبیل حق‌ها نسبت به شهروندان، به عنوان مهم‌ترین راهکار پیشگیری از وقوع جرم‌های دولتی در جرم‌شناسی انتقادی مطرح شده است. در نوشتار حاضر، به منظور تحلیل جرم دولتی در سنجه جرم‌شناسی انتقادی، مفهوم جرم دولتی و جرم‌شناسی انتقادی (۱)، تبارشناسی جرم دولتی (۲)، تلقی از دولت در گفتمان جرم‌شناسی انتقادی (۳) و مصداق عمده جرم دولتی (۴) مورد بحث قرار گرفته است.

۱- مفهوم شناسی

دو مفهوم عمده مطرح در نوشتار حاضر، «جرم‌شناسی انتقادی» و «جرم دولتی» هستند. در ادامه، توضیح مختصری در باب معنای این دو، ارائه می‌شود؛

۱-۱- جرم‌شناسی انتقادی

جرم‌شناسی انتقادی (Critical Criminology)، عنوان نحله جدیدی از تفکر جرم‌شناختی است که از نیمه دوم سده بیستم میلادی و در مقابل جریان‌های گفتمانی سابق بر خود (جرم‌شناسی کلاسیک و جرم‌شناسی جریان اصلی) سر برآورد و ضمن ارائه تعریفی جدید از جرم و همچنین توسعه گستره و قلمرو مفهومی بزهکاری، تفکرات پیش از خود در باب علت‌شناسی جرم را نیز به چالش کشاند. در جرم‌شناسی انتقادی، بر نقش ساختارها و نهادهای قدرت بر وقوع جرم، تمرکز می‌شود. به عقیده جرم‌شناسان منتقد، در جرم‌شناسی کلاسیک و جریان اصلی، بر نقش افراد در وقوع پدیده‌های مجرمانه تأکید شده، حال آنکه حکومت‌ها و ساختارها و سازمان‌های حاکمیتی و نهادهای نظام عدالت کیفری، خود نیز می‌توانند عامل بزهکاری قلمداد گردند و لذا بنابر آموزه‌های جرم‌شناسی انتقادی، طرح و تقویت اندیشه مسئولیت کیفری برای حکومت‌ها، چندان نیز بی‌مبنا نیست (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ۱۸۷).

۱-۲- جرم دولتی

از «جرم دولتی» (جرم دولت / جرم حکومتی / جرم حکومت) (State/Governmental Crime)، تعاریف مختلفی ارائه شده است. برخی، آن را جرمی دانسته‌اند که حکومت به عنوان یک کل یا توسط مجموعه‌ای از سازمان‌های حکومتی و اشخاص حقوقی مرتکب می‌شود (راس، ۱۳۹۰، ۲۹-۳۲). برخی دیگر، آن را رفتار سازمان مند هیأت حاکمه در جهت نقض یا نادیده گرفتن حق‌های شهروندان، تعریف کرده‌اند (غلامی و عباسی، ۱۳۹۶، ۸۴). در نگاه برخی دیگر، جرم دولتی، شیوه‌های سازمان یافته برای تحقق منافع و اهداف حاکمیت است ولو آنکه به نقض حقوق شهروندان منتهی گردد (Stanley & McCulloch, ۲۰۱۴، ۴۳۹۳). در نهایت، بنابر نظر دیگری، جرم دولتی، اقدامات غیر قانونی، ضد اجتماعی و ظالمانه‌ای است که در راستای منافع حکومت‌ها و نه الزاماً برای تحقق منافع افراد، ارتکاب

جرائم و آسیب‌های اجتماعی، توجه به نقش دولت‌ها و قصورها یا تقصیرهای حکومت‌ها در رخداد بزهکاری‌ها و آسیب‌ها و مکلف نمودن حکومت‌ها به افزایش بازدهی‌ها و راندمان‌ها و تقویت نگاه ویژه به احیاء، تأمین و تضمین همه جانبه حقوق بشر و حقوق شهروندی و توسعه رفاه عمومی و کیفیت زندگی در همه ابعاد و جوانب است و لاجرم، دولت‌ها مهم‌ترین وظایف را در این راستا دارند (Young, ۲۰۰۲, ۱۶۲).

۳- تلقی از «دولت مجرم» در گفتمان جرم‌شناسی انتقادی

در بحث از جرم دولتی از منظر جرم‌شناسی انتقادی، دولت‌ها می‌توانند دستکم به سه صورت مختلف، با جرم دولتی مرتبط گردند؛ دولت‌ها یا مرتکب مستقیم جرم محسوب می‌شوند

در جرم‌شناسی انتقادی، جرم دولتی، دایر مدار نقش و تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم دولت‌ها در رخداد بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود.

یا زمینه‌ساز وقوع جرم (مسبب جرم) یا به نحوی، منتفع جرم. بنابراین، در جرم‌شناسی انتقادی، جرم دولتی، دایر مدار نقش و تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم دولت‌ها در رخداد بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شود. (Chambliss & Others, ۲۰۱۲, ۲۶۱) تلقی از دولت به عنوان منتفع جرم، رویکردی به مراتب، جدیدتر از رویکردهای قبلی است و مبتنی بر این است که حتی اگر دولت، به نحوی، منتفع جرم باشد ولو آنکه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در وقوع آن نقش نداشته باشد، باز هم مسئولیت خواهد داشت. البته ناگفته نماند که برخی معتقدند رویکرد اخیر، نگرشی بسیار بدبینانه به دولت و کارکردهای آن دارد و شاید، چندان مبتنی بر واقعیت‌ها نباشد (Chambliss, ۲۰۰۹, ۱۶۹).

۴- مصادیق عمده جرم دولتی

برای جرم‌های دولتی، می‌توان مصادیقی عمده در نظر گرفت. این مصادیق در تألیفات و ادبیات پژوهشی راجع به جرم دولتی، معمولاً شامل سه دسته جرائم هستند با این توضیح که در این موارد، دولت بما هو دولت یعنی همان کلیت سازمان سیاسی - و نه دولتمردان تشکیل دهنده این سازمان - به نحوی مرتکب جرم یا منتفع از وقوع آن شناخته می‌شوند زیرا اقدام مجرمانه دولتمردان، بی‌آنکه کلیت سازمان سیاسی دولت‌ها مداخلیتی در وقوع جرم داشته باشند، موجب تحقق مسئولیت کیفری شخصی برای دولتمردان خواهد بود و نه مسئولیت کیفری برای دولت‌ها؛

۴-۱- جنایات بین‌المللی

شاید مصداق مرسوم از جرم‌های دولتی، جنایات بین‌المللی باشد که مقصود از آن‌ها، «جرم‌های مهم و عمده» (Core Crimes) است که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (موسوم به اساسنامه رم) به عنوان جنایات داخل در صلاحیت این دیوان، شناسایی شده‌اند یعنی جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی، جنایات جنگی و تجاوز سرزمینی. در این جنایات، در

این جنبش‌ها به نحو مستقیم و بدون لکننت زبان، دولت‌ها را مورد خطاب قرار داده و آن‌ها را مقصر نابسامانی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی‌های ساختاری و تبعیض‌های سازمان‌یافته اعلام کردند. این وضعیت، رفته رفته زمینه را برای طرح مفهوم جرم دولتی در اندیشه‌ها و رویکردهای جدید در جرم‌شناسی فراهم ساخت (غلامی، ۱۳۹۸، ۱۸۱) (Kozarich & Others, ۲۰۱۱, ۶).

۲- مفهوم‌سازی جرم دولتی در جرم‌شناسی جدید توجه به جرم دولتی در جرم‌شناسی جدید، ریشه در تحول عمیق و بنیادین شناختی نسبت به کارکردهای حکومت و تفکر انتقادی نسبت به کم‌کاری‌های مقامات و کارگزاران حکومتی و ساختارها و رویه‌های تبعیض‌آمیز و یا اساساً بی‌اعتنا به حق‌های بشری و شهروندی در کلیت حاکمیت‌ها بوده است (

Van Ham, ۲۰۱۲, ۹۱۸). این نگاه انتقادی، مطالبه‌گرانه و حق‌جویانه نسبت به حکومت‌ها، طبعاً یکی از مهم‌ترین آثارش این بوده که نقض سیستماتیک حقوق بشری و حقوق شهروندی از سوی دولت‌ها بی‌پاسخ نماند و حتی اگر دولت‌ها مقصر وقوع بزهکاری‌ها یا تشدید آسیب‌های اجتماعی نباشند نیز به عنوان زمینه‌ساز مستقیم یا غیرمستقیم بزهکاری‌ها و آسیب‌ها، وادار به پاسخگویی در برابر شهروندان‌شان شوند (غلامی و غلامی، ۱۳۹۹، ۴۹۷-۵۱۸) (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، ۱۰۱۵-۱۰۳۲).

۲-۳- آثار توجه به جرم دولتی در جرم‌شناسی انتقادی مهم‌ترین آثار توجه به جرم دولتی در جرم‌شناسی انتقادی را می‌توان عبارت دانست از:

الف، پیدایش رویکردهای علت‌شناسانه جدید در جرم‌شناسی انتقادی که بر خلاف تصور عامیانه و مرسوم، دولت‌ها را نه «مانع جرم» بلکه «موجب جرم» می‌داند و در تحلیل علت جرم، سهم عمده و قابل توجهی را برای فعل‌ها و ترک فعل‌های دولت‌ها قائل هستند؛ ب، تلقی از جرم دولتی به مثابه سوء استفاده فاحش از قدرت در جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (غلامی، ۱۳۹۷، ۶۷-۸۱)؛ ج، تلقی از عموم شهروندان به عنوان بزه‌دیدگان غیر مستقیم و شهروندان خاص (از جمله زنان یا کودکان یا توان‌جویای ذهنی یا جسمی) به عنوان بزه‌دیدگان مستقیم ناتوانی‌ها و ناکارآمدی‌های حکومت‌ها (Chevigny, ۲۰۱۰, ۱۷۷) (Kauzlarich, ۱۹۴, ۲۰۰۱-۱۷۳)؛ د، شکل‌گیری و تقویت نله‌های فکری جدید و بنیادگرا در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با هدف تحمیل انواع مسئولیت‌های حقوقی (مدنی، کیفری و اداری) بر دولت‌های مقصر یا اهمال‌کار در مقابل شهروندانی که به نحوی، از جانب فعل‌ها یا ترک فعل‌های حکومت‌ها، آسیب دیده‌اند. این مقوله، به خودی خود، زمینه را برای ساخت بندی مفهوم «بزه‌دیدگی ناشی از سوء استفاده از قدرت» در جرم‌شناسی انتقادی بزه‌دیده‌شناسانه فراهم آورد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۹، ۵-۱) (Dussich, ۲۰۱۶, ۶۲). ه؛ شکل‌گیری این اعتقاد که مهم‌ترین سازوکار پیشگیری از وقوع

خارجی، هشدار به تعقیب و اقدام به پیگرد قضایی، الزام به جبران خسارات و تحقق دموکراسی مشارکتی (به معنای استفاده حداکثری از اراده عمومی شهروندان و جامعه مدنی برای اعمال اقتدار عمومی) هستند. در واقع، آمیزه‌ای از راهکارهای صرفاً حقوقی و غیر حقوقی، در اینجا برای پیشگیری از وقوع جرم‌های دولتی به کار می‌روند (Long, ۲۰۱۶, ۱-۷).

برآمد

اساساً از آنجا که تصور مرسوم شکل گرفته تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی کلاسیک و جرم‌شناسی جریان اصلی به عنوان نخله‌های فکری سنتی در جرم‌شناسی، آن بوده که دولت‌ها مانع جرم هستند و نه موجب آن، طبعاً نشانی از توجه به جرم دولتی در این شاخه‌ها از جرم‌شناسی قابل مشاهده و احصاء نیست. در مقابل، در جرم‌شناسی

در جرم‌شناسی انتقادی ناظر بر جرم دولتی، دولت‌ها یا خود، مرتکب مستقیم جرم علیه شهروندان هستند و یا به صورت غیرمستقیم، اسباب وقوع آن را فراهم کرده‌اند و یا در مفهومی وسیع‌تر، بی‌آنکه مدخلیتی در وقوع جرم علیه شهروندان داشته باشند، به نحوی، منتفع از این قبیل جرم‌ها به شمار می‌روند.

انتقادی، جرم دولتی، یکی از مفاهیم و عناوین مهم و مورد بحث است. از آنجا که در جرم‌شناسی انتقادی، یکی از مبانی اصلی مورد توجه، آن است که دولت‌ها خود، موجب جرم هستند و نه الزاماً مانع آن، بنابراین، توجه و تمرکز بر جرم‌های دولتی در تفکر انتقادی، یک امر بدیهی به نظر می‌رسد. در واقع، جرم‌شناسی انتقادی کوشیده است خلاء محسوس در جرم‌شناسی‌های سابق بر خود (کلاسیک و جریان اصلی) در پرداختن به مفهوم جرم دولتی و تحلیل این مسأله که ممکن است دولت‌ها و حکومت‌ها خود، به نحوی در وقوع جرم‌ها و رخداد آسیب‌ها در جامعه به نحوی قصور کرده و یا حتی مقصر باشند را برطرف نماید. جرم دولتی در سنجه جرم‌شناسی انتقادی، به وضوح، حاکی از تخطی آشکار دولت‌ها (خواه به صورت فعل و خواه در قالب ترک فعل) از وظایف و مسئولیت‌هایی که در برابر شهروندان خود بر عهده دارند، است. در جرم‌شناسی انتقادی ناظر بر جرم دولتی، دولت‌ها یا خود، مرتکب مستقیم جرم علیه شهروندان هستند و یا به صورت غیرمستقیم، اسباب وقوع آن را فراهم کرده‌اند و یا در مفهومی وسیع‌تر، بی‌آنکه مدخلیتی در وقوع جرم علیه شهروندان داشته باشند، به نحوی، منتفع از این قبیل جرم‌ها به شمار می‌روند. علاوه بر این علت‌شناسی متفاوت با رویکردهای قبلی، جرم‌شناسی انتقادی، راهکار پیشگیری از وقوع جرم دولتی را نیز الزام و تکلیف دولت‌ها به احترام کامل به حقوق بشری و حقوق شهروندی نسبت به همه شهروندان، بی‌آنکه تفاوت و تبعیضی میان آن‌ها اعمال گردد و نیز تأمین و تضمین عملیاتی این حق‌های مسلم، اعلام می‌کند. به دیگر سخن، وظیفه دولت‌ها در جرم‌شناسی انتقادی و در بحث از جرم دولتی، اول، شناسایی (recognition)؛ دوم، تأمین و تضمین (supply & guarantee) و سوم، رعایت عملی (practical implementation) حقوق بشر و حقوق شهروندی است. و نهایت آنکه، در تفکرات جرم‌شناسی

فرضی که دولت‌ها مستقیماً مرتکب و یا مسبب وقوع جنایات مذکور می‌شوند و یا به نحوی، منتفع از وقوع این جنایات هستند، تردیدی در تحقق مسئولیت آن‌ها به سبب ارتکاب این جنایات، وجود ندارد (در زمینه مفهوم، مولفه‌ها و ویژگی‌های جنایات بین‌المللی، بنگرید به: میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵ و نیز اردبیلی، ۱۳۹۵)

۲-۴- جرائم سازمان یافته فراملی

این جرائم، در زمره جنایات مصرح در اساسنامه رم نیستند اما گونه‌های دیگری از بزهکاری‌های غالباً گروهی و جمعی هستند که ناقض ارزش‌های شناخته شده بین‌المللی در دنیای امروز و به ویژه در حقوق بین‌الملل معاهداتی و عرفی مرسوم بوده و علاوه بر این، دو خاصیت مهم «سازمان یافتگی» (Systematic) و «فراملی بودن» (Transnational) را برخوردارند. انواع قاچاق‌ها به صورت

فراملی و سازمان یافته، یکی از مهم‌ترین مصادیق این جرائم هستند (نجفی ابرندآبادی و دیگران، ۱۳۷۹، ۵۳-۷۴) (سلیمی، ۱۳۹۱، ۲۷).

۳-۴- نقض‌های فاحش حقوق بشری

گاه، الزاماً رفتار ارتكابی دولت‌ها در قالب هیچ یک از جنایات یا جرائم مورد اشاره در بالا قرار نمی‌گیرند بلکه دلالت بر فعل‌ها یا ترک فعل‌هایی می‌کنند که به نحوی، حق‌های مسلم بشری اعم از حق‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی را به صورت مستقیم نقض کرده‌اند و یا دولت‌ها به نحوی، زمینه یا بستر ارتكاب نقض آن‌ها را فراهم کرده‌اند (Gross Human Rights Violations). در برخی از رویکردهای انتقادی در تحلیل جرم دولتی، حتی، سکوت، عدم اقدام و فقدان نظارت‌های مستمر از سوی دولت‌ها بر عملکرد کارگزاران و نهادهای ارائه خدمات عمومی و تشکیل دهنده ساختارهای اعمال اقتدار عمومی (که اصولاً در زمره تکالیف و تعهدات دولت‌ها در برابر شهروندانشان هستند) در قبال نقض حقوق بشری و شهروندی از سوی افراد و یا گروه‌های دولتی یا غیردولتی نیز در زمره نقض‌های فاحش حقوق بشری قرار می‌گیرند. مصادیقی از جمله سرکوب اعتراضات مردمی مسالمت آمیز، خشونت نسبت به زندانیان، سلب حق‌های صنفی و... از جمله مهم‌ترین مصادیق گونه سوم جرم‌های دولتی هستند (Cohen, ۱۱۵, ۱۹۹۳-۹۷).

در بحث از اینگونه جرم‌های دولتی، این نکته مورد تأکید و تصریح قرار گرفته که هر حکومتی، نهادها و ساختارهایی ذاتاً و ماهیتاً جرم‌زا دارند و برای مقابله و پیشگیری از این قسم جرم‌های دولتی، باید بر نهادها و ساختارهای جرم‌زا تمرکز کرد. مصادیق بارز این نهادها و ساختارهای جرم‌زا واحدهای نظامی، سازمان‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی و پلیس هستند. راهکارهای دیگر برای پیشگیری از وقوع این قبیل جرم‌های دولتی، نظارت‌های داخلی، بازسازی سازمانی، نظارت‌های

of the State: The Culture of Denial, AUST & NZ Journal of Criminology, No. 26, (July 1993).

17. Dussich, J. P. J., Blue Victimology and Femicide: The United Nations' Response to Victims and Female Victims of Gender Killings, in: Kury et al (eds) Women and Children as Victims and Offenders: Background, Prevention, Reintegration, Suggestions for Succeeding Generations, vol 1. Springer, Switzerland, 2016.
18. Heydon, James, «Greening the Concept of State Crime», State Crime Journal, Vol 8, No 1, 2019.
19. Kauzlarich, David, Towards a Victimology of State Crime, Critical Criminology, No. 2001, 10.
20. Kozarich D., Mateo R., and Nad Miler WJ., «Victimology of State Crimes», Journal of Deputy of Research, Education and Citizenship Rights, No. 2011, 21.
21. Long, Michael A., Critical Criminology, The Encyclopedia of Crime and Punishment, First Edition. Edited by Wesley G. Jennings, Published by John Wiley & Sons, Inc., 2016.
22. Roth, Downl. Kauzlarich, David, A Victimology of State Crime, Toward A Victimology of State Crime, Edited by Dawn L. Rothe and David Kauzlarich, Routledge, London and New York, 2014.
23. Rothe, D. L., State Crime. In W. Chambliss (Ed.), Key Issues in Crime and Punishment: Crime and Criminal Behavior. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, 2011.
24. Stanley, Elizabeth and Jude McCulloch; Resistance to State Crime, Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice, Edited by Gerben Bruinsma and David Weisburd, Springer, 2014.
25. Van Ham, F., «Zemiology: New Discipline, Development of Criminology», In Encyclopedia of Criminal Sciences, Tehran, Mizan Press, 2012.
26. Watts, Rob, States of Violence and the Civilizing Process, Palgrave Macmillan, London, 2016.
27. Young, J., 'Crime and Social Exclusion', in: Morgan, R. Maguire, M. and Reiner, R. (eds), The Oxford Handbook of Criminology (3rd edn), Oxford: Oxford University Press, 2002.

انتقادی، طرح و عملیاتی‌سازیِ مسئولیت کیفری «سازمانی» (Organizational) دولت‌ها (بما هو دولت)، علاوه بر مسئولیت کیفری شخصی (Individual) دولتمردان، یک نیاز عمده و غیر قابل انکار جامعه بین‌المللی در روزگار کنونی محسوب شده است.

منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، مقالاتی در حقوق جزای بین الملل، انتشارات میزان، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۵.
۲. راس، جفری ایان، تحولات جرم سیاسی، ترجمه حسین غلامی، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۳. رایجیان اصلی، مهرداد، درآمدی به جرم شناسی، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۴. سلیمی، صادق، جنایت سازمان یافته فراملی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۵. غلامی، حسین و نبی الله غلامی، جرم حکومتی؛ رویکردی نوین در تحلیل آسیب های اجتماعی، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹.
۶. غلامی، نبی الله و محمود عباسی، درآمدی بر مفهوم جرم دولتی از منظر اصول اخلاق زیستی، مجله اخلاق زیستی، دوره ۷، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۶.
۷. غلامی، نبی الله، اقتصاد سیاسی جرم حکومتی، مجله اقتصادی، شماره ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۹۷.
۸. غلامی، نبی الله، پیشگیری از جرائم حکومتی در پرتو مولفه‌های حکمرانی خوب، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸.
۹. گرین، پنی و تونی وارد، جرم حکومتی؛ دولت‌ها، خشونت و فساد، ترجمه نبی اله غلامی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۱۰. میرمحمدصادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ بیست و ششم، ۱۳۹۵.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران، جرم سازمان یافته در جرم‌شناسی و حقوق جزا، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۷)، زمستان ۱۳۷۹.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی‌شناسی، فصلنامه تحقیقات حقوقی (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)، شماره ۵۶، ۱۳۹۰.
13. Chambliss, William J. & Others, State Crime in the Global Age, Willan Publishing, 2012.
14. Chambliss, William J., Power, Politics, and Crime, University of Toronto, 2009.
15. Chevigny, P., Edge of the Knife: Police Violence in the Americas, New Press Publication, 2010.
16. Cohen, Stanley Human Rights and Crimes

ارزیابی تحریم‌های اقتصادی دولت‌های فرادست علیه ملت‌های فرودست از منظر رویکرد جرم‌شناسانه جرایم دولتی

«»»» نویسنده: امیرحسین خسروآبادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

۱- درآمد

این نابسامانی در تعامل دولت‌های فرادست با دولت-ملت‌های فرودست را باید در بی‌توجهی به حقوق بنیادین بشر جست‌وجو کرد. چنین رهیافتی را باید در آموزه‌های مکتب انتقادی دنبال کرد که در این نوشتار، به‌طور مختصر توضیح داده می‌شود. در ادامه، وضع تحریم‌های اقتصادی و اعمال فشار به ملت‌ها، مورد ارزیابی واقع خواهد شد.

۲. توصیف تاریخی جرایم دولتی (از جرایم ملی تا تحریم اقتصادی بین‌المللی)

در روزگاری که جوامع ابتدایی شکل گرفت و حیات بشری در لایه‌های بسیط آن جریان یافت، خطرات ابتدایی دامن‌گیر آنان شده بود. این خطرات مصاعب گسترده‌ای علیه بشریت به ارمغان آورد. اما با شکل‌گیری قدرت‌های مسلط بر جوامع بشری، چالش‌های به مراتب شدیدتری برای ملت‌های تحت سلطه پدید آمد. اما این بحران زمانی شدت می‌یافت که دولت را مقدس انگاشتند و اطاعت

«جرایم دولتی»^۱ ترکیبی ناهمگون از کنش «جرم» و نهاد «دولت» است. کنش مجرمانه، رکن اساسی شکل‌گیری حقوق کیفری بود. اما از زمان پیدایش نخستین قواعد کیفری، دولت‌ها به‌عنوان کنش‌گر جرم‌شناخته نشدند. نتیجه آن بود که مفهوم جرم دولتی، صرفاً یک آرمان اجتماعی در میان اندیشمندان علوم جنایی باقی ماند. اما گذر زمان و تحولات قواعد کیفری سبب شکل‌گیری انتقاداتی بر این رویکرد متداول گردید. از سوی دیگر، مصادیق جرایم دولتی در سطح بین‌المللی توسعه یافت و موضوعاتی نظیر اعمال فشار اقتصادی به ملت‌ها از طریق وضع تحریم‌های اقتصادی، تجاوز و اشغال‌گری، نسل‌کشی و تخریب محیط زیست از رهگذر اقدامات صنعتی را در برمی‌گیرد.

در این نوشتار، جرم دولتی را بر اساس پارادایم فوق تحلیل شده و تحریم دولت-ملت‌های نافرمان از این منظر مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. نتیجه

مردمی و بیداری ملت‌ها، روند حکمرانی در این مناطق تغییر کرد. دولت‌های برآمده از این ملت‌های انقلابی نیز به ناچار در راستای خواسته مردم حرکت کردند. از اینرو، تعامل دولت‌های فرادست با دولت-ملت فرودست وارد چالش شد و فرادستان به دنبال اعمال فشار و کیفر بر این دولت-ملت‌ها شدند تا از این طریق، نافرمانی را مهار سازند. واکنش فرادستان طیف متنوعی از اقدامات را، از انواع مختلف تحریم تا تهاجم نظامی و اشغال، دربرمی‌گرفت. اگر چه گونه‌های رادیکال این واکنش نظیر تهاجم و اشغال سرزمینی، محدود به قیود خاصی شد، ولی ممنوعیت این ابزارهای رادیکال با موفقیت مواجه نشد، دلیل آن نیز واضح بود، دولت‌های فرادست قانون‌گذار، تهاجم نظامی را به عنوان مهمترین «گزینه» در روابط بین‌الملل، «روی میز» داشتند (فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۴۶). با این حال، واکنش‌های دیگر نظیر تحریم، یک اقدام متداول برای مهار نافرمانی دولت-ملت‌های فرودست باقی ماند و هیچ‌گاه، ضابطه عینی به خود نگرفت.

۳. از جرم‌شناسی جرایم دولتی تا حقوق کیفری فراملی دولت‌ها

بررسی‌های تاریخی بیانگر آن هستند که جرایم دولتی، تأثیر زیادی بر جریان تاریخ در دو قرن اخیر داشته است. جنایات دولت آلمان نازی، دولت تزاری روسیه، دولت بلشویکی شوروی، دولت اسرائیل، دولت صربستان و کرواسی، رواندا و دولت امریکا علیه مردم، سیاهه جنایات در این دو قرن را تکمیل کرده است. در این دوران، مفاهیم جدیدی از جمله سلاح کشتار جمعی، حمایت دولتی از تروریسم و تروریسم دولتی، در ادبیات حقوق کیفری بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. از این رو، نهادهای قضاوتی بین‌المللی در قالب دیوان دائمی یا دادگاه‌های بین‌المللی شده، ظهور پیدا کرد و تحول نوینی در حوزه عدالت کیفری فراملی رقم زد (Rothe & Friedrichs, ۲۰۰۶: ۱۴۹).

در ادامه به چالش‌های تکنیکی حقوق در جرم‌انگاری «جرم دولتی» و نهضت انتقادی جرم‌شناسی در به رسمیت شناختن جرم دولتی، اشاره خواهد شد.

۱-۳. چالش فنی حقوق کیفری در شناسایی جرم

از فرامین او را واجب‌الاطاعه دانستند، اما در جهت مقابل، هیچ‌گاه او را در برابر مردم پاسخگو ندانستند (هایک، ۱۳۹۴: ۱۳۰).

مقدس‌انگاری دولت موجب جری‌تر شدن وی شد؛ به نحوی که خود را عاری از هر گونه قید و بندی دانست و مسئولیت در برابر اقداماتش را منتفی انگاشت. از این رو، نهاد «مسئولیت»، خواه از نوع مدنی و خواه از نوع کیفری، به جایگاه دولت تعلق نیافت و این فرصت مناسب برای مقامات دولتی بود تا در راستای تحصیل منافع شخصی و افزایش دامنه قدرت و میزان ثروت خود، از روش‌های میان‌بر، از قبیل ارتکاب رفتارهای مجرمانه دست یازند. از سوی دیگر، انحصار حوزه قدرت سبب شد که مرزهای کسب ثروت نیز منحصر شود و دو قطبی «فرادستان»^۲ و «فرودستان»^۳ شکل گیرد. فرودستان همان افرادی بودند که خارج از مرزهای قدرت و ثروت، قرار داشتند و کارکرد اصلی آنان، رساندن سود و منفعت برای قدرت بود. هر گاه دولت آنان را در تعارض با «مصلحت» خویش می‌دید، اقدام به مهار و حذف آنان می‌کرد.

تحولات عصر جهانی‌شدن و شکل‌گیری جامعه بین‌المللی، دولت-ملت‌ها را در کنار هم قرار داد؛ اما واقعیت این نظم خود ساخته آن بود که دولت‌ها از ملتهایشان جدا شوند و برخی دولت‌ها از برخی دیگر، «برابتر»^۴ گردند (فلسفی، ۱۳۹۷: ۵۴۴). نتیجه این «نابرابری» شکل‌گیری دولت‌های معدودی بود که فرادست دولت‌های دیگر قرار می‌گرفتند و قلمرو قدرت و دامنه ثروت آنان، سراسر جهان را در بر می‌گرفت؛ گویی «دهکده» ای شکل گرفته بود و برخی دولت‌ها، «کدخدا»ی این دهکده جهانی بودند. نتیجه این «کدخدا» انگاری دولت‌های فرادست در عصر «وستفالی»^۵، مشابه همان مقدس‌انگاری فرمانروایان عصر «وسطا» بود؛ اگر چه مسئولیت‌های نمادین و محاکم فرمایشی نیز شکل گرفته بود. دولت‌های فرادست به دنبال کسب منفعت خویش از جغرافیای ملت‌های فرودست بودند و همراهی دولت‌های این مناطق، اهمیت زیادی داشت. در این میان، اگر دولتی از «اطاعت» دولت‌های فرادست سرباز زند و ملتی از «ولایت» کدخدایان خارج شود، با طیف متنوعی از ابزارهای تنبیهی دولت‌های فرادست مواجه می‌شدند. اما به مرور زمان، به دلیل شکل‌گیری انقلاب‌های

2. Superior
3. Inferior
4. More equal
5. Westphalian

دولتی

در چارچوب تحول جرم‌شناختی، ایده مسئولیت کیفری دولت‌ها و پاسخگو کردن آنان در قبال جنایات ارتکاب یافته از سوی آنان، ابتدا با مقاومت جدی مواجه بود. جرم‌شناسان جریان اصلی، دولت را فاقد رکن لازم برای ارتکاب جرم می‌دانستند. البته این استدلال، مخالفت صریح دولت‌ها از این ایده بود. بررسی‌های صورت گرفته در کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص تدوین سندی یکپارچه در خصوص مسئولیت دولت‌ها بیانگر آن است که دولت‌های جریان‌ساز نظیر فرانسه، انگلستان و ایالات متحده، صراحتاً با مسئولیت کیفری دولت‌ها در قبال ارتکاب اعمال مجرمانه، مخالفت کردند (اسپیندی، ۱۳۸۵: ۲۹۳-۲۹۹). از این رو، جرم دولتی در قوانین موضوعه کشورها نمود بیرونی پیدا نکرد. اما به تدریج در ادبیات جرم‌شناسی کشورها، جرم یا انحراف دولتی خلق شده بود. علت این امر آن بود که جرم‌شناسان انتقادی، هدف استقلال علمی از حقوق موضوعه را دنبال می‌کردند. در این میان، جرم‌شناسان لیبرال، به شدت طرفدار تعریف قانونی از جرم بوده و مطالعات جرم‌شناختی را معطوف به جرایم قانونی می‌دانستند.

واقعیت آن بود که با استفاده از تعاریف قانونی از جرم، مفهوم جرم دولتی واقعیت عینی مشخصی پیدا نمی‌کرد. از این رو، محاکمه مقامات دولتی که مرتکب جنایات گسترده می‌شدند (نظیر آنچه که در بوسنی و هرزگووین، رواندا و عراق رخ داد)، از این حیث فاقد وجهت «قانونی» بود. اما برای توجیه این اقدامات و به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت‌ها، نیازمند بازنگری اساسی در تعریف جرم دولتی بود. از این رو در دهه‌های پایانی قرن بیستم، شوندینگر^۶ از نخستین افرادی بود که به تعریف اجتماعی از جرم متمایل شد و پیشنهاد داد که می‌توان با استفاده از مفهوم «حقوق بشر»، رفتارهای ضد اجتماعی دولت‌ها را مجرمانه محسوب کرد (Grewcock, ۲۰۰۸: ۱۴۸).

همچنین گرگ باراک^۷، یکی از جرم‌شناسان چپ آلبانیایی، به مفهوم آسیب اجتماعی در تحلیل جرایم دولتی توجه می‌کند. پرسش اساسی وی آن است که یک دولت چگونه می‌تواند یک کنش‌گر جنایی

باشد و اقدام به اعمال مجرمانه کند. وی در کتاب خویش به فقدان ظرفیت‌های حقوق داخلی کشورها برای جرم‌انگاری اعمال دولت و به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای آن‌ها، اشاره می‌کند و در عین حال بیان می‌کند که کدهای دستوری فراتر از مرزها یک دولت (قوانین بین‌المللی) ظرفیت کافی برای جرم‌انگاری کنش‌های دولت‌ها ندارد. البته وی تصریح می‌کند که سیاهه جنایات دولت‌های لیبرال، ترکیبی از شکنجه، قتل، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان، تروریسم و نقض قواعد حقوق بشر و بشردوستانه را در بر گرفته است، اما بررسی این موارد صرفاً در حد یک سری نظریه باقی خواهد ماند و هیچگاه قابل کنترل نخواهند بود. وی تأکید می‌کند که جرم و جنایت دولتی، یک پدیده ساختاری است تا صرفاً یک کنش فردی و راه کنترل آن، به زنجیر درآوردن ساختارهای جرم‌زای دولتی خواهد بود (Barake, ۱۹۹۱: ۸-۹).

از سوی دیگر آستین تورک^۸، جرم‌شناس مشهور تضاد در اواخر قرن بیستم، در کتاب معروف خویش، جنایتکاری سیاسی^۹، به تحلیل این مساله پرداخت که چرا حقوق کیفری بین‌المللی در قبال جرایم بین‌المللی سکوت کرده و ناکارآمد است. وی پاسخ این پرسش را در کتاب خویش، به مقوله دولت مرتبط می‌سازد و بر این باور است که دولت‌ها به عنوان بازیگران قدرتمند در عرصه بین‌الملل، قواعد و اصول حقوقی را متناسب با بقای حیات خویش تعیین می‌کنند و هر آنچه که مستلزم تمایلات و آمال دولت‌ها باشد، منطبق بر موازین حقوقی خواهد بود (Turk, ۱۹۸۲: ۲۳۱).

بررسی اختلافات نظری این وضعیت نابسامان را مشخص می‌سازد که جرم دولتی از مقوله جرایم سنتی طبیعی خارج است و نمی‌توان به آسانی در مورد ممنوعیت‌انگاری آن و مسئولیت در قبال کنش‌گران دولت صحبت کرد. اما نهضت انتقادی که در اروپا و امریکا شکل گرفت، توانست تا حد زیادی جنبش‌ها را به سمت به رسمیت شناختن این پدیده متمایل سازد.

۲-۳. جریان انتقادی؛ جرایم دولتی و مسئولیت کیفری مقامات دولتی

با این وجود اختلاف نظری گسترده در به رسمیت شناختن جرم دولتی و شناسایی مسئولیت کیفری

6. Julia R. Schwendinger

7. Greg Barake

8. Austin Turk

9. Political Criminality

واکنشی در مقیاس حقوق داخلی دشوار بود؛ چه اینکه نظام حقوقی ملی چون سد محکمی در برابر جریان گلوبالیسم حقوق بین‌المللی ایستاده بود و همچنان دولت‌ها سعی در حفظ استقلال حقوق ملی خود در برابر حقوق فراملی تحمیلی از سوی دولت‌های فرادست داشتند (Barake, ۱۹۹۱: ۲۳۳-۲۴۱).

اما یک تعریف کلی از جرایم دولتی، در سطح ملی یا فراملی، را باید در آخرین اظهارات و مکتوبات ویلیام چمبلیس جست‌وجو کرد. ویلیام چمبلیس، جرم دولتی را مشتمل بر کلیه آسیب‌های اجتماعی و خساراتی می‌تواند که در فرایند اعمال حاکمیت و ثروت‌های ملت‌ها، ناشی می‌شود.

انباشت سرمایه و ثروت‌های ملت‌ها، ناشی می‌شود. به عبارت دیگر، جرم دولتی عبارت است از استثمار ملت‌ها غارت منابع طبیعی و ثروت‌های اجتماعی جامعه از طریق اعمال فرایند حکمرانی که باعث وقوع آسیب‌های اجتماعی در بستر اجتماع شود (Chambliss & et al, ۲۰۱۰, ۲۲). با این حال، باید آن دسته از فعالیت‌های مجرمانه‌ای که غایت نهایی آن، سود و نفع دولت‌ها است، در زمره جرایم دولتی قرار گیرند. اما به باور چمبلیس، دو ویژگی ساختارمندی و دارا بودن ماهیت سیاسی، وجه ممیزه این دسته از جرایم با سایر جرایم سازمان‌یافته، سیاسی امنیتی و ... خواهد بود (عبدالهی و میرخلیلی، ۱۳۹۷، ۱۲۵).

۴. قرن بیست و یکم و موجودیت عینی جرایم دولتی

جرایم دولتی، یکی از باسابقه‌ترین نمونه جرایم در تاریخ بشریت است، اما سیاه‌انگاری جرایم دولتی در قرن بیستم به دلیل کثرت وقوع چنین جرایمی، اهمیت زیادی به خود گرفت. در این قرن پر آشوب، جرایمی از سوی دولت‌های ترکیه، آلمان، روسیه تزاری، شوروی، پل پوت لهستان، چین مائوئیستی، صربستان، رژیم صهیونیستی، عراق، ایالات متحده و عربستان سعودی، در سطح گسترده به وقوع پیوست. تجربه ناشی از این تبهکاری‌های دولتی در سطح گسترده، وقوع انقلابی در اصل عدم مسئولیت مدنی و کیفری دولت و همچنین، شکل‌گیری محاکم قضایی

مقامات دولتی در سامانه قواعد حقوق کیفری، اما اصطلاح جرم دولتی را برای نخستین بار، می‌توان در سخنرانی ویلیام چمبلیس^{۱۰} در انجمن جرم‌شناسی آمریکا در سال ۱۹۸۸ جست و جو کرد. وی با اشاره به جرایمی از قبیل گروگان‌گیری، تروریسم، دزدی دریایی و قاچاق موارد مخدر و نقش برجسته دولت‌ها در این جرایم، به دنبال برجسته کردن مسئولیت کیفری دولت‌ها در این رابطه شد. این سخنرانی نقطه عطفی برای جرم‌شناسان جهت تبیین مفهوم جرم دولتی بود و در نهایت، پیشرفت‌های جرم‌شناختی در این حوزه منجر به راه‌یابی کورسوی‌های امید در حقوق

کیفری برای مقابله با دولت‌های تبهکار گردید. با این وجود، نقش ارزنده جرم‌شناسان انتقادی در خلق و رشد مفهوم جرم دولتی مشهود بود؛ چرا که به چالش کشیدن مفهوم دولت تنها در رویکرد نظری چنین جرم‌شناسانی ممکن بود و تصور اینکه جرم‌شناسان جریان اصلی و لیبرال، از مفهوم «مقدس» دولت دست کشیده و دولت را بازخواست کنند، ممکن نبود. جرم‌شناسان انتقادی به آسیب‌ها وارده از ناحیه دولت‌ها و حکمرانان بر مردم توجه داشتند و اساسا برخی از آنان نظیر فردریچ (Friedrichs, ۱۹۹۵)، سیمون، کلینارد و کوئینی (Clinard & Quinney, ۱۹۷۳)، مفهوم جرم را به محوریت جرایم ارتکاب یافته از سوی حکمرانان، تبیین کردند. اما مهمترین اثر مکتوب در این حوزه که می‌توانست جبهه جدیدی در مطالعات نظری مربوط به جرایم دولتی را باز کند، کتاب «جرایم ارتکاب یافته از سوی سرمایه دار» به قلم آقای باراک بود.^{۱۱} اگر چه انتشار این اثر به بیش از سی سال قبل باز می‌گردد، اما تابش افق‌های جریان انتقادی بر سر جرایم دولتی، مرهون قلم تحلیلی وی بوده است. ایشان در کتاب خویش بر ارزش صلح بین‌المللی تأکید کرده و ضمن تبیین این مساله، جرایم دولتی در سطح فراملی را ناقض این ارزش حیاتی جامعه بین‌المللی بر می‌شمارد. البته این تحلیل بیشتر می‌توانست متناسب با تشکیل محاکم بین‌المللی و محاکمه آن دسته از مقاماتی باشد که آتش جنگ را در جامعه بین‌المللی افروخته بودند، اما همچنان توجیه اقدام

10. William Chambliss

11. Barak, G. (1991). Crimes by the Capitalist State. Albany: State University of New York Press

بین‌المللی بود.

اما دهه‌های نخست از قرن ۲۱ میلادی، آغاز یک دوران مناسب و مقتضی برای پیشبرد جرم‌شناسی جرایم دولتی بود. در ابتدای این هزاره، رسانه‌ها مملو از اخباری در خصوص اشغال و تجاوز به عراق و افغانستان و وقوع جنایات گسترده در آنجا بود. همچنین جنایات‌های واقع شده از سوی ارتش اسرائیل علیه زنان و کودکان و مناطق مسکونی، بهداشتی و درمانی، انزجار عمومی را بر می‌انگیخت. در این میان، رخداد وقایع ضد حقوق بشری از سوی دولت‌های سودان، کنگو، روسیه، میانمار و ویتنام، حجم خبرپراکنی‌های علیه دولت‌ها را بیشتر می‌کرد و برداشت ذهنی مردم به سمتی متمایل شد که اعمال ضد حقوق بشری و جنایات ارتکاب یافته از سوی دولت علیه ملت‌ها، موضوعی تکراری و متداول در جهان گردیده است.

با این حال، همچنان جرم‌شناسان لیبرال تمرکز خود را بر خشونت‌های خیابانی و جرایم سنتی و بررسی راهبردهای نظام عدالت کیفری برای مقابله با این جرایم معطوف می‌کردند. این رویکرد از سوی استنلی کوهن^{۱۲}، تحت عنوان سانسور آکادمیک بخش مهمی از جرایم شدید با آثار تخریبی ویرانگر است که ناشی از تسلط اقتدار گونه دولت بر جریان علوم جنایی بود (Cohen, 2001: 262). از نظر وی، حقوق کیفری لیبرال که برآمده از حمایت‌های مادی و معنوی دولت‌های لیبرال هستند، هیچ اقتداری برای جرم‌انگاری کنش‌های زیانبار دولت نخواهد داشت و از اینرو است که چنین دولت‌ها، مسئولیت کیفری دولت و مقامات دولتی را قابل تصور نمی‌دانند. جرم‌شناسی جرایم اصلی نیز به چنین حمایت‌هایی آلوده شده و نمی‌توان از این جرم‌شناسی، انتظار تحلیل جرایم دولتی را داشت. سال‌ها بعد، چنین ایده‌ای از سوی متأثران فکری کوهن دنبال شد و جریان علمی رایج را به چالش کشاند.

اما در این میانه، جرم‌شناسان انتقادی قرن جدید طرح دیگری را رقم زدند و با تمرکز بر جرایم سطح فراملی، گونه‌های تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، جرایم شرکتی و جرایم دولتی در سطح فراملی، به چالش‌های بی‌توجهی به این دسته از جرایم پرداختند. با این حال، جرایم دولتی در سطح داخلی، مورد توجه کمتری قرار گرفت. شاید علت این امر را بتوان در باورهای ذهنی متفکران این رویکرد در خصوص «ملیت‌گرایی» و مرزهای

جغرافیایی جست‌وجو کرد، باوری که انشعاب مردم به ملیت‌های متعدد و ترسیم خطوط فرضی در کرانه‌های جغرافیایی را آغازی بر یک نزاع دائمی میان بشریت و انتفاع دولت‌های پدید آمده از این «مرزبندی» است. از این نزاع همیشگی می‌دانستند (Cohen, 2010: 42-44). از این رو، بخشی از جرم‌شناسان انتقادی و اندیشمندان وابسته به جریان قاره‌ای، جرایم سنتی ارتکاب یافته داخلی را از اولویت‌های تحلیلی و تجویزی خود خارج ساختند. یکی از شاخصه‌های مهم جریان انتقادی در علوم جنایی، شکل‌گیری مطالعات بزه‌دیده‌شناسی بود. تبیین بزه‌دیدگان جرایم دولتی نیز به موازات تبیین جرم دولتی، سرلوحه پژوهش‌های جرم‌شناسان انتقادی قرار گرفت. از این رو، در کنار تبیین جرایم دولتی، تبیین بزه‌دیدگان و علل وقوع بزه‌دیدگی نیز حائز اهمیت است. ساختارها و الگوی حاکم بر آن، نقش تعیین‌کننده در بزه‌دیدگی این جرایم دارد. ساختارها و نهادهای اجتماعی از قبیل فقر، اقلیت‌های قومی، نژادی، جنسیتی و مذهبی و قرارگیری در خرده فرهنگ‌های معارض دولت یا غیر همسو با سیاست‌های آن، ظرفیت بالقوه‌ای برای واقع شدن بزه‌دیدگی در جرایم دولتی هستند. تعریف جرم‌شناختی کوزلاریچ از بزه‌دیدگان جرایم دولتی عبارت است از «افراد یا گروهی از افراد که به علت سیاست‌ها و کنش‌های دولتی خلاف قانون یا قواعد عام‌الشمول حقوق بشر، متحمل آسیب جسمی، فرهنگی، اقتصادی، رنج، محرومیت یا استتمار شده‌اند» (Kauzlarich, 1998: 87).

تعریف فوق به نوعی، موضع رویکرد انتقادی از جرم دولتی و ساختار بزه‌دیدگی را روشن می‌سازد. اما مهمترین و متداول‌ترین عامل بزه‌دیدگی این جرایم، شکاف عمیق طبقاتی در بستر جامعه است، عاملی که بارها از سوی پژوهشگران این حوزه، عامدانه یا غیر عامدانه مغفول ماند. وضعیت شکاف طبقاتی، وضعیت رایج در نظام‌های سرمایه‌داری است و در چنین وضعیتی، افراد و گروه‌های واقع در طبقات فرودست، در معرض سیاست‌های انباشت ثروت دولت‌ها قرار می‌گیرد.

۵. تحلیل جرایم دولتی فراملی (از تحریم اقتصادی تا ارزش حقوق بشر)

جرایم دولتی گاه ناشی از نقض قوانین و قواعد حقوق داخلی واقع شده و گاه ناشی از نقض هنجارهای بین-

دسته از تحریم‌ها، نه تنها دولت‌ها را از سرکشی باز نمی‌دارد، بلکه نفرت عمیق ملی نسبت به جامعه بین‌المللی را گسترش داده و زمینه را برای رشد و توسعه اقتصاد پنهان فراهم می‌سازد که می‌تواند مقدمه‌ای برای یک بحرانی شود که صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید کند.

به منظور یک تحلیل فنی از مصادیق جرایم دولتی باید به بررسی ارزش بنیادینی که ناظر به آن، ممنوعیت‌انگاری شکل گرفته است، توجه شود. از سوی دیگر، باید متناسب با اهمیت آن ارزش، واکنش مقتضی وضع گردد. از اینرو، با دو ابزار جرم‌انگاری و

کیفری‌انگاری مواجه هستیم که هر دوی این ابزار، تابع یک منطق دقیق برای اعمال هستند. صلح و امنیت بین‌المللی، مصداق بارزی از ارزش‌های حیاتی و بنیادین در جامعه بین‌المللی نوین است. این دو ارزش در مقدمه منشور ملل متحد و بیانیه آغازین شکل‌گیری سازمان ملل، بدان تصریح شد و رکن شورای امنیت برای تحقق و صیانت از این ارزش، با یک توجیه «ناعادلانانه»، ولی «ضرورانه» ایجاد گردید (فلاح اسدی، ۱۳۹۵: ۲۱۱). البته در سطح منطقه‌ای و ملی نیز، موجودیتهایی چون اتحادیه اروپا و دولت آمریکا، خود را پاسداران یکه‌تاز این ارزش معرفی کردند. اما مساله مهم، توصیف و شناسایی دقیق این ارزش و واکنش مقتضی در قبال نقض ارزش بود. واقعیت آن بود که در توصیف این ارزش، منافع قدرتهای فرادست اهمیت بیشتری داشت و واکنش‌ها نیز در راستای کسب منافع آنان بود.

در نظام حقوق بین‌الملل، ضمانت‌اجراهای (واکنش‌ها) ناظر به تضمین مقررات و عرف بین‌المللی (ارزش‌ها)، از دو معیار ضرورت و تناسب^{۱۳} تبعیت می‌کند و این دو اصل، از اصول اساسی در رویه قضایی بین‌المللی بر شمرده شده است (ICJ, ۱۹۹۶, ۲۵۷, para. ۷۸). معیار ضرورت شامل ارزیابی آن است که آیا تحریم‌ها به هدف خود رسیده‌اند یا خیر. اما معیار تناسب در این نظام به دنبال ایجاد پیوند علی و معلولی میان تحریم و وضعیت حقوق بشر در کشوری است که موضوع تحریم‌ها قرار گرفته است. واقعیت‌های سیاسی بیان‌گر آن است که تحریم‌های اقتصادی نه تنها مؤثر نبوده و دولت‌های تحریم‌شده، با جرأت و جسارت بیشتری به دنبال اهداف خود

المللی است. در هر حال این دسته از جرایم، در دو سطح ملی و جهانی در حال وقوع است. به عبارت دیگر، گاه بزه‌دیدگان این جرایم صرفاً در قلمرو جغرافیایی آن دولت بوده و گاهی فراتر از مرزهای جغرافیایی کشیده می‌شود. از این رو، جرایم دولتی را به چهار دسته تقسیم می‌کنند:

- جرایم دولتی داخلی - ملی
 - جرایم دولتی داخلی - فراملی
 - جرایم دولتی بین‌المللی - داخلی
 - جرایم دولتی بین‌المللی فراملی (Grewcock, ۲۰۰۸: ۷-۹).
- مصداق بارز جرایم دولتی بین‌المللی فراملی، تجاوز،

براندازی دولت‌ها، تروریسم دولتی یا ترور مقامات سیاسی نظامی کشورهای دیگر است. اما در شرایط حاضر، تحریم‌های اقتصادی علیه کشورها، به ویژه لغو معافیت‌های دارویی و غذایی، مصداق بارز آن است. امروزه وقوع این تحریم‌ها بر کشورها، تنها ملت‌ها را هدف خود قرار داده است. نمونه بارز آن، سوء تغذیه گسترده و وضعیت نامناسب بهداشتی و دارویی در کشور یمن است. همچنین تحریم گسترده اقلام دارویی علیه ایران، وضعیت نابهنجاری را برای کشور ما به وجود آورده است و موجب افزایش مرگ‌میرهای سالانه ناشی از شرایط نامناسب دارویی و درمان شده است.

با توجه به گستردگی حوزه ارتکاب کنش‌گران دولتی در این سنخ از جرایم، لازم است زاویه‌ای از این پدیده مرموز را مورد تحلیل قرار داد. با توجه به اهمیت بزه دیدگان این دسته از جرایم، توصیف این زاویه تحلیل نیز آسانتر می‌شود. در عصر حاضر، هیچ پدیده‌ای چون تحریم‌های اقتصادی و فشارهای ناشی از آن، بر مردم (که توصیف‌کننده ملت‌ها هستند) سخت نیامده است. اگرچه اعمال تحریم‌های گسترده از سوی نهادهای فراملی چون اتحادیه اروپا، شورای امنیت و اوپک و موجودیتهای ملی چون ایالات متحده آمریکا، با شعار همگام‌سازی دولت‌های سرکش و اطاعت‌پذیری آنان تحت لوای مفهوم خود ساخته «صلح» و «امنیت» «بین‌المللی» انجام می‌شود، اما ناگفته آشکار است که این تحریم‌ها، باعث قرار گرفتن «ملت‌های ایران، سوریه، ونزوئلا، کوبا، کره شمالی، روسیه و یمن در بدترین وضعیت زیستی - معیشتی خواهد بود. این

دولت‌های قدرتمند برای اعمال تحریم‌های اقتصادی، لزوماً پایبند به مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد نیستند، بلکه خود را تابع قوانین و مقررات داخلی خود نیز می‌دانند.

مردم شود، اعمال تحریم ممنوع خواهد بود. این مسئله در ماده ۵۱ (۵) (ب) پروتکل الحاقی نخست به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیش‌بینی شده است.

۶. برآمد

تحریم‌های اقتصادی موجودیت‌های فرادست جامعه بین‌الملل علیه دولت-ملت‌های نافرمان، غیر بشر دوستانه و ظالمانه است؛ چه این که این تحریم‌ها با محوریت مطیع کردن دولت‌های سرکش انجام می‌شود، اما عملاً تأثیر بالفعل آن بر ملت‌ها وارد می‌شود. تحریم‌های اقتصادی، نمونه مدرن اعمال زور و تهدید بین‌المللی است که گذر زمان نشان خواهد داد که این ابزار، دست کمی از تجاوز به قلمرو جغرافیایی ملت‌ها نداشته است. در تحلیل دقیق این مسئله باید مدنظر داشت که تحریم‌های اقتصادی برای نیل به اهداف مشخص (خواه مشروع یا نامشروع)، به صورت یکجانبه یا در قالب قطعنامه شورای امنیت وضع می‌شوند. اما اثرگذاری مستقیم این تحریم‌ها، وضعیت نامناسب بشردوستانه برای مردم ایجاد کرده است. چنین نتیجه‌ای می‌تواند مشروعیت استفاده از ابزار تحریم در منظومه بین‌المللی را با تزلزل مواجه کند. اگر چه اعمال زور و اجبار در عرف جامعه بین‌المللی ممنوعیت مطلق یافته است، اما اشکال مدرن این وضعیت همچنان با خلأهای جدی مواجه است. مهم‌ترین خلأ را باید در مفهوم جرم دولتی پیدا کرد. عدم شناسایی کنش‌های مجرمانه بازیگران دولتی و عدم به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری دولت، حاشیه امن برای دولت‌های فرادست ایجاد کرده است تا آنان با آرامش خاطر به ارتکاب اقدامات ضد بشری انجام دهند. این اقدامات می‌تواند در سطح داخلی منجر به ارتکاب اقداماتی علیه شهروندان شود و در سطح فراملی، خود را در قالب‌هایی نظیر تهدید به تهاجم نظامی، اشغال یا تحریم‌های اقتصادی تبلور یابد. به نظر می‌رسد که چنین اقدامات ظالمانه‌ای هیچگاه در سامانه قواعد حقوقی، مورد ممنوعیت انگاری قرار نخواهد گرفت و واکنش تنبیهی در قبال آن اتخاذ نخواهد شد، جز آنکه تحولات جرم‌شناختی در راستای شناسایی جرم دولتی در سطح بین‌المللی و ملی، به نتیجه مطلوب برسد و سیاهه جرم‌انگاری داخلی و جهانی، به سمت جرم‌انگاری این دسته از جرایم پیش رود. در این میان، نباید از نقش سازنده جریان انتقادی علوم جنایی به آسانی گذر کرد؛ چه اینکه دستاوردهای نوین این جریان در عصر حاضر بوده است که موجب شکل‌گیری محاکم بین‌المللی برای شناسایی مسئولیت مقامات دولتی و تعقیب و

بوده‌اند، بلکه مطالعات اجتماعی و اقتصادی بیان‌گر آن هستند که اعمال تحریم‌ها، وضعیت حقوق بشر در آن کشور را به مراتب تضعیف می‌کند. روایت‌های بی‌شماری وجود دارد که بیانگر تأثیر زیان‌بار تحریم‌ها بر وضعیت حقوق بشر است (Happold, ۲۰۱۶: ۸۸). دولت‌های قدرتمند برای اعمال تحریم‌های اقتصادی، لزوماً پایبند به مقررات فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد نیستند، بلکه خود را تابع قوانین و مقررات داخلی خود نیز می‌دانند. نتیجه این نوع نگرش، استفاده ابزاری از نظام حقوق بین‌الملل صرفاً در جایی است که تابع میل و اراده این دولت‌ها باشد و در جایی که امکان پیگیری منافع خود در بستر نظام بین‌المللی وجود نداشته باشد، مکانیسم‌های حقوق داخلی خویش را فراهم می‌سازند (Kern, ۲۰۰۹: ۵۵). نتیجه آن است که به جای دولت‌ها و سیاست‌مداران، متضرر اصلی از تحریم‌ها، ملت‌ها هستند. این نتیجه، عیناً متناقض با برداشت اولیه‌ای است که تحریم‌کنندگان دارند. آنان بر این باور بودند که از رهگذر اعمال تحریم‌ها و فشار بر ملت‌ها، دولت‌ها به جهت رعایت مصالح ملت‌هایشان و حفظ منافع آنان، مجبورند تا در مقابل دولت‌های تحریم‌کننده کرنش کنند. اما عملاً این برداشت محقق نشد و این تحریم‌ها، وضعیت حقوق بشر را اسفناک کرد (Kern, ۲۰۰۹: ۶۰). با این حال، امکان مطالبه حقوقی و تعقیب قضایی دولت تحریم‌کننده بر اساس مبانی عام حقوق بشر وجود دارد. «کرن» توضیح می‌دهد که گاه ممکن است اعمال تحریم‌ها، تأثیر به‌سزایی بر ملت‌ها داشته و اکثریت مردم آن کشور را در رنج و گرسنگی قرار دهد، اما دولتمردان آن کشور که از طبقه اشراف و ثروتمندان هستند، از این تحریم‌ها سود برده و محل جدیدی برای افزایش ثروت آن‌ها خواهد شد. چنین اتفاقی در خصوص تحریم‌های امریکا و شورای امنیت علیه هائیتی به وقوع پیوست. از این رو، تحریم‌های اقتصادی لزوماً بر ضرر دولت‌ها عمل نمی‌کند (Kern, ۲۰۰۹: ۶۵). همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص معیار تناسب برای اعمال تحریم‌ها یک قاعده عام الشمول و استثنا ناپذیر بیان می‌کند. طبق یک نظر مشورتی از سوی دیوان، اعمال تحریم و استفاده از سایر ابزارها برای اعمال فشار بر دولت‌ها، نباید فشار حداکثری را صرفاً بر اقشار ضعیف، غیر نظامیان و آن دسته از افرادی که هیچ ارتباطی به نقض یک قانون و مقررات بین‌المللی ندارد، توزیع کند (ICJ, ۱۹۹۶, para. ۷۸). به عبارت دیگر، اگر اعمال این تحریم‌ها باعث فشار اقتصادی، ایراد جراحت و درد بیشتر، سوء تغذیه و نظیر اینها بر ملت‌ها و

York: Holt, Rinehart, and Winston.

۱۰) Cohen, Stanley (۲۰۰۱), *Denial: Knowing About Atrocities and Suffering*, Cambridge, U.K.: Polity Press.

۱۱) Cohen, Stanley (۲۰۰۱), *States of Denial: Knowing about Atrocities and Suffering*, Wiley.

۱۲) Friedrichs, D.O. (۱۹۹۶), "Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society". New York: Wadsworth; Kauzlarich, D. (۱۹۹۵). *A Criminology of the Nuclear state. Humanity and Society* ۵۷-۳۷, ۱۹.

۱۳) Grewcock, Mike (۲۰۰۸), «State Crime; Some Conseptual Issue», in *The Critical Criminology Companion*, edited by Thalia Anthony, Chris Cunneen, Hawkins Press.

۱۴) Happold, Matthew (۲۰۱۶), *Economic Sanctions and International Law: An Introduction*, in: Matthew Happold and Paul Eden (eds), *Economic Sanctions and International Law*, Hart Publishing.

۱۵) International Court of Justice (۱۹۹۶), *Advisory Opinion, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons*, ICJ Rep. ۲۲۶.

۱۶) Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (۱۹۹۸), *Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad*. Boston: Northeastern University Press.

۱۷) Kern, Alexander (۲۰۰۹), *Economic Sanctions. Law and Public Policy*, Palgrave Macmillan.

۱۸) Rothe, Dawn L. and Friedrichs, David O. (۲۰۰۶), «The State of the Criminology of Crimes of the State», *Social Justice*, Vol. ۳۳, No. ۱۰۳, pp. ۱۶۱-۱۴۷.

۱۹) Turk, Austin T. (۱۹۸۲), *Political Criminality: The Defiance and Defense of Authority*, Beverly Hills, Sage Publications.

محاكمه آنان، آغاز جنبش‌های مردمی برای پاسخگو کردن دولتمردان و تشکیل یک نفرت همگانی در برابر اقدامات ظالمانه دولت‌ها فرادست و نهادهای بین‌المللی تحت سلطه آنان نسبت به ملت‌های فرودست شده است. در نتیجه، تا زمانی که تحولات نظری در میان جریان‌های جرم‌شناختی تکمیل نشده و جرم دولتی، توجیه جرم‌شناختی به خود نگیرد و اجماع نظری میان اندیشمندان برای واکنش‌دهی مقتضی به این دسته از کنش‌های ناپهنجار شکل نگیرد، نمی‌توان اعتبار این جرایم را در صفحه حقوق کیفری را مورد شناسایی قرار داد. تحریم‌های اقتصادی یکجانبه دولت امریکا و نهادهایی نظیر شورای امنیت علیه مردم و ایجاد فشار مضاعف علیه ملت‌های نافرمان، از این مقوله مستثنا نیست و ممنوعیت دائم وضع چنین تحریم‌هایی، منوط به شناسایی و اعتبار جرایم دولتی در بستر فراملی خواهد بود.

منابع

- ۱) اسپندی، مارینا (۱۳۸۵)، «پیرامون امکان ارتکاب جرم از سوی دولت و مسئولیت کیفری او»، ترجمه سید علی هنجی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۴، پاییز و زمستان، صص ۲۷۷-۳۱۰.
- ۲) عبدالهی، معاذ و میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۸)، «مبانی اخلاقی - روانشناختی ضرورت جرم‌انگاری جرایم دولتی با تأکید بر مدل‌های حکومتی»، پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، ش ۱، صص ۱۲۳-۱۳۸.
- ۳) فلاح اسدی، مهداد (۱۳۹۵)، *سورای امنیت سازمان ملل متحد: تحریم و حقوق بشر*، تهران: شهردانش.
- ۴) فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۴)، *صلح جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت*، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۵) فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۷)، *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل*، چاپ نخست، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۶) هایک، فریدریش فون (۱۳۹۴)، *در سنگر آزادی*، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.
- ۷) Barake, Gregg (۱۹۹۱), *Crimes by the Capitalist State: An Introduction to State Criminality*, New York, SUNY Press.
- ۸) Chambliss, W. J., Michalowski, R. J., and Kramer, R. C. (۲۰۱۰), *State Crime in the Global Age*, Willan Publishing
- ۹) Clinard, M. and Quinney, R. (۱۹۷۳), *Criminal Behavior Systems: A Typology*. New

مروری بر جرم‌شناسی جرایم دولتی

دکتر مجید قورچی بیگی

استادیار گروه حقوق جزا دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی^۱

الف) مروری بر ادبیات پژوهش در حوزه جرایم دولتی

عنوان «جرایم دولتی» (۱۹۹۸) اثر مهمی است. جفری راس دو کتاب مهم با عنوان «کنترل جرم دولتی»^۶ (۱۹۹۵) و «انواع جرایم دولتی و کنترل آن»^۷ (۲۰۰۰) دارد که در این زمینه شایان توجه‌اند.

در مقایسه با ادبیات اولیه، این ادبیات متحول شده و موضوعات مختلفی از جمله حمله آمریکا به عراق، استفاده غیرقانونی و تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، نسل‌کشی در دارفور، جرایم علیه بشریت در اوگاندا، توفان کاترینا در آمریکا و نقش و نحوه‌ی واکنش دولت آمریکا و بسیاری دیگر از مصادیق جرایم دولتی-شرکتی مانند پرونده‌های شرکت‌های چلنجر^۸، امپریال فود، سقوط ولت‌جت^۹ نام برد. از آثار شاخص دیگر در این حوزه می‌توان به کتاب «جرم دولتی: حکومت‌ها، خشونت و فساد»^{۱۰}، از گرین و وارد،

هرچند میزان پژوهش و پیشینه‌ی بحث در حوزه جرایم دولتی در مقایسه با پژوهش‌های جریان جرم‌شناسی غالب، فرعی و حاشیه‌ای بوده است اما در این حوزه منابع و پژوهش‌های مهمی وجود دارند که در ادامه بر آن‌ها مروری می‌شود. در پژوهش‌های اولیه در حوزه جرایم دولتی می‌توان به سه اثر شاخص اشاره کرد؛ کتاب باراک با عنوان «جرایم دولت سرمایه‌دار»^۲ (۱۹۹۱)، «جرایم سیاسی در آمریکای معاصر»^۳ (۱۹۹۳) اثر تونل، کتاب راس با عنوان «کنترل جرایم دولتی»^۴ (۱۹۹۵). کتاب «جرایم دولت هسته‌ای آمریکا: در داخل و خارج»^۵ اثر کوزلاریچ و کرمر (۱۹۹۸) یکی از کارهای مهم این حوزه است. کتاب دو جلدی دیوید فردریچ با

1. majid.baygi@khu.ac.ir

2. Barak, G. (1991). *Crimes by the capitalist state*. Albany: State University of New York Press.

3. Tunnel, K. D. (1993). *Political crime in contemporary America*. New York, NY: Garland.

4. Ross, J. I. (1995). *Controlling state crime: An introduction*. New York, NY: Garland.

5. Kauzlarich, D., & Kramer, R. (1998). *Crimes of the American nuclear state: At home and abroad*. Boston, MD: Northeastern University Press.

6. Ross, J. I. (1995). *Controlling state crime: An introduction*. New York, NY: Garland.

7. Ross, J. I. (2000). *Varieties of state crime and its control*. Mosney, NY: Criminal Justice Press.

8. Kramer, R. (1992). The space shuttle challenger explosion: A case study of state-corporate crime. In K. Schlegel & D. Weisburd (Eds.), *White collar crime reconsidered* (pp. 241-212). Boston, MA: Northeastern University Press.

9. Matthews, R., & Kauzlarich, D. (2000). The crash of ValuJet Flight 592: A case study in state-corporate crime. *Sociological Focus*, 298-281, 3.

Green, P., & Ward, T. (2004). *State crime: Governments, violence and corruption*. London, England: Pluto Press.

فردی و جرایم افراد طبقات فرودست اجتماعی-اقتصادی، بی‌توجهی به زیان‌های اجتماعی گسترده و شدید ناشی از جرایم دولتی و شرکتی، توجه اندک به زیان‌های ناشی از قدرت اقتصادی و سیاسی، عدم توجه به شکل سازمانی فعالیت‌های مجرمانه و عدم توجه به ماهیت سیاسی فرایند جرم‌انگاری از چالش‌هایی است که منتقدان باور دارند رویکرد غالب جرم‌شناسی آن را نادیده گرفته است؛ اما چرا جرم‌شناسی به‌واقع با چنین تأخیری به اهمیت این موضوع پی برده است؟ صرف‌نظر از اینکه جرم‌شناسی غالب و نظریه‌های آن از حیث امکان تبیین جرایم دولتی فاقد آمادگی نظری لازم هستند و به دلیل ملاحظات مختلفی تمرکز بر بزهکاری‌های فردی، جرایم خیابانی و مجرمان فرودست اجتماعی و اقتصادی بوده است، جرایم اقتصادی و سیاسی «زنجیره علی پیچیده‌ای» دارند. از طرف دیگر، در ساختار فعلی تأمین منابع مالی در خصوص پژوهش در حوزه جرایم دولتی موانع و مشکلات آشکاری وجود دارد که نیازی به توضیح ندارد. همچنین در مقام جرم‌شناس، شناسایی مرتکبان و همچنین دسترسی به آن‌ها و همین‌طور مراجعه به میدان وقوع جرم خطرناک یا گاه غیرممکن است. در نتیجه امکان ارائه روایتی مبتنی بر مشاهده شخصی اغلب امکان‌پذیر نیست.

سراغز تعریف جرایم دولتی به بحث مبنایی دیگری در جرم‌شناسی پیوند دارد و آن موضوع سوژه در جرم‌شناسی و قلمرو موضوعی در جرم‌شناسی است؛ به‌عبارت‌دیگر جرم‌شناسی باید به چه موضوعاتی بپردازد و قلمرو موضوعی جرم‌شناسی چیست؟ جرم، انحراف، زیان و حتی رفتارهای نادرست؟ این پرسش در جرم‌شناسی پاسخ‌های متفاوتی دریافت کرده است. برخی جرم‌شناسان مانند جرج ولد بر

«بزهکاری دولتی: جرم تمام جرم‌ها»^{۱۱} از روته، «مقاومت در برابر جرم دولتی»^{۱۲} از استنلی و مک‌کولوخ، «جرم دولتی در عصر جهانی»^{۱۳} از چمبلیس، میشلوفسکی، کرمز، «جرم دولتی رویکردهای معاصر»^{۱۴} ویراسته‌ی روته و مولینز، «رویکردی به بزه‌دیده شناسی جرایم دولتی»^{۱۵} ویراسته روته و کوزلاریچ، «جرم دولتی در حاشیه امپراتوری»^{۱۶}، «جرم دولتی، زنان و جنسیت»^{۱۷} اثر کولینز و «شکنجه به‌عنوان جرم دولتی» اثر کولارد^{۱۸} نام برد.

برخی نیز به‌جای عبارت جرایم دولتی از اصطلاح چتری «جرایم قدرتمندان» استفاده کرده‌اند تا تمام مصادیق این‌گونه از جرایم را در دل این مفهوم بگنجانند. برای مثال کتاب «جرایم قدرتمندان: مارکسیسم، جرم و انحراف» اثر پی‌یرس^{۱۹}، «تبیین جرایم قدرتمندان» اثر تمبز و وایت^{۲۰}، «دست‌نامه بین‌المللی راتلج پیرامون جرایم قدرتمندان»^{۲۱} ویراسته باراک، «جرایم قدرتمندان: یک درآمد» اثر روته و کازلاریچ^{۲۲}، «بازنگری در جرایم قدرتمندان: مارکسیسم، جرم و انحراف» اثر بیتل، اسنیدر، تمبز و وایت^{۲۳}.

ب) تعریف جرایم دولتی

روشن است که موضوع جرایم دولتی در بستر جرم‌شناسی انتقادی مطرح می‌شود؛ جرم‌شناسی انتقادی نسبت به بسیاری از مسائل جامعه‌شناختی کارکردگرا و جرم‌شناسی رایج، پیش‌فرض‌های متفاوتی را اتخاذ می‌کند. جرم‌شناسان انتقادی اعتقاد دارند جرم‌شناسی پوزیتیویستی رایج از معیار عینیت و موضع بی‌طرفی فاصله گرفته است. زیرا موضوعات این رشته، متأثر از نیروهای ایدئولوژیک و سیاسی بیرونی شکل می‌گیرد. تمرکز بیش‌ازحد بر جرایم خیابانی و مسئولیت

11. Rothe, D. L. (2009). *State criminality: The crime of all crimes*. Lanham, MD: Lexington Books.
12. Stanley, E., & McCulloch, J. (2013). *State crime and resistance*. New York, NY: Routledge.
13. Chambliss, W., Michalowski, R., & Kramer, R. (Eds.). (2010). *State crime in the global age* (pp. 169–155). Oxford, England: Routledge.
14. Rothe, D. L., & Mullins, C. (2011). *State crime, current perspectives*. New York, NY: Rutgers University Press.
15. Rothe, D. L., & Kauzlarich, D. (2014). *Towards a victimology of state crime*. New York, NY: Routledge.
16. Lasslet, K. (2014). *State crime on the margins of empire: Rio Tinto, the war on Bougainville and resistance to mining*. London, England: Pluto Press.
17. Collins, V. E. (2016). *State crime, women and gender*. Oxford, England: Routledge.
18. Collard, M. (2018). *Torture as state crime: A criminological analysis of the transnational institutional torturer*. London, England: Routledge.
19. Pearce, F. (1976). *Crimes of the powerful: Marxism, crime and deviance*. London, England: Pluto Press.
20. Tombs, S., & Whyte, D. (2003). *Unmasking the crimes of the powerful*. *Critical Criminology*, 236–217, 11.
21. Barak, G. (Ed.). (2015). *Routledge international handbook on the crimes of the powerful* (pp. 525–515). Oxford, England: Routledge.
22. Rothe, D. L., & Kauzlarich, D. (2016). *Crimes of the powerful: An introductory text*. New York, NY: Routledge.
23. Bittle, S., Snider, L., Tombs, S., & Whyte, D. (Eds.). (2018). *Revisiting crimes of the powerful: Marxism, crime and deviance*. New York, NY: Routledge.

ترک فعل ارتكابی توسط مرتكبانى درون دولت است که منجر به نقض قوانین داخلی و بین‌المللی، حقوق بشر، یا ایراد زیان نظام‌مند و نهادمند به جمعیت خودش یا دیگر دولت‌ها می‌شود و به نام دولت ارتكاب می‌یابد صرف‌نظر از اینکه در این ارتكاب انگیزه یا نفع شخصی مؤثر بوده است یا خیر»^{۲۷}.

جرایم دولتی را می‌توان از زمره‌ی جرایم یقه‌سفیدان طبقه‌بندی کرد. بر اساس یک طبقه‌بندی کلان‌تر، «جرایم حکومتی»^{۲۸} را می‌توان به جرایم دولتی و جرایم یقه‌سفیدی سیاسی تقسیم نمود. جرایم حکومتی اشاره به تمامی اقدامات زیان‌باری دارد که توسط دولت یا از طرف دولت یا نهادهای دولتی ارتكاب می‌یابد و در مفهوم موسع کلیه‌ی اقدامات ارتكابی در بستر حکومت را در برمی‌گیرد. «جرم یقه‌سفیدی سیاسی»^{۲۹} اشاره به اقدامات غیرقانونی دارد که توسط مقامات رسمی و سیاست‌مداران برای «اهداف شخصی» انجام می‌شود. «جرم سیاسی» نیز که مفهومی متفاوت است نوعاً با جرایمی از قبیل خیانت به کشور و شورش‌ها و اعتراض‌های غیرقانونی تداعی می‌شود. جرایم دولتی (state crimes) اقدامات غیرقانونی، ضداجتماعی و ظالمانه‌ای هستند که به نفع دولت یا نهادهای دولتی و نه برای سود و نفع فردی ارتكاب می‌یابند.

در رابطه جرایم دولتی حوزه‌های پژوهشی متفاوتی وجود دارد که می‌تواند موضوع طرح‌های پژوهشی دانشجویان و پژوهشگران گرامی قرار گیرد: تبیین نظری جرایم دولتی، بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولتی، کنترل جرایم دولتی، گونه‌شناسی جرایم دولتی، جرایم دولتی-شرکتی و جرایم زیست‌محیطی دولتی.

پ) جرایم دولتی: بیشترین بی‌تفاوتی و کم‌ترین واکنش عمومی

جستار پیش‌رو درآمدی است کوتاه بر حوزه جرایم دولتی و مروری است بر چهارچوب‌های نظری و آشنایی خوانندگان با ابعاد مختلف حوزه جرایم دولتی. در این جستار تلاش می‌شود تا با معرفی ادبیات پژوهش در حوزه جرایم دولتی، تعریف جرایم دولتی و مشکلات پژوهش در این حوزه، مروری بر ادبیات و پیشینه نظری بحث صورت پذیرد. مطالعات جرم‌شناختی در حوزه اقدامات غیراخلاقی، غیرقانونی

این باورند که جرم‌شناسی در تعریف جرم باید خود را به تعریف حقوقی جرم مقید کند. برخی دیگر از جرم‌شناسان مانند سلین بر این باورند که موضوع جرم‌شناسی نباید نقض قانون باشد بلکه باید نقض «هنجارهای رفتاری» باشد؛ جرم بودن یا نبودن یک رفتار محصول فرایند سیاسی است و نباید بر ماهیت رفتار و بررسی علمی آن، اثر بگذارد؛ تفسیری از جرم که در حوزه جرایم دولت اغلب مورد پذیرش قرار گرفته است. رویکرد تعریفی دیگر بر موضوع زبان اجتماعی تأکید دارد که حتی رشته‌ی «زبان‌شناسی» را به‌جای جرم‌شناسی پیشنهاد می‌کند. برای هرکسی که علاقه‌مند به ارائه‌ی تبیین‌های جرم‌شناختی باشد نوع رویکرد تعریفی اتخاذی در خصوص قلمرو موضوعی جرم‌شناسی با چالش‌هایی همراه است. مشکلی که اتفاقاً ساترلند نیز در بررسی جرم‌شناسی جرایم یقه‌سفیدان با آن روبه‌رو بود؛ از نظر وی معیار جرم بودن یک رفتار نه جرم‌انگاری آن رفتار توسط قوانین کیفری و نوع واکنش رسمی به آن است بلکه این «زبان بالقوه اجتماعی» یک رفتار است که مجرمانه بودن آن را تعیین کرده و آن را شایسته بررسی جرم‌شناختی می‌کند صرف‌نظر از این که در خصوص آن رفتار چه نوع واکنشی اعم از کیفری، مبتنی بر مسئولیت مدنی یا تنظیم‌گرانه پیش‌بینی شده باشد. بحث در رابطه با جرایم دولتی^{۲۴}، همان‌طور که بحث پیرامون جرایم یقه‌سفیدها با سخنرانی ادوین ساترلند آغاز شد^{۲۵}، با سخنرانی چمبلیس در انجمن آمریکایی جرم‌شناسی در سال ۱۹۸۹ و با درخواست توجه به جرم سازمان‌یافته دولتی پا گرفت. هرچند می‌توان در اندیشه‌های اندیشمندان دیگری در گذشته رگه‌های توجه به اقدامات زیان‌بار و مجرمانه‌ی دولت‌ها را مشاهده نمود. حوزه جرایم دولتی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است به‌نحوی که جرایم دولتی برهم‌کنش بحث‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، جرم‌شناختی، اقتصاد سیاسی و غیره است. چمبلیس جرم دولتی را این‌گونه تعریف می‌کرد: «اقداماتی که توسط قانون به‌عنوان جرم تعریف شده است و توسط مقامات دولتی در راستای شغل‌شان به‌عنوان نماینده دولت ارتكاب می‌یابد»^{۲۶}. از آن زمان تاکنون این تعریف تحولات مختلفی را طی کرده است به‌ویژه با ظهور رویکردهای زیان‌شناختی در حوزه جرم‌شناسی. در یکی از جدیدترین تعاریف روتسه و کوزلاریچ جرم دولتی را چنین تعریف نموده‌اند: «جرم دولتی عبارت از هر فعل یا

۲۴. برای رویکردهای مختلف در تعریف جرایم دولتی ر.ک: لسلت، کریستین (۱۳۹۷)، رویکرد جرم‌شناختی به جرایم دولتی و پاسخ به آن‌ها، ترجمه آزاده صادقی و جمشید غلاملو، رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان، صص ۱۱۸-۱۰۶.

۲۵. ساترلند، ادوین (۱۳۹۷)، جرایم یقه‌سفیدان، ترجمه مجید قورچی‌بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۸۳-۱۶۳.

26. Chambliss, W. (1990), *State organized crime, Criminology*, 27, 183.

27. Rothe, D. L., and Kauzlarich, D. (2016), *Crimes of the powerful: An introductory text*, New York, NY: Routledge, p. 102.

28. Governmental crime

29. political white collar crime

تاریخی نشان می‌دهد که بر اساس بعضی تخمین‌ها در قرن بیستم، بیش از شصت میلیون نفر در اثر اقدامات عامدانه‌ی دولت‌ها فوت کرده‌اند.^{۳۰} هرچند جنگ در میان سهم عمده‌ای داشته است، اما بخش اعظم این مرگ‌ومیرها در اثر اعدام‌ها، نسل‌کشی و قتل و عام‌ها بوده است.^{۳۱} جرایم دولتی و بزهکاری دولت‌ها در قیاس با جرایم فردی از جنبه‌های مختلفی اهمیتِ دوجندانی دارد و به دلایلی که در ادامه ذکر می‌شود می‌تواند پیامدهای زیان‌باری گسترده‌تری در پی داشته باشد. از حیث میزان زیان‌باری می‌توان ادعا کرد که اقدامات دولت‌ها پیامدهای زیان‌بار

وسیع‌تر و شدیدتری داشته باشد. از دیگر سو تجربیات و مستندات تاریخی نشان می‌دهد که جرایم دولتی چه فجایی گسترده‌ای را به همراه داشته است؛ البته با توجه به قدرت دولت، بسیاری از این اقدامات به‌عنوان جرم تلقی نشده‌اند بلکه گاه به‌عنوان تصادف، حادثه،

بی‌احتیاطی، قصور یا در قالب‌های دیگر برای ما بازنمایی شده‌اند. صرف‌نظر از گستره‌ی زیان‌بار جرایم دولتی، قدرت گسترده و بلامنزاع دولت که امکان ارتکاب جرم با ابعاد وسیع را ممکن می‌کند، همچنین انحصار دولت بر خشونت و امکان پنهان‌سازی جرم و فرار از مجازات، عدم واکنش عمومی یا رسانه‌ای به جرایم دولتی، عدم امکان مداخله حقوقی به علت موانع حقوقی از جمله اصل حاکمیت ملی و استفاده از ابزار انکار و بازنمایی به‌عنوان حادثه یا سایر توجیهات، اهمیت و ضرورت مشارکت جرم‌شناسی در این حوزه را دوجندان می‌کند؛ حتی برخی ادعا می‌کند که این وظیفه‌ی اخلاقی جرم‌شناسی است و جرم‌شناسی شایسته‌ترین دیسپلین برای ورود در چنین بحثی است و چه موضوعی از حیث اهمیت مهم‌تر از موضوع جرایم دولتی.

ت) جرایم دولتی مستقل از جرایم فردی

دولت از جایگاه‌ها تشکیل شده است و این جایگاه‌ها و موقعیت‌های سازمانی آجرهای سازنده‌ی این سازمان است. دولت به‌عنوان یک سازمان مجموعه‌ای از شغل‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است که هر کدام نیازمند مهارت و قدرت خاص خود هستند. سازمان صرفاً مرکب از افراد نیست بلکه مجموعه‌ای از موقعیت‌های سازمانی است که به نحو قدرتمندی بر افکار و اعمال مرتبط با کار تأثیر می‌گذارند و این موقعیت‌های سازمانی هستند که ثابت‌اند و افراد در

و زیان‌بار دولت‌ها، از زمان شروع تحقیق در این حوزه از اواخر دهه ۸۰ و اواسط دهه‌ی ۹۰ میلادی، به اندازه انتظار رشد نداشته است. در حال حاضر، تلاش برای توسعه و رشد جرم‌شناسی تجربی و نظری جرایم دولت، روندی رو به رشد ندارد هرچند در این زمینه تلاش‌های مفهومی و گونه‌شناختی فراوانی صورت گرفته است؛ هرچند جرم‌شناسان انتقادی به‌صورت تاریخی، به موضوع فهم جرایم دولت و ارتباط میان زیان‌های ناشی از اقدامات شرکت‌های قدرت‌مند و نهادها و سازمان‌های دولتی پرداخته‌اند.

تعقیب جرایم دولتی و جرایم یقه‌سفید حکومتی مشکل است به‌ویژه زمانی که متهم خود بخشی از حکومت است؛ هرگونه ادعایی مبنی بر اتهام به ارتکاب جرم دولتی با تعصبات ایدئولوژیک‌یک‌ی همراه خواهد شد و گاه با عنوان یک سیاست مطلوب از آن دفاع خواهد شد؛ اما در صورت افشا شدن، این‌گونه جرایم بسیار موردتوجه رسانه‌ها

قرار خواهند گرفت. از طرف دیگر نیز، بیشترین بی‌تفاوتی و کم‌ترین واکنش عمومی نیز مختص جرایم دولتی است که گاه جزء شدیدترین جرایم محسوب می‌شوند. به‌طور سنتی مطالعه‌ی جرایم حکومتی و دولتی توسط جرم‌شناسان حتی بیشتر از جرایم شرکتی و شغلی مورد غفلت قرار گرفته است. چرا؟ دسترسی و مطالعه‌ی قدرتمندان سیاسی مشکل است؛ همچنین نوع ضرر و قانون‌شکنی که با نام دولت یا توسط مقامات حکومتی انجام می‌شود بسیار پیچیده است؛ همچنین بسیاری از مردم در برابر این تصور که دولت‌ها و مقامات حکومتی می‌توانند مجرم باشند هنوز مقاومت می‌کنند.

از یک‌سو انگاره ما پیرامون مفهوم دولت غالباً این‌گونه شکل گرفته است که دولت تنها نهاد صالح و مشروع جرم‌انگاری و تعریف رفتارهای مجرمانه و اعمال خشونت در مقام مجازات است و دولت خود در مقام محافظت و حمایت از اتباعش از کوششی فروگذاری نمی‌کند. از دیگر سو، این انگاره ذهنی پیرامون مفهوم جرم بر مبنای مجرمان فردی، مسئولیت و تقصیر شخصی، زمینه‌های فرودست اجتماعی و اقتصادی در جرم تشدید می‌شود. چنین انگاره در مواجهه با حوزه جرایم دولتی با تردیدهای جدی روبه‌رو است؛ یعنی دولت نه‌تنها خود می‌تواند مرتکب جرم شود و این جرایم را با اهداف و انگیزه‌های مختلف مرتکب شود بلکه اتفاقاً فرایند جرم‌انگاری، کیفی‌دهی و حتی اجرای قانون کاملاً متأثر از مسائل سیاسی-اقتصادی است. رجوع به تجربیات

در حال حاضر، تلاش برای توسعه و رشد جرم‌شناسی تجربی و نظری جرایم دولت، روندی رو به رشد ندارد هرچند در این زمینه تلاش‌های مفهومی و گونه‌شناختی فراوانی صورت گرفته است.

30. Falconer, B. (2003), "Murder by the state", The Atlantic Monthly (November): 57-56.

۳۱. استنلی، الیزابت و جود مک‌کالاک، مقاومت در برابر جرم دولتی، ترجمه مهدی سمائی، صص ۵-۱، در دسترس:

<http://problematicaa.com/resistance-to-state-crime>

میان آن‌ها تغییر می‌کنند.

افراد موقعیت‌های سازمانی را اشغال می‌کنند و سازمان‌های بزرگ مدیران کارمندان و سایر اعضای خود را مرتب عوض می‌کنند بدون اینکه تأثیر زیادی بر سازمان داشته باشد. البته استخدام و آموزش خوب مدیریت می‌شود. اعضای تازه وارد به سازمان یاد می‌گیرند که چه انتظاراتی از آن‌ها وجود دارد؛ از طریق نقش‌های شغلی رسمی و توصیف شغلی و فهم غیررسمی از جایگاه. سازمان کار خود را می‌کند اما افراد می‌آیند و می‌روند. جامعه‌شناسی سازمانی و مدیریت سازمانی ساختار سازمانی مستقل از افراد است که جایگاه‌های سازمانی را اشغال کرده‌اند مثل شهر یا محله‌ای که ساکنان جابه‌جا می‌شوند. زندگی در درون سازمان متفاوت از سایر نهادهای اجتماعی مثل خانواده است. چرا؟ افراد و اعضای خانواده به راحتی جایگزین نمی‌شوند؛ فرد در خانواده فی‌نفسه مهم است برخلاف سازمان که فرد مهم نیست بلکه جایگاه سازمانی مهم است؛ زیرا در خانواده عنصر سازنده فرد است ولی در سازمان موقعیت و جایگاه سازمانی است.

سازمان بر افکار و اعمال افراد تأثیر می‌گذارد. مدیران شرکت و نخبگان سازمان به دیگران می‌گویند چه کاری بکنند و این افراد تحت تأثیر تجربیات گذشته و موقعیت کنونی خود هستند. این مدیران در اثر تجربه‌های قدرتمند کاری در طول دهه‌های گذشته اجتماعی شده‌اند. آن‌ها حقوق می‌گیرند که برای شرکت فکر می‌کنند و عمل کنند و اگر نتوانند این کار را بکنند به راحتی عوض می‌شوند.

ث) منابعی برای مطالعه بیشتر

الف) فارسی

- استنلی، الیزابت و جود مک‌کالاک، مقاومت در برابر جرم دولتی، ترجمه مهدی سمائی، صص ۵-۱، در دسترس: <http://problematicaa.com/resistance-to-state-crime>
- بازاک، گرگ (۱۳۹۶)، به سوی مطالعه تلفیقی جنایات بین‌المللی و بزهکاری دولتی-شرکتی: رویکردی دوسویه به نقض آشکار حقوق بشر، ترجمه حامد صفائی آتشگاه، در «جرم‌شناسی فراملی» ویراسته آلت سمولرز و رولف هاومن، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، صص ۱۳۷-۱۰۵.
- پارمن تیر، استفان (۱۳۹۵)، پیوند مفقوده: رویکردهای جرم‌شناختی به عدالت در حال گذار و جرایم بین‌المللی، ترجمه مجید قورچی‌بیگی، فصل ۲۵ از کتاب جرم‌شناسی چیست؟، نشر میزان.
- راس (۱۳۹۵)، تحولات جرم سیاسی، ترجمه حسین غلامی، سمت.
- روث، داوید و دیوید کازلاریچ (۱۳۹۹)، بزه‌دیده‌شناسی جرم حکومتی، ترجمه نبی‌الله غلامی، انتشارات شهر دانش.
- رئیس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۳)، جهانی‌سازی قتل و عام

اقتصادی، نشر نگاه.

۷. ساترلند، ادوین (۱۳۹۷)، جرایم بزه‌سفیدان، ترجمه مجید قورچی‌بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۸۳-۱۶۳.

۸. غلامی، نبی‌الله (۱۳۹۷)، اقتصاد سیاسی جرم حکومتی، مجله اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۵ و ۶، صص ۶۷-۸۱.

۹. فیسمن، ریموند، ادوارد میگل (۱۳۸۸)، تبهکاران اقتصادی، فساد خشونت و فقر ملت‌ها، ترجمه فرخ قبادی، نگاه معاصر.

۱۰. قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی جرایم دولتی: از غفلت جرم‌شناسی تا جرم‌شناسی آینده-نگر، مجموعه مقالات در نکوداشت خانم تلمباخ، دانشگاه علامه طباطبایی، نشر میزان.

۱۱. قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی جرایم بزه‌سفیدها، دادگستر.

۱۲. کوزلاریچ، دیوید، ریک ماتئو و ویلیام جی‌میلیر (۱۳۹۰)، بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت، ترجمه مجید قورچی‌بیگی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، در دسترس:

13. <http://lri.ir/downloads/Books/nashrye-ha/nashrye-n.006/22-21.pdf>

۱۴. کونین، کریس (۱۳۹۶)، جرم دولتی، موضوع استعمار و مردمان بومی، ترجمه حسین غلامی و حسین محمدکوره‌پز، در «جرم‌شناسی فراملی» ویراسته آلت سمولرز و رولف هاومن، به کوشش حمیدرضا نیکوکار، صص ۲۹۶-۲۶۶.

۱۵. گرین، پنی و تونی وارد (۱۳۹۸)، جرم دولتی: حکومت‌ها، خشونت و فساد، ترجمه معاذ عبداللهی و بهار محمدی، نشر مهر کلام.

۱۶. لسلت، کریستین (۱۳۹۷)، رویکرد جرم‌شناختی به جرایم دولتی و پاسخ به آن‌ها، ترجمه آزاده صادقی و جمشید غلاملو، رویکردهای جرم‌شناختی به حقوق کیفری بین‌المللی، نشر میزان، صص ۱۳۵-۱۰۳.

ب) انگلیسی

- Barak, G. (1991), Crimes by the Capitalist State: An Introduction to State Criminality, Albany NY: SUNY Press.
- Chambliss, W. J. (1989), "State-organized crime," Criminology, 208-183 :27.
- Ermann, M. David and Richard J. Lundman (2002), Corporate and Governmental Deviance, 6th edition, Oxford University Press.
- Chambliss, W. J. (1991), Power, Politics and Crime, Westview Press.
- Chambliss, W. J, Michalowski, R. J., and Kramer, R. C. (2010), State Crime in the Global Age, Willan Publishing.

Governments, violence and corruption. London, England: Pluto Press.

7. Kauzlarich, D., & Kramer, R. (1998). Crimes of the American nuclear state: At home and abroad. Boston, MD: Northeastern University Press.

8. Kramer, R. (1992). The space shuttle challenger explosion: A case study of state-corporate crime. In K. Schlegel & D. Weisburd (Eds.), White collar crime reconsidered (pp. 241–212). Boston, MA: Northeastern University Press.

9. Lasslet, K. (2014). State crime on the margins of empire: Rio Tinto, the war on Bougainville and resistance to mining. London, England: Pluto Press.

10. Pearce, F. (1976). Crimes of the powerful: Marxism, crime and deviance. London, England: Pluto Press.

11. Ross, J. I. (1995). Controlling state crime: An introduction. New York, NY: Garland.

12. Rothe, D. L. (2009). State criminality: The crime of all crimes. Lanham, MD: Lexington Books

13. Rothe, D. L., & Kauzlarich, D. (2016). Crimes of the powerful: An introductory text. New York, NY: Routledge.

14. Stanley, E., & McCulloch, J. (2013). State crime and resistance. New York, NY: Routledge

15. Tunnel, K. D. (1993). Political crime in contemporary America. New York, NY: Garland.

Articles

1. Chambliss, W. (1990), State organized crime, *Criminology*, 27.

2. Chambliss, W., Michalowski, R., & Kramer, R. (Eds.). (2010). State crime in the global age, Oxford, England: Routledge.

3. Falconer, B. (2003), "Murder by the state", *The Atlantic Monthly* (November).

4. Matthews, R., & Kauzlarich, D. (2000). The crash of ValuJet Flight 592: A case study in state-corporate crime. *Sociological Focus*, 3.

5. Tombs, S., & Whyte, D. (2003). Unmasking the crimes of the powerful. *Critical Criminology*, 11.

منابع مجازی

۱. استنلی، الیزابت و جود مک کالاک، مقاومت در برابر جرم دولتی، ترجمه مهدی سمائی، صص ۵-۱، دسترسی پذیر در:

<http://problematicaa.com/resistance-to-state-crime>

6. Doig, Alan. (2011), State Crime, Willan Publishing.

7. Green, Penny and Tony Ward (2004), State Crime: Government, Violence, and Corruption, Pluto Press, London.

8. Kramer, R. C., Michalowski, R. J., and Kauzlarich, D. (2002), "The origins and development of the concept and theory of state-corporate crime", *Crime & Delinquency*, 282–263 :48.

9. Michalowski, R. J., and Kramer, R. C. (2007), "State-corporate crime and criminological inquiry," pp. 222–200 in H. N. Pontell and G. Geis, *International Handbook of White Collar and Corporate Crime*, Springer.

10. Chambliss, W. (1990), State organized crime, *Criminology*, 208–183 ,27.

منابع:

الف) منابع فارسی

کتابها

۱. لسلت، کریستین (۱۳۹۷)، رویکرد جرم شناختی به جرایم دولتی و پاسخ به آنها، ترجمه آزاده صادقی و جمشید غلاملو، رویکردهای جرم شناختی به حقوق کیفری بین المللی، نشر میزان، صص ۱۱۸-۱۰۶.

مقاله‌ها

ساترلند، ادوین (۱۳۹۷)، جرایم یقه سفیدان، ترجمه مجید قورچی بیگی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۸۳-۱۶۳.

ب) منابع انگلیسی

Books

1. Barak, G. (1991). Crimes by the capitalist state. Albany: State University of New York Press.

2. Barak, G. (Ed.). (2015). Routledge international handbook on the crimes of the powerful (pp. –515 525). Oxford, England: Routledge.

3. Bittle, S., Snider, L., Tombs, S., & Whyte, D. (Eds.). (2018). Revisiting crimes of the powerful: Marxism, crime and deviance. New York, NY: Routledge.

4. Collard, M. (2018). Torture as state crime: A criminological analysis of the transnational institutional torturer. London, England: Routledge.

5. Collins, V. E. (2016). State crime, women and gender. Oxford, England: Routledge.

6. Green, P., & Ward, T. (2004). State crime:

تروریسم دولتی

نویسنده: دکتر نوروز کارگری

عضو هیات علمی دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

درآمد

با این وصف در توسل دولت‌ها به خشونت در راستای پیشبرد اهداف سیاسی‌شان تردیدی باقی نمی‌ماند. ولی آنچه که باید به آن پرداخت این است که مبنای استفاده از این خشونت‌های سیاسی توسط دولت‌ها چیست و چگونه می‌توان منطق آن را با توجه به کارکردهای آن درک کرد؟ در کنار این پرسش شیوه‌های ارتکاب اقدامات تروریستی دولتی نیز موضوعی است که همواره می‌تواند با بحث همراه باشد و بر اساس کارکردهای در نظر گرفته شده برای رفتارهای خشونت بار مورد بحث، با تغییر و تحول همراه باشد.

الف- کارکرد اقدامات تروریستی دولتی

بی‌تردید اقدامات خشونت بار دولتی هم در جغرافیای داخلی کشور و هم در عرصه بین‌المللی می‌تواند دولت‌ها را با ریسک‌هایی مواجه سازد که در برخی موارد هزینه ارتکاب خشونت را تا حد زیادی افزایش می‌دهد ولی با این حال در استفاده از آنها توسط

آنگونه که از تاریخچه اقدامات تروریستی برمی‌آید و به سادگی می‌توان آن را در دانشنامه‌های سیاسی پیگیری کرد، واژه تروریسم ابتدائاً در جریان انقلاب فرانسه و به عنوان اقدامی دولتی نمایش داده می‌شود. از اینرو اگر ریشه خشونت‌های سیاسی تشکیل دهنده اقدامات تروریستی را دنبال کنیم، منبع مستقیم آن دولت‌ها هستند، هر چند که این اقدامات کمتر مورد توجه حقوقی قرار می‌گیرند. فارغ از نوع دموکراتیک یا غیر دموکراتیک بودن، دولت‌ها در یک خصیصه اساسی با هم مشترکند، و آن اینکه همواره بر این اعتقادند که مستحق انجام کارهایی هستند که در صورت ارتکاب از سوی دیگران، خشونت یا زورگویی تلقی می‌شود، و بی‌تردید پاسخی خشونت‌بار از سوی دولت دریافت خواهد کرد^۱ و همین باور است که توجه کمتر به اقدامات تروریسم دولتی را می‌تواند تا حد زیادی توجیه کند.

۱. در عرصه حقوق کیفری می‌توان این وصف را در مجازات‌ها نیز مشاهده کرد. به این معنا که مجازات از حیث ماهیتی چیزی متفاوت از جرم نیست ولی تفاوت در مرتکب آن است.

ابزار جایگزین برای جنگ میان دولت‌ها، به اندازه‌ای کارآمد و قدرت‌مند بوده است که می‌توان ادعا کرد که در برخی از موارد فلسفه اصلی بروز و علل پیدایش تروریسم در عرصه بین‌المللی از آن روی توجیه می‌شود که بسیاری از دولت‌ها در خارج از قلمرو خود از تروریسم به عنوان یک ابزار کارآمد برای تعقیب اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند، زیرا چنانچه بخواهند از طریق نبرد مسلحانه به این اهداف دست یابند، باید هزینه‌های سنگینی را متحمل شوند. به علاوه دولت‌ها به این جهت از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کنند که تحقق آن دسته از اهداف سیاسی خارجی که از راه‌های دیپلماتیک و سیاسی قابل حصول نیست را از این طریق محقق سازند،^۴ بدون اینکه حاضر شوند هزینه‌های مالی و روانی گسترده آن را بپردازند.

۲- تثبیت قدرت در عرصه داخلی

اقتدارگرایی قدرت هرگونه گفتمان سیاسی مخالف را سرکوب می‌کند، و در این راه پایبندی چندانی از سوی دولت‌ها برای رعایت قواعد گفتمان مسالمت‌آمیز رعایت نمی‌شود. می‌توان گفت که به طور کلی تروریسم دولتی، عبارتست از «رفتار سرکوبگرانه برای حذف مخالفین»^۵ و توسل به این رفتار، از آن روست که خشونت در ساختار هستی‌شناسانه حکومت‌ها، ضروری و ذاتی است و نه صرفاً چیزی زاییده یک وضعیت سیاسی و راه‌حلی که برای بحران‌ها و حساسیت‌های سیاسی بر پا شده باشد.^۶ از همین دیدگاه است که «مائو تسه تونگ» بزرگ‌ترین قدرت را قدرتی می‌داند که از لوله تفنگ بیرون می‌آید. این از آن روست که قدرت سیاسی چیزی نیست که بتوان با آن را به تساهل و تسامح رفتار کرد و از این رو حتی زمانی که «آرامش حکم‌فرماست و ملک از خروج خوارج خالی، باید به سیاست پرداخت»^۷.

دولت‌ها کمتر می‌توان تردید کرد. توجه به این نکته ما را به کارکردهای اقدامات تروریستی برای دولت‌ها می‌رساند. توضیح آنکه بی‌تردید در پس اقدامات خشونت‌بار دولتی منطقی نهفته است که مویده کارکردهای خشونت برای تمامیت‌های سیاسی است و همین است که دولت‌ها را برای توسل به خشونت با وجود ریسک‌های آن انگیزه‌مند می‌کند. در یک نگاه ساده می‌توان کارکردهای خشونت‌های تروریستی در عالم سیاست را برای دولت‌ها به شرح زیر برشمرد:

۱- پیشگیری از جنگ خارجی

یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها در عرصه جهانی برای دولت‌ها، جنگ است و تمامی تلاش‌ها در عرصه بین‌المللی برای اجتناب از آن است. مروری بر فعالیت‌های اطلاعاتی دو بلوک شرق و غرب در طول دوران جنگ سرد، به سادگی نشان‌گر کاربرد اقدامات تروریستی به عنوان ابزاری در عرصه بین‌المللی است، که می‌تواند از بروز جنگ جلوگیری کند.^۸ نزاع اطلاعاتی سیا و ک.گ.ب در دوران جنگ سرد که به ظهور جاسوسان و خرابکاران حرفه‌ای در هر دو بلوک انجامید، عرصه جنگ را از یک نبرد علنی و آشکار به یک حوزه مخفی کشاند، و همین موضوع موجب گردید که جنگ سرد با تمام مشکلات خود بدون ظهور یک جنگ بیرونی به پایان برسد. در این دوره، به واقع تروریسم ابزاری برای تخلیه انرژی منفی هر دو قدرت و سوپایی برای پیشگیری از انفجار نظامی-سیاسی در جهان بود. با این وصف شاید بتوان گفت «تروریسم شایع‌ترین، جدیدترین و در عین حال ناجوانمردانه‌ترین چهره جنگ است»^۹، که در دنیای کنونی چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی راه را بر ایجاد منازعه یا جنگ واقعی بین دولت‌ها بسته است. نقش اقدامات تروریستی به عنوان یک

۲. امروزه این کارکرد بیشتر در رفتارهای نظامی نیابتی نشان داده می‌شود.

۳. عالی پور، حسن، تروریسم هسته‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۵۸۰.

۴. کاظمیان، علی اصغر، جایگاه و نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳، ص ۴۷.

۵. قنبری، حمیرا، راهکارهای مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، بی تا، ص ۱۹.

۶. محمودی، محسن، قدرت و دانش در روابط بین‌الملل؛ جستاری بر آرای میشل فوکو در روابط بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۸۶، ص ۱۰۷.

۷. طاهری مقدم، محمد، بررسی مفهوم قدرت در اندیشه خواجه نظام الملک و ماکیاوولی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۴، ص ۶۵. با این حال در یک دیدگاه مخالف، به عقیده «هانا آرنه» خشونت صرف، برای جلب قدرت کفایت نمی‌کند و از همین رو بدین صورت عقیده خود را بیان می‌دارد که «تکیه بر خشونت صرف برای حکومت کردن کفایت نمی‌کند و حتی یک فرمان‌روای یکه‌تاز که شکنجه وسیله عمده او برای حکومت کردن است، به پایگاهی برای قدرت نیاز دارد، چرا که خشونت تا زمانی دوام دارد که از فرمان‌ها اطاعت شود و ارتش یا پلیس حاضر باشند سلاح‌های خود را به کار ببرند.» (آرنه، هانا، خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، دی ماه ۱۳۵۹، صص ۷۶-۷۲).

برخی از مهمترین آنها را می‌توان به صورت زیر بررسی کرد:

۱- ناپدیدسازی

یکی از شیوه‌های مورد استفاده در تروریسم دولتی، ناپدیدسازی است. ناپدیدسازی عبارتست از؛ محروم کردن اجباری افراد از آزادی با توسل به دستگیری، بازداشت یا آدم‌ربایی بدون اینکه بزه‌دیده از محل نگهداری خود یا سرنوشت خود اطلاعی داشته باشد.^۸

ناپدیدسازی افراد آن هم به صورت سیستماتیک از رایج‌ترین روش‌هایی است که دولت‌ها برای سرکوب داخلی از آن بهره می‌برند. ناپدید شدن فعالان سیاسی در آمریکای لاتین در

دهه‌های گذشته متداول‌ترین روش تروریسم دولتی در این کشورها بوده است. نمونه مشهور آن در شیلی و در دوران «پینوشه» به وقوع می‌پیوست، که شهرت جهانی یافته است.^۹

۲- حذف فیزیکی مخالفان

نمونه دیگر توسل دولت‌ها به خشونت علیه شهروندان بیگانه یا خودی، توسل آنها به مرگ‌های فوری و بدون رعایت تشریفات قانونی است، که این امر را از طریق عاملان دولتی یا وابستگان دولتی خود انجام می‌دهند. در توسل به این اقدام، اهداف از پیش مشخص شده هستند و از این رو توسل به خشونت به صورت غیرتبعیض‌آمیز نیست، بلکه افرادی هدف قرار خواهند گرفت که بیشترین خطر را برای چهارچوب‌های سیاسی قدرت حاکم داشته باشند. این اقدام توسط گروه‌هایی که جوخه‌های مرگ نامیده می‌شوند، صورت می‌گیرد. جوخه‌های مرگ اکثراً نخبگان سیاسی جامعه را هدف قرار می‌دهند.

حذف مخالفان با توسل به جوخه‌های مرگ را می‌توان در دو فرایند مشاهده کرد؛ نخستین مورد حذف مخالفان با استفاده از عوامل دولتی یا غیر

هر چه که قدرت حاکم به عنوان یک گفتمان، قابلیت گفتگو نداشته باشد یا قابلیت آن کمتر باشد، برای اثبات نظر خود به خشونت به عنوان یک زبان گفتاری متوسل خواهد شد. از همین دیدگاه روشن‌ترین نمونه را می‌توان تصفیه بزرگ «استالین» در روسیه دانست. در دهه ۱۹۳۰ «استالین» در مقام رهبری حزب کمونیست شوروی، تصفیه

بزرگی را آغاز کرد، که در سال ۱۹۳۷ اقدامات خشونت‌بار وی به اوج خود رسید و از رهگذر این خشونت افسارگسیخته پایه‌های قدرت خود را محکم ساخت. اینکه این سرکوب‌گری تا چه حد گسترده بود و تا چه اندازه خسارت وارد آورد، محل بحثی دیگر می‌طلبد، اما برای تقویت ایدئولوژی ضعیف خود، و

به تبع آن تثبیت سیاست شکل گرفته، بهترین راه در پرداختن به این خشونت دیده شده بود.

بر این اساس، ترس و وحشت گسترده ناشی از اقدامات تروریستی دولتی می‌تواند خود به عاملی موثر در کنترل اجتماعی تبدیل گردد. به طور کلی این عامل در عرصه مطالعات در مورد تروریسم، عاملی شناخته شده است، زیرا ظهور تروریسم دولتی در سال‌های پس از انقلاب فرانسه از سوی «روبسپیر» و همکاران انقلابی وی، در همین راستا صورت گرفت. در این تلقی خشونت در کنار سرکوب مخالفان، اطاعت‌پذیری شهروندان را نیز به عنوان یک هدف دنبال می‌کند.

ب- شیوه‌های توسل به تروریسم دولتی

تروریسم دولتی به یقین مخرب‌ترین نوع تروریسم است که تاکنون جهان به خود دیده است و خشونت نهفته در این رفتارها به حدی است که می‌توان در خصوص آن داستان‌های تراژدی یک مفصل نوشت. آنچه به این هراس نهفته در خشونت‌های دولتی کمک می‌کند، عمدتاً ناظر است بر شیوه ارتکاب آن. عمده شیوه‌های مورد استفاده با هدف اشاعه ترس و هراس هر چه بیشتر طراحی شده‌اند که

۸. یکی از مواردی که در ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تحت عنوان جرایم علیه بشریت نام برده شده است، ناپدیدسازی اجباری اشخاص است که این شناسایی، هویت بین‌المللی این پدیده را به ما نشان می‌دهد. این ماده ناپدیدسازی اجباری را به این صورت تعریف می‌کند: هرگونه دستگیری، بازداشت یا ربودن یک شخص توسط یا بوسیله، با حمایت یا با تأیید مقامات یک دولت یا یک سازمان سیاسی و عدم پذیرش اطلاع رسانی در مورد محروم کردن آنها از آزادی و یا اطلاع دادن در مورد محل نگهداری آن اشخاص با این قصد که این افراد برای مدت طولانی از حمایت قانون محروم شوند.

۹. ناجی راد، محمد علی، جهانی شدن تروریسم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۸۷.

منابع

- آرنست، هانا، خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، دی ماه ۱۳۵۹.
- عالی پور، حسن، تروریسم هسته‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۵.
- قنبری، حمیرا، راهکارهای مبارزه با تامین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، بی تا.
- طاهری مقدم، محمد، بررسی مفهوم قدرت در اندیشه خواجه نظام الملک و ماکیاولی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۳۸۴.
- کاظمیان، علی اصغر، جایگاه و نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، سال ۱۳۸۳.
- محمودی، محسن، قدرت و دانش در روابط بین‌الملل؛ جستاری بر آرای میشل فوکو در روابط بین‌الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، شهریور ۱۳۸۶.
- ناجی راد، محمد علی، جهانی شدن تروریسم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

دولتی وابسته به دولت و خارج از تشریفات صوری دادرسی کیفری است. در این فرایند گروه‌های دولتی یا غیر دولتی وابسته به دولت، جهت حذف مخالفان سیاسی به کار گرفته می‌شوند و دولت با اعمال حمایت منفی در این باره موجبات حذف مخالفان را فراهم آورده، و پس از آن نه در راستای اجرای عدالت، که در راستای مخفی نگه داشتن واقعیت اقدام می‌کند. دومین مورد حذف مخالفان با استفاده از تشریفات صوری رسیدگی کیفری است. در این فرایند گرچه به ظاهر اقدام سرکوب‌گرانه دولت از مجرای سیستم عدالت کیفری، و در قالب پاسخ به بزه‌های قانونی صورت می‌گیرد، اما انحراف، حذف و یا نادیده گرفتن بسیاری از تشریفات دادرسی کیفری، یا قواعد تفسیری و نیز اعمال سرعت در رسیدگی، ما را از اجرای عدالت ناامید می‌کند و هدف اصلی از این اقدام را، که عبارت باشد از حذف مخالفان، به سادگی به ما نشان می‌دهد. در راهکار اخیر، نیروی دادگستری در راستای بیدادگری دولت به کار گرفته می‌شود و بی‌تردید با استفاده از ابزارها و امکانات دولتی می‌تواند قابلیت‌های گسترده داشته باشد.

برآمد

بی‌تردید در استفاده از خشونت نمی‌توان هیچ توجیه اخلاقی را مد نظر قرار داد. به عبارت دیگر از هر زاویه‌ای که اخلاق را مد نظر قرار دهیم و به هر نحوی که آن را تفسیر کنیم، باز هم نمی‌توان اعمال خشونت را بر پایه گزاره‌های اخلاقی توجیه کرد. فارغ از دغدغه‌های اخلاقی امر، آنچه در این میان اهمیت دارد این است که آیا می‌توان چشم اندازی را برای حذف کامل خشونت‌های دولتی تصور کرد یا آنکه امیدوار بود که این پدیده از جوامع انسانی رخت بر بندد؟ بی‌تردید تا زمانی که خشونت بتواند برای دولت‌ها کارایی داشته باشد و آنها را به اهداف سیاسی‌شان برساند، فارغ از دیدگاه‌های اخلاقی و مذمومیت اخلاقی این رفتارها، می‌توان انتظار داشت که بر پایه کارکردگرایی این رفتارها، به طور مکرر و مکرر شاهد بروز و ظهور خشونت‌های دولتی باشیم و همچنان پرسش اساسی بر جای خود باقی خواهد ماند که بر پایه واقعیت‌های موجود، چگونه می‌توان پایان خشونت را نوید داد جز آنکه ساختار سیاست دستخوش تغییر بنیادین شود؟! با این توصیف به نظر نمی‌رسد که بتوان راهکاری به جز اصلاح اندیشه‌های سیاسی و تغییر برداشت‌ها از قدرت را برای تغییر در وضعیت موجود پیشنهاد داد.

نقض حقوق اساسی شهروندان توسط نهادهای حاکمیتی

نویسنده: سجاد لشکری آذر

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

درآمد:

افراطی، اجرای گزینشی قوانین کیفری و همین‌طور نگرش سلیقه‌ای حکمرانان نسبت به قوانین کیفری تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در حالی که اگر تدابیر مناسبی در جهت تضمین این اصول پیش‌بینی گردد شهروندان می‌توانند با تقویت نظارت بر حکومت زمینه دسترسی خود را به حقوق بنیادین فراهم کنند و از کج‌روی و اعمال سلايق شخصی حکمرانان جلوگیری کنند. در نتیجه آنچه که در این نوشتار مطمح نظر نگارنده قرار گرفته است شناسایی عملکردهای منفی نهاد های حکومتی علیه حقوق تصریح شده شهروندان در قانون اساسی است تا از این طریق گامی مؤثر به‌سوی پاسداری و صیانت از حقوق شهروندان برداشته شود.

۱- جلوه‌هایی از حقوق شهروندان در آیینہ تقنینی:

به اعتقاد بسیاری نخستین و کهن‌ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر منشور حقوق شهروندی فرمان کوروش کبیر پس از فتح بابل است (امیری، ۱۳۹۵: ۷۴) در دوران معاصر و از زمان انقلاب مشروطه نیز

صیانت از حقوق شهروندان و گفتمان حقوق بشر در عرصه داخلی و بین‌المللی به حدی اهمیت یافته است که آن را در شمار مباحث حقوق معاصر قرار داده است؛ اما عینیت بخشیدن به آن مستلزم آشنایی مختصر شهروندان با مفاهیم واقعی توسعه، مشارکت، دموکراسی و پذیرش آن توسط حاکمیت است. به عبارت بهتر رعایت حقوق شهروندان با کنش‌گری‌های کارگزاران حکومتی و آگاهی یا بلوغ دموکراتیک شهروندان ارتباط مستقیم دارد. در ایران بخش مهمی از حقوق ملت که در واقع همان حقوق بنیادین افراد است در فصل سوم قانون اساسی پیش‌بینی شده است و این رویکرد قانون‌گذار به اساسی‌سازی این حقوق انجامیده است. بر همین اساس، اصول بنیادینی چون اصل برائت (اصل ۳۷) نیز که چارچوب‌های کنش‌گری را نسبت به شهروندان در عرصه عدالت کیفری شناسانده است، از این دریچه قابل بررسی است؛ اما پای‌بندی به اصول قانون اساسی از رهگذر عوامل منفی چون چالش‌های سیاست تقنینی، سوءاستفاده از قدرت، امنیت‌گرایی

۱-۲ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

رئیس وقت قوه قضائیه در ۱۳۸۳/۰۱/۲۰ با صدور بخشنامه‌ای خطاب به دادسراها و دادگاه‌ها بر رعایت برخی از حقوق شهروندان در مرحله‌های مختلف تحقیق، تعقیب و نگهداری تأکید کردند و رعایت قوانین در کشف و تعقیب جرم، اجرای تحقیقات، صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت و پرهیز از هرگونه سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت با اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت غیرقانونی صدور حکم محکومیت بر پایه‌ی اصول و موازین قانونی، فراهم کردن زمینه‌ی حق دفاع برای متهمان در دادگاه‌ها و دادسراها و رعایت اخلاق اسلامی با مردم، ممنوعیت هرگونه شکنجه و توسل به روش غیرقانونی در تحقیقات و بازجویی و پرهیز از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و نیز طرح پرسش‌های روشن و مرتبط با اتهام انتسابی و (...) را موردتوجه قرار دادند. این بخشنامه به اندازه‌ای اهمیت داشت که سامانه قانون‌گذاری کشور بخشنامه مزبور را با عنوان قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی در جلسه علنی سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ یعنی ۲۵ روز پس از تاریخ صدور بخشنامه تصویب کرد و به جایگاه قانون ارتقا داد. طبق بند پانزدهم این قانون رئیس قوه قضائیه مکلف شد هیات‌ی را به‌منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. به همین منظور طبق دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هیات‌ی مرکب از اعضای شورای معاونان قوه قضائیه با ریاست رئیس قوه قضائیه در حوزه دفتر ریاست قوه قضائیه تشکیل شد و دبیر هیات نظارت از میان دارندگان پایه ۸ قضایی و بالاتر با ابلغ رئیس قوه قضائیه منصوب شد. ریاست هیات نظارت در استان‌ها نیز بر عهده رئیس کل دادگستری استان قرار گرفت. ازجمله وظایف گروه‌های نظارت و بازرسی این است که در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کنند. اعلام گروه نظارت و بازرسی در این‌گونه موارد حکم گزارش موثق را داشته و مقام‌های قضایی یادشده مکلف به رفع اثر از نقض حقوق شهروندی‌اند.

۱-۳ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

نمونه‌هایی از بارزترین جلوه‌های حقوق شهروندی را می‌توان در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز دنبال کرد، این حقوق ناظر بر مراحل

حقوق شهروندی با عناوین مختلفی به رسمیت شناخته شده است، به‌طور مثال در متمم قانون اساسی مشروطه که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری به تأیید نهایی رسید در فصلی تحت عنوان «حقوق ملت» در هجده اصل مهم‌ترین حقوق فردی و شهروندی مورد تأکید قرار گرفت. اما در حال حاضر موارد زیر مهم‌ترین منابع قانونی هستند که پس از انقلاب در جهت شناسایی و صیانت از حقوق شهروندان تهیه و تدوین شده‌اند:

۱-۱ قانون اساسی

در فصل سوم قانون اساسی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ در اصول مختلفی، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان مورد تأکید قرار گرفته است. برخی از این حقوق مرتبط با تمامیت جسمانی و برخی دیگر نیز ناظر بر حمایت از تمامیت معنوی شهروندان است که از قرار ذیل‌اند: تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به عنوان حقوق و تکلیف متقابل دولت و مردم نسبت به یکدیگر (اصل ۸)، آزادی احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی، صنفی و انجمن‌های اسلامی (اصل ۲۶)، حق شرکت در انتخابات (اصل ۶)، حق برخورداری از آموزش رایگان (بند ۲ اصل ۳)، حق داشتن بیمه خاص برای بیوگان، زنان سالخورده و بی‌سرپرست (بند ۴ اصل ۲۱)، حق حیات (اصل ۲۲)، حق انسان به مصونیت مسکن، مال، حیثیت و شغل وی از تعرض، حق انسان به ممنوعیت تجسس و بازرسی نامه و... (اصل ۲۵)، حق برخورداری از تأمین اجتماعی، حق تابعیت (اصل ۲۱)، منع افراد در شرکت در راهپیمایی و تشکیل اجتماعات (اصل ۲۷)، منع افراد از اختیار مذهب دلخواه، تعقیب افراد به خاطر داشتن عقیده خاص (اصل ۲۳)، منع افراد از انتشار افکار خود در مطبوعات (اصل ۲۴). این موارد از جمله اصول تصریح‌شده‌ی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت صیانت از حقوق سیاسی-اجتماعی و حقوق اقتصادی-رفاهی شهروندان است. البته ده اصل از قانون اساسی نیز با هدف ایجاد امنیت قضایی شهروندان تخصیص داده شده است که عطف به‌ماسبق نشدن قانون (اصل ۱۶۹)، اصل برائت (اصل ۳۷)، اصل تأمین قضائی (اصل ۳۲)، حق برخورداری از تساوی در برابر قانون (اصل ۱۹)، اصل استفاده از حق و کیل (اصل ۳۵)، اصل ممنوعیت شکنجه و اخذ اقرار با تهدید و ارعاب (اصل ۳۸)، اصل علنی بودن دادرسی (اصل ۱۵)، اصل حق مسلم دادخواهی (اصل ۳۴)، حق مراجعه به دادگستری (اصل ۳۴) و حق داشتن وکیل دادگستری (اصل ۳۵) از جمله مهم‌ترین آن‌هاست.

بیان می‌دارد: «بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص درخواست برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها» از جمله وظایف و اختیارات کمیسیون احزاب است. از طرفی دیگر قانون مزبور قیودی را دربند (الف) و (ب) ماده ۱۸ پیش‌بینی کرده است که حق آزادی تجمع را بیش از پیش محدود ساخته است.^۱

فارغ از این‌ها ماده ۵۰۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ نیز رویکرد اتخاذی این ماده را تقویت می‌کند و بیان می‌دارد: «هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». به نظر می‌رسد با وجود ماده اخیر اصل ۲۷ قانون اساسی دیگر وجهت خود را از دست داده است، زیرا: (۱) مشخص نیست منظور از نظام اسلامی چیست؛ (۲) فهرستی از گروه‌های مخالف نظام در دست نیست و این موضوع برای به وجود آمدن تفاسیر و برداشتهای گوناگون کافی است؛ (۳) قید «فعالیت تبلیغی» که در متن ماده به کار برده شده است فاقد تعریف مشخصی است و در این صورت تجمع را نیز می‌توان از جمله فعالیت‌های تبلیغی قلمداد کرد.

مساله دیگر قید «مبانی اسلام» است؛ مشخص نیست منظور قانون‌گذار اسلام شیعی است یا کل اسلام. از نظر برخی باید آن را ناظر به اصول دین {توحید، نبوت، معاد} و اصول مذهب {عدل و امامت} بدانیم. (رحمدل، ۱۳۹۱: ۶۵) در نتیجه تجمع علیه حجاب یا تبلیغ دین توسط پیروان سایر ادیان با اصل (۲۷) در تعارض است. به هر ترتیب سلب غیرموجه حق مذکور در اصل (۲۷) بدون ضوابط قانونی متضمن حمایت و ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۷۰ ق.م.ا است. (البته این یک بحث نظری است و احتمال می‌رود در عمل به شکایت مزبور ترتیب اثر داده نشود).

۲-۲ محروم ساختن افراد از سلامت و تأمین راه‌های درمانی

حق بر سلامت و تأمین راه‌های درمانی از جمله مهم‌ترین حقوق بشر است که در اصل ۲۹ قانون

تحقیق، دستگیری، رسیدگی و همچنین اجرای حکم است که مواردی از قبیل رعایت فرض بی‌گناهی، رعایت حق سکوت، رعایت حریم خصوصی، منع شکنجه و بازداشت‌های خودسرانه، منع اجبار و اکراه به پاسخگویی، تفهیم اتهام، تبیین حقوقی چون حق داشتن وکیل، رعایت حقوق بزه‌دیدگان و سایر موارد را شامل می‌شود (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۳).

۲-۲ مصادیق نقض حقوق اساسی شهروندان و ضمانت اجرای کیفری آن:

نقض حقوق شهروندان از حیث مادی به دو صورت فعل و ترک فعل امکان‌پذیر است و همان‌طور که گفته شد عواملی چون چالش‌های سیاست تقنینی، سوءاستفاده از قدرت، امنیت‌گرایی افراطی، اجرای گزینشی قوانین کیفری و همین‌طور نگرش سلیقه‌ای حکمرانان نسبت به قوانین کیفری مجموعه عواملی هستند که در نقض حقوق اساسی شهروندان تأثیرگذارند. ماده ۵۷۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ نیز به‌عنوان مهم‌ترین ضمانت اجرای کیفری رفتارهای ناقض حقوق اساسی شهروندان شناخته می‌شود، اما منحصر بودن این مقرر قانونی نسبت به رفتارهایی که صرفاً با فعل مادی مثبت ارتکاب می‌یابند یکی از اشکالات چالش‌برانگیزی است که در ادامه و هم‌زمان با بیان مصادیق به آن پی خواهیم برد.

۲-۱-۲ منع افراد از شرکت در راهپیمایی و تشکیل اجتماعات

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی؛ «تشکیل اجتماعات و شرکت در راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد، آزاد است». ظاهر این اصل نشان می‌دهد استفاده از این حق نیازی به اخذ مجوز ندارد، لذا به موجب مفهوم سیاسی نوعی این اصل ظن تفسیر موسع آن بیشتر تقویت می‌گردد، بنابراین حکومت برای ممنوع یا جرم دانستن آن اختیارات گسترده‌ای دارد. در پی اثبات این مدعی بند (۶) ماده (۱۱) قانون احزاب مصوب ۱۳۹۵

۱. ماده ۱۸: «احزاب و جبهه‌ها و ائتلاف‌های موضوع این قانون در انجام فعالیت‌های خود در چارچوب قوانین و مقررات آزادند و در صورت ارتکاب اعمال زیر پس از تشخیص توسط مراجع ذیصلاح، حسب مورد علاوه بر مجازات قانونی، طبق ماده (۱۹) این قانون با آن‌ها برخورد می‌شود: الف - نقض مبانی دین مبین اسلام و تبلیغ و فعالیت علیه موازین اسلامی ب - اقدام علیه امنیت ملی و وحدت ملی از جمله هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات و تبانی با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که مخل آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی، منافع ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران و نظم عمومی باشد و نیز هرگونه اقدام به عملیات خرابکارانه و براندازانه و حمایت از گروه‌های تروریستی، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در کشور ایران و نیز دعوت به انجام اقدامات مذکور با حضور در راهپیمایی‌های غیرقانونی.»

اصل ۲۳ قانون اساسی خواهد بود و نقض آن متضمن ضمانت اجرای کیفری مقرر در ماده ۵۷۰ ق.م.ا.م. مصوب ۱۳۷۵ است.

۲-۴ حق شرکت در انتخابات

مصادق دیگری از نقض حقوق شهروندان توسط حاکمیت نقض حقوق اساسی زمامداران بالقوه از جانب زمامداران بالفعل است، در اصل (۶)، (۶۲)، (۱۰۰) و (۱۱۴) قانون اساسی به لزوم اتکا به آراء مردمی برای انتخاب نمایندگان مجلس، نمایندگان شوراها و ریاست جمهوری در جهت اداره کشور تأکید شده است از این رو همه افراد می‌توانند در تعیین سرنوشت خود مشارکت کنند اما اگر سلب صلاحیت افراد توسط شورای نگهبان تحت عنوان نظارت استصوابی بدون مبنای قانونی^۲ و با هدف حفظ قدرت، عدم انتقال قدرت و کسب قدرت باشد جلوه‌ای بارز از سلب حقوق اساسی شهروندان است که متضمن مداخله کیفری است (زراعت، ۱۳۸۱: ۴۱۵ به نقل از توسلی نائینی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۲-۵ حق تابعیت

اصل (۴۱) قانون اساسی بیان می‌دارد؛ «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید». همان‌طور که مشخص است شرایط سلب تابعیت از اتباع ایرانی به شرط درخواست خود فرد^۳ یا کسب تابعیت کشور دیگر است، اما باید توجه داشت اکتساب تابعیت به‌خودی‌خود باعث سلب تابعیت نخواهد شد و فرد در چنین شرایطی دارای تابعیت مضاعف خواهد بود ولو اگر تابعیت کشور اسرائیل را کسب کرده باشد (رحمدل، ۱۳۹۱: ۷۹). اهمیت بحث سلب تابعیت به این خاطر است که فرد را از حقوق ذیل، محروم می‌کند: (۱) تردد از کشوری به کشوری دیگر، زیرا مشمول گذرنامه و روادید است؛ (۲) از حمایت‌های دیپلماتیک در کشورهای خارجی محروم می‌شود؛ (۳) تابعیت در مواردی مانع استرداد به کشور متقاضی استرداد است ولی در مورد فرد فاقد تابعیت این امکان وجود ندارد (همان). در نتیجه نمی‌توان به خاطر گرایش‌ها سیاسی یا

اساسی نیز مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. حال اگر شهروندان تحت تأثیر ملاحظات سیاسی و حاکمیتی از حق سلامت و خدمات درمانی محروم گردند، یکی از حقوق مهم و حیاتی آن‌ها توسط حاکمیت نقض شده است. بدیهی است فلسفه تشکیل دولت‌ها رفع نیازهای اساسی شهروندان است و آرای مردم در گزینش افراد منتخب ابزار رسیدن مسئولین به آرزوهای شخصی و ارزش‌های فردی‌شان نیست. در نتیجه دولتمردان موظف‌اند در شرایط بحرانی از جمله در دوران همه‌گیری بیماری‌های واگیردار سازوکارهای مناسبی را در جهت پیشگیری، درمان و مقابله با امراض و بیماری‌ها به کار گیرند؛ اما اگر بسترها و امکانات مورد نیاز در این زمینه فراهم باشد و مسئولین در به‌کارگیری آن {بنابر مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و حکومتی} غفلت کنند و این کوتاهی سبب به‌خطر افتادن جان شهروندان گردد؛ می‌توان این رفتار را نمونه بارزی از مصادیق نقض حقوق شهروندان تلقی کرد و انتظار داشت با مرتکبین آن در محاکم قانونی برخورد قاطعی صورت گیرد.

۲-۳ تعقیب افراد به خاطر داشتن عقیده‌ای خاص

وفق اصل (۲۳) قانون اساسی «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ‌کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد». اصل مزبور بدون هیچ‌گونه قید و شرطی تفتیش عقاید را ممنوع می‌داند. ولی نکته ابهام‌برانگیز فقدان تعریفی مشخص از «عقیده» است، مشخص نیست در این اصل، تفتیش عقاید سیاسی مدنظر قانون‌گذار است یا عقاید مذهبی. نگارنده معتقد است همین اجمال گویایی قانون‌گذار یکی از دلایل واکاوی گرایش‌های سیاسی-مذهبی متقاضیان در مصاحبه‌های شغلی است. در صورت رفع این اجمال می‌توان انتظار داشت رویکرد تخصص‌گرایی جایگزین تعهدگرایی گردد و معیار استخدام افراد به داشتن صلاحیت علمی، فقدان مسئولیت کیفری مؤثر، عدم اعتیاد و در برخی موارد سلامت اخلاقی {برای شغلی مثل معلمی} تغییر یابد. (رحمدل، ۱۳۹۱: ۶۷) در چنین شرایطی الزام افراد به داشتن عقیده‌ای خاص که فاقد ارتباط با شغلی است که قادر به انجام آن هستند برخلاف

۲. «اعتقاد به اسلام، ولایت مطلقه و جمهوری اسلامی»

۳. «طبق ماده ۹۸۸ قانون مدنی اتباع ایران نمی‌توانند تبعیت خود را ترک کنند، مگر با شرایط ذیل: ۱- به سن ۲۵ سال تمام رسیده باشد. ۲- هیئت وزیران خروج از تابعیت آنان را اجازه دهد.»

مجازات تکمیلی چنین حقی را ندارند {چه رسد به مراجع اداری} زیرا از نظر حقوق دانان این حق جزء مقتضیات ذات انسان است (رحمدل، ۱۳۹۱؛ ۷۱). بنابراین اصل مزبور به نظر می‌رسد نمی‌توان به‌طور دائم یا موقت یک دانشجو را به خاطر ارائه یک هم‌اندیشی در خصوص مسائل سیاسی یا حکومتی که از قضا برخلاف موازین مورد قبول حاکمیت و فاقد تعاریف جرم سیاسی است، مؤاخذه نمود یا از حقی محروم کرد.

۲-۸ ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق اساسی شهروندان

همان‌طور که از نظر گذشت در اکثر مصادیق ماده ۵۷۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به‌عنوان ضمانت اجرای کیفری نقض حقوق شهروندان توسط نهادهای حکومتی شناخته می‌شود. لذا بنابر آنچه گفته شد قانون‌گذار ایران صراحتاً مجازات مقرر در

قانون‌گذار ایران صراحتاً مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را به‌عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی معرفی کرده است.

ماده ۵۷۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را به‌عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق شهروندی معرفی کرده است، در این ماده آمده است: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». به نظر می‌رسد کاربرد ماده ۵۷۰ درجایی است که هیچ مقرره‌ی دیگری به‌صراحت، عمل را جرم‌انگاری نکرده باشد؛ بنابراین درجایی که یک عمل به‌صراحت در قانون دیگری جرم‌انگاری شده و دارای مجازات است محلی برای اجرای ماده ۵۷۰ وجود ندارد. حتی اگر این مجازات کمتر یا بیشتر باشد. علاوه بر این، ماده ۳ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ نیز در راستای صیانت از حقوق شهروندان بیان می‌دارد: «دبیرخانه هیات نظارت مرکزی نسبت به انتشار عکس و هویت نقض‌کنندگان حقوق شهروندی پس از قطعیت یافتن احکام آنان در رسانه‌های گروهی، جراید کثیرالانتشار

عقاید متفاوت شهروندان تابعیت آن‌ها را سلب نمود یا آن‌ها را از ورود به ایران منع کرد؛ در این صورت رفتار مورد نظر مشمول ماده ۵۷۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ خواهد بود.

۲-۶ حق انسان به ممنوعیت تجسس و بازرسی نامه ...

اصل (۲۵) قانون اساسی در راستای احترام به حریم خصوصی افراد و عدم افشای مخابرات تلگرافی، مکالمات تلفنی و هرگونه تجسس در مسائل شخصی؛ رفتارهای ناقض حقوق مزبور را جز در موارد مقرر در قانون، ممنوع اعلام کرده است. مبنای حمایت از شهروندان در قبال چنین رفتاری فاش نشدن اسرار و صیانت از حق خلوت آن‌هاست و ماده ۵۸۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ رفتار خلاف اصل (۲۵) توسط مستخدمین و مأمورین دولتی را جرم‌انگاری کرده است^۴ اما مشخص نیست ضمانت اجرای کیفری این رفتار در صورت

ارتکاب توسط سایر افراد چیست. اما چالش اصلی مخفیانه بودن این رفتارهاست که نتیجه آن دشواری در امر اثبات است؛ برای مثال هنگامی که دولت اقدام به نقض مصونیت خلوت شهروندان از طریق شنود غیرقانونی با وصف سیاسی می‌نماید، چنین عملی شاید هرگز فاش نشود اما مستقیماً یکی از حقوق اساسی شهروندان را نادیده گرفته است. «برای مثال در ایالات متحده آمریکا و آژانس امنیت ملی آن، سال‌ها به‌طور سازمان‌یافته و گسترده اقدام به شنود غیرقانونی مکالمات شهروندان می‌نمودند که این اقدام تنها پس از افشای‌های ادوارد اسنودن کارمند سابق آن سازمان به آگاهی شهروندان رسید.» (توسلی نائینی و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۴).

۲-۷ حق برخورداری از آموزش رایگان

حق برخورداری از آموزش رایگان یکی دیگر از حقوق اساسی شهروندان طبق بند سوم اصل (۳) قانون اساسی است. طبق این اصل محروم ساختن دانش آموزان یا دانشجویان ولو به‌طور موقت از حق تحصیل رایگان، ممنوع است؛ حتی دادگاه‌های کیفری نیز در قالب

۴. ماده ۵۸۲: «هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

و پایگاه (سایت) اطلاع‌رسانی اقدام می‌نماید».

برآمد:

علی‌رغم تهدید و تحدید آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی از سوی حاکمان، تصویب قوانینی که حاکمان را به پاسداشت آزادی‌های مشروع افراد مکلف می‌گرداند، گامی مهم در جهت تقویت حاکمیت قانون در ایران تلقی می‌گردد. لیکن چنین پاسداشتی خود بیانگر این حقیقت است که نقض و نادیده انگاشتن آزادی‌های مشروع و نقض حقوق شهروندی، یک درد مزمن در ایران است و قانون‌گذار درمان این درد را در تصویب قانون دانسته است؛ اما تصویب قانون برای حمایت کامل از این مهم، کافی نیست بلکه اجرای آن نیز مهم است و قانون برای آنکه قابل اجرا باشد باید قانونی کارآمد باشد و از اوصافی برخوردار باشد که مانع متروک ماندن قانون گردد. در این راستا شهروندان مهم‌ترین محور برای رسیدن به یک جامعه مدرن به شمار می‌روند که در طول تاریخ نیز همواره پیوستگی تفکیک‌ناپذیری با حکومت داشته‌اند و آشنایی آن‌ها با حقوق خود یکی از راهکارهای اساسی برای رسیدن به یک حکومت مردم‌سالار است. شهروندان در چنین حکومتی می‌توانند در صورت مشاهده یا تحمل رفتاری برخلاف اصول حاکم، در جهت حفظ و احیای حقوق خود گام بردارند. اصل هشتم قانون اساسی نیز در تأیید این نظر بر لزوم امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان حقوق و تکلیف متقابل دولت و مردم نسبت به یکدیگر تأکید کرده است. در نتیجه تفاوتی نمی‌کند جرم توسط شهروندان ارتکاب یابد یا نهادهای حاکمیتی، به هر حال وظیفه نظام قضایی کشور تعقیب و مجازات فرد متخاطبی است. بنابراین اگر رویکرد شهروند محور به‌درستی اجرا گردد؛ تقویت نظارت مردم بر حکومت مانع کج‌روی و اعمال سلايق شخصی توسط حکمرانان می‌شود. تحقق تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در اعمال حق تعیین سرنوشت نیز موجب می‌شود شهروندان واکنش یا کنش بهینه‌ای در شرایط عادی و غیرعادی داشته باشند. اما اگر سیاست‌گذار برای شهروندان نقش کم‌رنگی قائل شود انحصار قدرت موجب بدبینی و بی‌علاقگی روزافزون افراد نسبت به سیاست، سیاست‌مداران و رفتارهای خوب و بد مسئولین خواهد شد که در چنین شرایطی شهروندان و حکومت هر دو متضرر خواهند شد.

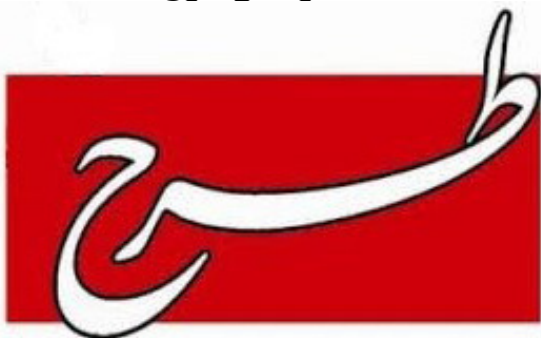
از جمله راهکارهایی که در این زمینه پیشنهاد می‌گردد تصویب قوانین شفاف و قابل پیش‌بینی است که به برداشتی ورای رویکرد قانون‌گذار در

منابع:

- امیری، سروش (۱۳۹۵)، «ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالش‌های حقوق شهروندی در ایران»، فصلنامه سیاست، شماره ۱۰، صص ۹۱-۷۱.
- توسلی نائینی، منوچهر و آریین قاسمی (۱۳۹۶)، «جرم سیاسی منفی، درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیستم، صص ۱۰۳-۶۹.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۱)، «حمایت کیفری از حقوق ملت»، تحقیقات حقوقی آزاد، سال پنجم، شماره ۵۹-۸۴.
- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳)، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۳.

تنظیم کننده: مهرنوش ایمانی
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

تازه‌های طرح



۱. طرح اصلاح قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب سال ۱۳۹۵:

به موجب این طرح که در قالب ۲۱ ماده و ۱۰ تبصره به صورت عادی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردید مقنن هدف رفع برخی ابهامات و اشکالات اجرایی را دنبال می‌کند که جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان حوادث جاده‌ای از طریق شرکت‌های بیمه و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است.

۲. طرح اصلاح موادی از قانون حمایت خانواده:

به موجب این طرح که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ به مجلس ارائه شد پیشنهاد گردید که یک تبصره به شرح ذیل به ماده ۴ این قانون اضافه شود: «زوجه می‌تواند نسبت به مهریه مندرج در سند رسمی نکاحیه و متعلقات و خسارات قابل مطالبه آن وفق قوانین جاری کشور، درخواست صدور اجرائیه نماید و در صورتی که زوج، ادعای پرداخت یا اعسار از پرداخت آن را داشته باشد می‌تواند نسبت به طرح دعوی مقتضی اقدام نماید. عملیات اجرایی جز در صورت صدور دستور موقت از سوی دادگاه، صدور حکم اعسار یا حکم متناقض با اجرائیه متوقف نمی‌گردد.»

و همچنین مقرر گردید که ماده ۲۲ قانون مذکور بدین شرح اصلاح شود: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد نکاح، مال کلی فی‌الذمه باشد و تا پنج هزار برابر حداقل مزد روزانه کارگر ساده ارزش داشته باشد، وصول آن مشمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی خواهد بود و نسبت به مازاد آن فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. اجرائیه صادره نسبت به مازاد سقف مندرج در این ماده صرفاً نسبت به اموال و دارایی قابل توقیف زوج قابل اجرا خواهد بود. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز الزامی است.»

۳. طرح اصلاح قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و مهریه:

به موجب این طرح پیشنهاد گردید که سه تبصره به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳ اضافه شود. مهم‌ترین تغییری را که با تصویب این طرح در قانون مذکور به وجود می‌آید بدین شرح در قالب تبصره ۱ به ماده ۳ اضافه می‌شود: «در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت یا تحصیل نکرده باشد، مانند دیه، مهریه و خسارات ناشی از جرائم غیر عمد، حبس نمیشود مگر آنکه ملائت وی اثبات گردد.»

۴. طرح قضا زدایی و کاهش عناوین مجرمانه:

به موجب این طرح که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۳ در مجلس شورای اسلامی اعلام وصول گردید پیشنهاد شد که تمامی رفتارهای مستوجب مجازات تعزیری درجه هفت و هشت «تخلف» محسوب شوند و مرتکب به حداکثر دو مورد از جایگزین‌های حبس موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی محکوم شود.

همچنین بر اساس این طرح تکلیفی بر عهده قوه قضائیه نهاده شد که ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون نسبت به فراهم نمودن زیر ساخت‌های دسترسی به میانجیگری موضوع فصل نهم آیین دادرسی کیفری نماید.

۵. طرح اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری:

کاهش اطاله دادرسی، رفع ابهام موجود در ماده ۲۴۲ قانون آئین دادرسی کیفری که موجب اختلاف رویه در مراجع قضایی شده است، ساماندهی و قانونمند کردن بازرسی اشخاص و خودروها در گلوگاه‌ها و محل استقرار پایگاه‌های ایست و بازرسی، رفع چالش ناشی از تعیین وکیل از میان وکلای مورد تأیید رئیس قوه قضائیه در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و جرائم سازمان یافته، تعیین تکلیف نحوه رسیدگی به جرائم درجه هفت و هشت در مواردی که توأم با سایر جرائم از درجات بالاتر هستند و ایجاد رویه واحد در مراجع قضایی و تعیین تکلیف نحوه جبران خسارت معنوی از افراد متضرر از جرائم اهدافی هستند که این طرح به دنبال تحقق آن است.

۶. طرح صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت:

این طرح که در ۷۷ ماده در آذر ۱۳۹۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام وصول گردید به دنبال تجمیع و انسجام قوانین مختلف و مقررات پراکنده در حوزه حفظ امنیت روانی، جسمی و جنسی زن و اصول مترقی قانون اساسی و جرم‌انگاری اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان است.

۷. طرح اصلاح قانون جرم سیاسی:

به موجب این طرح پیشنهاد گردید که یک تبصره به شرح ذیل به ماده ۴ این قانون اضافه شود: «کلیه جرائم علیه امنیت داخلی موضوع ماده ۲ جهت تعیین صلاحیت به هیئت منصفه جرائم سیاسی ارسال می‌گردد. هیئت منصفه مکلف است پس از تشکیل جلسه نسبت اظهار نظر در خصوص صلاحیت محاکمات اقدام نمایند.»

تازه‌های نشر

تنظیم کننده: فرشید نظری
دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

- ۱- رژیم تعقیب و تحقیق جنایات بین‌المللی / نویسنده: دکتر ابوالفتح خالقی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۱۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۰۱۸.
- ۲- بند مرگ «زندگی من به عنوان شاهد اعدام در بدنام‌ترین زندان آمریکا (نگزاس)» / نویسنده: میشل لیونز / مترجمان: دکتر حسین میرمحمد صادقی، غزاله ایلخانی زاده / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۲۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۸۱۰.
- ۳- جبران خسارت در مرگ‌های خطایی «مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا» / نویسنده: دکتر میرهادی قره سید رومیانی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع رقعی / قیمت ۴۸۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۵۲۰.
- ۴- مبانی امنیت قضایی در تحقیقات مقدماتی / نویسندگان: قدرت الله ابراهیمی فرانی، سامان صیدی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع رقعی / قیمت ۳۳۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۲۱۵.
- ۵- مبادی علم قواعد فقه / نویسنده: دکتر حیدری باقری اصل / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۷۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۶۹۸.
- ۶- حکومت قانون در ترازوی دیوان کیفری بین‌المللی / نویسندگان: دکتر سید قاسم زمانی، دکتر مهدی عبدالمالکی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۶۳۶.
- ۷- قلمرو نظارت دولت بر حقوق و تکالیف والدین کودک / نویسنده: غزاله رفاعی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۰۹۳.
- ۸- نظارت قضایی بر مقررات دولتی، با تاکید بر ارتقای کارآمدی دیوان عدالت اداری / نویسنده: دکتر محمدمبین ابریشمی راد / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۳۸۸۲.
- ۹- مسئولیت‌های ناشی از انتقال بیماری‌های منجر به مرگ تدریجی / نویسندگان: مهدی براتی میاب، فاطمه خوش‌کلام / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع رقعی / قیمت ۲۸۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۶۹۱۷۸.

- ۱۰- درآمدی بر حقوق و آیین دادرسی بین‌المللی کیفری (جلد سوم) / نویسندگان: رابرت کرایر، هاگان فریمن، داریل رایبسون، الیزابت ویلمز هورست / مترجمان: دکتر حسین فخر، دکتر داود کوهی / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۱۵۵.
- ۱۱- مجموعه پژوهش در عدالت جهانی شورای امنیت و محاکم کیفری بین‌المللی (اهمیت آیین تصمیم‌گیری) / نویسنده: کریستود والوس کاوترانیس / مترجم: حمیدرضا قراگزلو / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۴۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۷۱۱.
- ۱۲- اعمال قواعد حقوق کیفری عمومی در قلمرو تعزیرات / نویسندگان: دکتر حسین رنجبر، محمداصادق فرج‌پور، بهاره حمزه زاده / انتشارات مجد / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۲۵۴۰۵۶.
- ۱۳- تقابل و توازن امنیت و آزادی در دولت قانونمدار / نویسندگان: دکتر محمد شمعی، دکتر سید محمداصادق احمدی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۸۱۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۵۲۵.
- ۱۴- سازمان‌های غیردولتی در پرتو دکترین امنیت انسانی / نویسنده: دکتر زهرا ضیافتی صباغ / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۵۸۷.
- ۱۵- واکاوی فساد مالی در ایران / نویسنده: دکتر غلامعباس ترکی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۸۵۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۴۳۳.
- ۱۶- بایسته‌های دادنامه کیفری / نویسندگان: دکتر احمد رضانی، دکتر هاجر صداقت مهر / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۲۷۳.
- ۱۷- اختیار دادرسی کیفری در ارزیابی ادله / نویسنده: دکتر احمد رضانی / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۵۵۶.
- ۱۸- حقوق جزای عمومی / نویسنده: پاتریک کانن / مترجم: مجید ادیب / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۳۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۶۴۸.
- ۱۹- تحریم‌های سازمان ملل متحد و حاکمیت قانون / نویسنده: جرمی ماتام فارال / مترجمان: دکتر مجید عباسی، دکتر احمدرضا عصار / انتشارات میزان / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۷۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۲۲۲۱۲۱۲۸۰.
- ۲۰- حقوق جزای عمومی (پدیده مجرمانه) / نویسنده: دکتر حسین میرمحمد صادقی / انتشارات دادگستر / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۶۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۰۰۲۸۲۱۸۲۹.
- ۲۱- بزه‌دیده شناسی کودکان در شبکه‌های اجتماعی / نویسنده: دکتر هادی کرامتی معز / انتشارات دادگستر / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۴۵۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۰۰۲۸۲۱۷۸۲.
- ۲۲- سیاست جنایی ایران در رسیدگی به تخلفات و جرایم قضات / نویسنده: دکتر علی احمدی فر / انتشارات دادگستر / چاپ اول / سال ۱۳۹۹ / نوع جلد: شومیز / قطع وزیری / قیمت ۵۰۰۰۰۰ ریال / شابک ۹۷۸۶۰۰۲۸۲۱۷۷۵.

تازه‌های لاتین

تنظیم‌کننده: منصوره قنبریان بانوئی
دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Articles

- 1- State Crime, Native Americans and COVID-19, Laura Finley, State Crime Journal, Vol. 10, No. 1, The Covid-19 Pandemic and State Crime, 2021.
- 2- Do Prisoners' Lives Matter? Examining the Intersection of Punitive Policies, Racial Disparities and COVID-19 as State Organized Race Crime, Elizabeth A. Bradshaw, State Crime Journal, Vol. 10, No. 1, The Covid-19 Pandemic and State Crime, 2021.
- 3- Moving Beyond Abstract Typologies? Overview of State and State-Corporate Crime, Dawn L. Rothe, Journal of White Collar and Corporate Crime, Vol. 1(1), 2020.
- 4- State Crime, Michael Grewcock, The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Social Theory, 2017.
- 5- Theologizing State Crime, Nadera Shalhoub-Kevorkian, Yossi David and Sarah Ihmoud, State Crime Journal, Vol. 5, No. 1, Palestine, Palestinians and Israel's State, Criminality, 2016.
- 6- Holocaust as the Prototype of Genocide, On Some Problems with the Modern State Crime Paradigm, Michal Bilewicz, Analyses of Social Issues and Public Policy, Volume 16, Issue 1, 2016

Book

- 1- The 'War on Terror', State Crime & Radicalization, A Constitutive Theory of Radicalization, Palgrave Studies in Risk, Crime and Society, Shamila Ahmed, Palgrave Macmillan, 2020.

